

جنسی و زناشویی (جلد اول)

توجه: بعضی از مطالب بدلیل مطابقت نداشتن با قوانین حذف شده است (با تشکر از مدیریت سایتهای منبع بویژه ashgehi4u)

انتخاب همسر همه بخوند:

یکی از سخت ترین مراحل زندگی هر انسان انتخاب شریک مناسب برای زندگی خود میباشد هر انسانی در ذهنیت خود این شریک را پردازش کرده و آینده خیالی خود را بازسازی می کند طبیعتا شخص بازسازی شده بهترین است زیبا ترین است اما زندگی رویا نیست زندگی حقیقتیست تلخ و شیرین زیبا و زشت با تولد شروع می شود و با مرگ و با در لفظ فلسفی با تولدی دیگر به اتمام میرسد همه ما روزی به دنیا آمده ایم و روزی از دنیا میرویم اما آیا همه ما طمع واقعی زندگی را چشیده ایم انتخاب های ما این زندگی را می سازد انتخاب همسر رشته تحصیلی انتخاب شغل و ... اما انتخاب یک زوج تاثیر مسقیم روی انتخابهای بعدی ما دارد دوستان زیبایی طرف شما یک شرط انتخاب است اما بهتر است بدانیم ظاهر هیچ یک از انسانها در اختیار خود آنها نبوده زشت ترین و زیبا ترین انسانها هم ازدواج کرده اند چه افرادی بودند که علی رغم ظاهر خوب بهترین زندگی را همراه با خانواده خود تجربه کرده اند و بالعکس افرادی که زیبا رو بوده اند و هرگز فرصتی برای زندگی نداشته اند کلا در انتخاب همسر اولین معیارتان ظاهر نباشد چراکه زشت و زیبا بعد از گذشت چند ماه یا یکی دو سال کاملا عادی می شود به قول قدیمیها زن و مرد خوشگل مال مردم هستند زیبای همسر شما نه شکم شما را سیر می کند نه تاثیری در روند زندگی زناشویی شما دارد .

در زندگی هرکشی دوران پر شروشور جوانی را پشت سر می گذارد در این دوران کارهای عجیبی انجام می دهد که بعدا ها به عملکرد خود می خندد دختران غریزه خودنمایی خود را بیشتر در سنین جوانی ابراز می دارند و پسران نگاههای آنچنانی خود را کم کم از دوران نوجوانی و جوانی شروع می کنند حس دوست داشتن حس عشق و علاقه ای که برگرفته از این خودنمایی ها و اون نگاهها باشد مقطعی است دختری پسری که ۱۶ یا ۱۷ سال سن دارند واقعا چه چیزی بین آنها ردو بدل می شود که باعث عشق میان آندو می شود چرا بارها دیدم افاید که از سنین ۱۴ یا ۱۵ سالگی با هم دوست بودندو بعد چند سال با هم ازدواج کردند و خدا رو شکر راضی هم بودند اما این در مورد همه صادق نیست زود تا به چشم و ابرو میبینید نرید تو فکر ازدواج ظرفیت خودتون را بالا ببرید اینطور نباشید که تا به دختر که چشم و ابروی زیبا و صدای جذاب دارد دستش به شما بخورد خودتونو گم کنید خوب در بعضی افرادم که دیگه کار دست خودشون می دونو ...

دختران و زنان به صورت سمعی وابسته می شوند و پسران و مردان به صورت بصری یعنی چی ؟ یعنی اینکه امکان دارد خانمی با شنیدن صدا و لحن صحبت کردن آقای بی به اون آقا ندیده وابسته بشود به هر حال هر کدوم ما تصویری از شخصی که اون طرف خط تلفن نشسته و با ما صحبت می کند ساخته ایم و این تصویر فقط از روی طرز صحبت و لحن بیان طرف میباشد اما آقایون زمانیکه یک نفر رو می بینند بدون اینکه خصوصیات اخلاقی طرف رو در نظر داشت هباشند ابراز می کنند که یک دل نه هزار دل عاشق شده اند واقعا این معیار خوبیست برای ازدواج؟

نکته ای که اهمیت زیادی دارد مطمئن باشید هیچ وقت شخصی که تمام خصوصیات مورد نظر شما را به عنوان همسر داشته باشد و به تمام نیازهای شما پاسخ دهد پیدا نخواهد کرد چه مرد و چه زن اگر فردی را انتخاب کردید که بیش از ۷۰ درصد از خصوصیات مورد نظر شما را داشت اون شریک خوبی برای شما می تواند باشد به هر حال در ازای نداشتن ۳۰ درصد خصوصیات مورد نظر شما شاید خص.صیات دیگری هم داشته باشد و البته در زندگی می تواند میزان قابل توجه از خصوصیات که ندارد رو با کمک شما بهد ست بیاورد البته این رابطه کاملا دو طرفه است دوستان عزیز زندگی فقط عشقو دوست داشتنو رابطه جنسی و این حرفها نیست صدر صد زندگی سختیهایی هم دارد دعوا دارد مشاجره دارد بحث دارد بیماری دارد کار کردن حالا امروزه که با توجه به مشکلات مادی اکثرا اجاره خانه و مشکل شغل و خیلی چیزای دیگه هم بهمراه دارد زندگی همین نیست که شما مدام بهم بگید عزیزم عاشقتم عزیزم دوست دارم باور کنید اینها همه عادی می شود دیگه از رابطه جنسی داغ تر که نداریم حتی روزی اون هم عادی می شود و کم کم حتی فراموش می شود عاقل باشید حتما مشورت کنید با کسی که قبولش داریدو البته موفق بوده که این موفقیت نباید فقط از دیده شما باشد بلکه از دیده دیگران هم باید شخصی موفق محسوب شود زندگی سرتاسر ریسک است خیلی ها ریسک می کنند و موفق می شوند و خیلی ها هم متاسفانه شکست می خورند دوست داشتن رو خاص یک نفر بدونید چه کسی نزدیک تر از همسر به انسان

سخن آخر نویسنده :

معیار انتخاب همسر یکی و دوتا نیستند تمامی جوانب رو در نظر بگیرید مهمترین تصمیم زندگی شما تصمیم ازدواج می باشد به خاطر داشته باشید هر انسانی فقط یکبار فرصت زندگی دارد پس درست و منطقی تصمیم گیری کنید تا زندگی را به معنای واقعی لمس کنید زنده ماندن هنر نیست این زندگی کردن است که امروزه هنر تلقی می شود پس سعی کنید هنرمند قابلی باشید اگر احساس می کنید مرد شده اید و می خواهید ازدواج کنید باید طوری رفتار و برخورد داشته باشید که دیگران هم حس کنند شما مرد شده اید دختران در خانواده به پدر خود تکیه میکنند و شما به عنوان شوهر باید تکیه گاهی به مراتب محکم تر برای همسر خود باشید تا آنها در کنار شما احساس امنیت کنند از هر لحاظ مسئولیت پذیری آسان نیست دختران دست از زندگی تجملاتی بردارید سعی کنید کمک شوهر خود باشید نه اینکه مشکلی به مشکلات او اضافه کنید سازگار باشید تا طمع زندگی را بچشید صبور باشید با امید موفقیت برای تمام شما خوانندگان این مطلب امیدوارم ذره ای موثر واقع شده باشم اگر اینگونه بود به یاد من باشید

با تشکر از همه شما دوستان علی سلطانی مجد

نقش عوامل فرهنگی در ازدواج منبع: وبلاگ vidavejdany

مهمترین عاملی که در ازدواج نقش مؤثری دارد، عامل فرهنگی است. چه بسیار خانواده هایی که به علت ناهماهنگی در زمینه های مختلف فرهنگی وضع نابسامانی دارند و یک عمر را نا شاد و ناراحت می گذرانند. عوامل فرهنگی ابعاد مختلفی دارد که مهمترین آنها عبارت اند از:

۱- دین و مذهب؛ تشابه در اعتقاد و یا ...

۲- آداب و رسوم؛ تشابه در مراسم مختلف

۳- لباس پوشیدن و آراستن ظاهر؛

۴- سنت ها؛

۵- اعتقادات و باورها.

در این فصل نقش هر یک از عوامل مذکور در رابطه با ازدواج و همسرگزینی بیان می شود.

الف: دین و مذهب در رابطه با ازدواج

اعتقادات دینی و مذهبی در ازدواج نقش مهمی دارد. دختر و پسری که با اعتقادات دینی متفاوت ازدواج می کنند؛ پس از احساسات پرشور جوانی، در زمینه های مختلف اختلاف نظر و احتمالاً ناسازگاری خواهند داشت. از جمله زمینه های مورد بحث موارد زیر را می توان نام برد:

- **اختلاف در تربیت فرزندان:** زن و شوهری که دارای دو دین متفاوت هستند، مسلماً در چگونگی تربیت و آموزش فرزندان خود و نیز انجام مراسم دینی با مشکلات و مسائلی مواجه خواهند شد.

- اختلاف در عقاید:

- **اختلاف در انجام فرایض و مراسم دینی:** عدم هماهنگی در انجام فرایض و مراسم دینی می تواند زمینه ای برای ناسازگاری خانوادگی باشد.

- **اختلاف در مسافرت ها و گردش:** برای مرد یا زن مسلمان مسافرت های زیارتی و حج مورد توجه است؛ در حالی که مرد یا زن غیر مسلمان رغبت به چنین برنامه هایی ندارد و یا در مورد حج اجازه انجام اعمال را ندارد.

لباس پوشیدن (به ویژه حجاب برای زنان)، مسئله طهارت و سایر احکام، موارد دیگری برای ایجاد ناسازگاری و اختلاف در زندگی زناشویی است.

با توجه به موارد بالا، ازدواج دختر و پسر از دو دین متفاوت بخصوص اگر ایمان قوی داشته باشند، زندگی زناشویی را به سوی ناراحتی و نا شادی سوق می دهد. فرضاً اگر فردی با انگیزه های خاص به طور صوری تغییری در دین یا مذهب خود بدهد، چون اعتقادات او در دوران طفولیت ریشه دار شده رفتار او با همسرش هماهنگی کامل نخواهد داشت.

مسئله دیگری که قابل طرح است، موضوع مذهب و اختلافات مذهبی است. ازدواج یک دختر شیعه مذهب با یک پسر اهل تسنن نیز همان مشکلات اختلافات دینی را در پی خواهد داشت و گاه چون

اختلافات در این زمینه با تعصب نیز همراه است، احتمال بروز مشکلات جدی تری را می تواند در پی داشته باشد.

اختلاف در سطح ایمان و اعتقاد دینی

بسیار اتفاق می افتد که یک زوج مسلمان به علت اختلاف در سطح اعتقاد، زندگی پر آشوب و ناراحتی را می گذرانند. اگر یک دختر مؤمن با یک پسر بی بند و بار ازدواج کند، از نظر لباس پوشیدن، از نظر روزه گرفتن، نماز خواندن و یا معاشرت با دوستان شوهر و خانواده اش ناراحت است. او نمی تواند به اعتقاداتی که بدان پای بند است، جامه عمل بپوشاند و گاه اتفاق می افتد که شوهرش او را به انجام اعمال خلاف شرع نظیر عدم رعایت حجاب، دست دادن با مردان نامحرم و شرکت در جلسات لهو و لعب و نظایر آن وادار کند و در صورتی که اطاعت نکند با او ناسازگاری کند و به او بر حسب هابی نظیر مرتجع و عقب افتاده بزند و چه بسا که زندگی را برای او تلخ سازد. در چنین خانواده هایی با نزاع و جدال در مواردی که شوهر به دیدن نوارهای مبتذل ویدیویی و یا صرف وقت برای شنیدن نوارهای موسیقی مشغول است ، و زن با آن مخالفت می کند ، مواجه می شویم. عکس این حالت نیز صادق است؛ پسر مؤمنی که با دختر بی بند و بار و به اصطلاح متجدد ازدواج می کند ، از رفتار و اعمال و لباس پوشیدن او رنج می برد و اگر او را به اجبار به رعایت حجاب و سایر مسائل شرعی وادار کند، زندگی ناراحت کننده ای خواهد داشت؛

چه بسا که خانواده های آنان نیز چنین اختلافی از نظر عقیده و رفتار داشته باشند و بالاخره پس از چند فرزند و سال ها تحمل ناراحتی، مجبور به طلاق و جدایی شوند.

ب: آداب و رسوم در رابطه با ازدواج

در جوامع مختلف ، آداب و رسوم متفاوتی رایج است . گاه عقاید یک جامعه با عقاید جامعه دیگر در تضاد می باشد و این موضوع بخصوص در مسئله زناشویی قابل توجه است. در فرهنگ غرب اعتقاد به اصل آزادی جنسی آداب و رسومی را موجب شده است که با عقاید جوامع اسلامی مغایر است و با اعتقادات مسلمانان همخوانی ندارد. از جمله این آداب و رسوم می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- دست دادن زن ها و مردها اعم از محرم و نامحرم؛

- معاشرت زنان و مردان نامحرم؛

- تشکیل جلسات لهو و لعب مختلط مرد و زن؛

- جدا شدن فرزندان از خانواده از ۱۸ سالگی و گسیختگی رشته های عاطفی آنان با والدین؛

- اهمیت ندادن به صله رحم؛

- عدم همیاری؛

- قطع ارتباط های خانوادگی.

با توجه به آداب و رسوم رایج در ممالک غربی و تضاد آن با سنن و آداب اجتماعی در ممالک اسلامی می توان نتیجه گرفت که ازدواج های پسر و دختر ممالک غربی صرفنظر از سایر عوامل فرهنگی تنها از دید آداب و رسوم رایج، عواقب خوشایندی نخواهد داشت.

آداب اجتماعی رایج در یک جامعه نیز در طبقات اجتماعی و ساکنان قسمتهای مختلف یک کشور متفاوت است و گاه در پیوندهای زناشویی مشکلاتی را ایجاد می نماید. آداب و رسوم ده با شهر ، و

آداب و رسوم اصناف و طبقات مختلف اجتماع با یکدیگر فرق دارد. لذا ضرورت دارد، در زناشویی همه ی این موارد مورد توجه قرار گیرد. خانواده های سنتی اجازه نمی دهند که فرزند در حضور آنان آزادانه عمل کند. داماد یا عروس خانواده، چنانچه در حضور مادر شوهر یا پدر شوهر و یا پدر زن و مادر زن پای خود را دراز کند و یا احیاناً نسنجیده سخن گوید، ناراحت می شوند و گاه این گونه رفتار به اختلاف و گله گذاری منجر می شود.

خانواده هایی که به اصطلاح متجدد هستند و از فرهنگ غرب تقلید می کنند با خانواده های سنتی نمی جوشند. طبقات کارگر و مستضعف از آداب و رسوم خاص خود پیروی می کنند. در این گونه طبقات آداب و رسوم غربی محلی ندارد. چهار زانو نشستن و استفاده از کلمات خاص در سخن گفتن و احیاناً دراز کشیدن و لم دادن در مجالس از آداب رایج است که به هیچ وجه این گونه رفتارها برای خانواده های فرنگی مآب قابل تحمل نیست

و در نتیجه ازدواج هایی که در چنین خانواده هایی با آداب و رسوم متفاوت صورت می گیرد، برای زوجین و خانواده های آنان خوشایند نیست و گاه به صورت مشکل حادی خودنمایی می کند که حلاوت زندگی را از زن و شوهر می گیرد و خانواده های وابسته را نیز ناراحت می کند و به عکس العمل های ناخوشایند وا می دارد.

ج- لباس پوشیدن و آراستن ظاهر

در ازدواج مسئله لباس پوشیدن و آرایش ظاهر در مورد خانمها بسیار حائز اهمیت است. چنانچه یک زن مؤمن محجبه با یک مرد بی بند و بار ازدواج کند؛ زندگی برای یک عمر برای او زجرآور خواهد بود. برعکس یک زن آرایش کرده ی بد حجاب نیز چنانچه با مردی متدین ازدواج کند؛ زندگی هر دو با ناراحتی و مجادله خواهد گذشت. خوشبختانه چون نحوه لباس پوشیدن و آراستن ظاهر یک امر عینی است. بنابراین در این مورد بررسی و تصمیم گیری امر ساده ای است و هر کس در نگاه اول می تواند وضعیت خود را با طرف مقابل ارزیابی کند. قابل ذکر است که در فرهنگ ایرانی مردان اعم از مؤمن و بی بند و بار، به ناموس خود اهمیت می دهند و غیرت مردانگی آنان اجازه نمی دهد که بدن همسر آنان عریان در معرض دید دیگران قرار گیرد و بخصوص روابط عاطفی با مردان دیگر داشته باشد. بنابراین دختران جوان باید این موضوع را در نظر داشته باشند و به خیال تجدد خواهی طوری عمل نکنند که برای جلب مردان و خودنمایی، حرکات جلف انجام دهند و لباس های نامناسبی بپوشند. آنچه در کنه ذات مردان با تعدیل های متفاوتی وجود دارد آن است که همسر آنان را آفتاب و مهتاب ندیده باشد.

د- سنت های غیر معقول در زناشویی

بعضی از خانواده ها سنت های فرهنگی خود را حفظ کرده و آنها را به دیده احترام می نگرند و عمل می نمایند. از جمله سنت هایی (خواه خرافی یا معقول) که در این زمینه مطرح است؛ عبارت اند از:

- مرد در خانه تصمیم گیرنده است و زن باید از او اطاعت کند و به طور کلی مرد سالاری حاکم بر خانواده است.

- خانواده به دختر اهمیت نمی دهد و دختر داشتن یک نوع بدشانسی است. از یک مرد مخالف با دختر پرسیده شد که چند بچه داری گفت یکی، آن چهار دختر که به حساب نمی آیند!

- تحصیل دختران را ضروری نمی دانند و معتقدند که کار زن ها بچه داری و خانه داری است.

- زن ها را به صورت های مختلف تحقیر می کنند و آنان را به اسامی ضعیفه ، ناقص الايمان و نظایر آن می خوانند.
- مردها از گرفتن چند زن ابا ندارند.
- انجام ازدواج موقت برای مردان عیب نیست.
- زورگویی و دیکتاتوری به زن و بچه از مشخصات خانواده مرد سالاری است.
- بی بند و باری و فساد و دیر آمدن شوهران به خانه چندان مهم نیست؛ ولی کوچکترین خطا از سوی زن مصیبتی بزرگ است و به شدت با آن برخورد می شود.
- زن ها را به عنوان موجوداتی که باید کار کنند و سهم نبرند؛ می شناسند.
- مرد در ثروت زن و مصرف آن دخالت می کند و هیچ استقلال و شخصیتی برای زن قایل نیست.
- در بعضی از خانواده ها زن سالاری است و زن حاکم بر خانه است.
- در خانواده پدر سالاری که پدر بزرگ و پسران و دختران، عروسها و دامادها هر یک در یک یا دو اطاق ساکن بوده و همه با هم زندگی می کنند؛ استقلال عروس، داماد و بچه ها محدود و پدر بزرگ از موقعیت خاصی برخوردار است.

شیوه هایی که ذکر شد بخشی از سنت های غیر معقول در خانواده هاست. دختر و پسری که بخواهند ازدواج کنند ، بایستی در مورد خانواده مورد نظر خود تحقیق نمایند و در صورت وجود سنت های مشابه آنچه گفته شد جای خود را در خانواده مشخص و ارزیابی کنند و چنانچه حاضر به پذیرش آنها نیستند از قبول همسر از چنین خانواده هایی امتناع ورزند.

ه - اعتقادات و باورها

علاوه بر اعتقادات دینی و مذهبی جنبه های دیگری را نیز در بر می گیرد که از نظر زندگی خانوادگی اهمیت زیادی دارد؛ برای دختری که تمام هم و غمش توجه به لباس و تجملات و خودنمایی است ، تحمل مردی که تمام اوقات خود را به مطالعه می گذراند و توجهی به لباس او و خودش و وضعیت خانه ندارد؛ مشکل است.

در زندگی هر فرد ارزش ها و ضد ارزش های فرهنگی نقش مهمی دارد؛ باید توجه داشت که کدام ارزش و عقیده خوب یا بد است . در اینجا آنچه مطرح است ، اختلاف اعتقادات و باورها و نقش آنها در زندگی

خانوادگی است. این موضوع باید قبل از ازدواج مورد توجه قرار گیرد و فرد همسری انتخاب کند که اعتقادات و باورهای او به اعتقادات و باورهای وی نزدیک باشد. در این صورت آنها خواهند توانست با روش های منطقی بر اعتقادات و باورهای یکدیگر تأثیر بگذارند و اختلاف های جزئی را حل و ایجاد تفاهم نمایند.

وظایف مشاوران در امر ازدواج در رابطه با عوامل فرهنگی

۱- مهمترین وظیفه مشاوران در مورد دختر و پسری که متدین به دو دین متفاوت می باشند و قصد ازدواج دارند ، آن است که آنان را با پیامدهای چنین ازدواجی آشنا سازند. دختر و پسر ممکن است تحت تأثیر مسائل جوانی به اهمیت اختلاف عقاید دینی توجه نکنند. مشاوران باید محیطی فراهم

کنند تا آنان علل ازدواج خود و جنبه هایی را که بدان توجه کرده اند ، بیان کنند. سپس اموری دیگر از جمله اختلاف عقیده دینی را مطرح سازند و در این زمینه به آنان هشدار دهند.

۲- مشاوران باید دختر و پسر را که پیرو دو دین متفاوت می باشند، از نظر سطح ایمان در دینی که به آن اعتقاد دارند، بررسی کنند و چنانچه اعتقاداتشان عمیق و ریشه دار باشد ، آنان را به تغییر دین یا مذهب امیدوار ننمایند.

۳- مسئله دیگری که مشاوران باید بررسی و اطلاعات آن را به دختر و پسر منتقل نمایند؛ میزان اختلاف عقاید دو دین است. در بعضی از ادیان درصد اختلاف عقاید آنها است. ولی بعضی ادیان اختلاف جدی و حالت خصمانه نسبت به هم دارند؛ کمک مشاور در این زمینه می تواند در تصمیم گیری آنان مؤثر باشد.

۴- پیوند همسران متدین به دین و مذهب با سطح اعتقادی یکسان ، بهترین حالت ازدواج است. بنابراین مشاوران باید دختران و پسران را به این امر توجه دهند تا آنان در زندگی زناشویی از نظر تفاوت در اعتقادات مذهبی رنج نبرند و بتوانند فرائض و مراسم دینی را به طور مشترک انجام دهند.

۵- در مواردی که پسر و دختر از نظر ایمانی و اعتقادی اختلاف دارند ، مثلاً یکی متدین و مؤمن و دیگری بی بند و بار و به اصطلاح متجدد است ، وظیفه مشاور آگاهی دادن آنان به مشکلات بعد از ازدواج است. این امر چنانچه کاملاً توجیه و تفهیم گردد ، مطمئناً در تصمیم گیری آنان در جهت همسرگزینی تأثیر خواهد گذاشت.

۶- در مورد اختلاف آداب و رسوم اعم از این که در دو جامعه یا در طبقات اجتماعی یک جامعه یا راجع به ساکنان قسمت های مختلف جغرافیایی یک کشور باشد ، مشاور باید دختر و پسر را از نظر آداب و رسوم رایج آگاهی دهد و اختلاف آداب و رسوم جامعه یا طبقه اجتماعی هر یک از طرفین را مقایسه نماید. در صورتی که در این مقایسه اختلاف جدی و مشکل زا وجود داشت؛ باید طرفین را به اهمیت موضوع توجه دهند.

تغییر ویژگی های فرهنگی در بعضی از جوامع به دلیل ریشه دار بودن آنها بسیار مشکل است. گاه این موضوع در مسائل زناشویی زوجین که از دو جامعه یا دو طبقه اجتماعی متفاوت می باشند ، مشکلات جدی ایجاد می نماید.

۷- موضوع لباس پوشیدن از دو جنبه حائز اهمیت است یکی این که پوشش زنان مرتبط با عقاید دینی است و دیگر این که از نظر اجتماعی واجد ارزش است.

بنابراین در ازدواج نحوه لباس پوشیدن نقش مهمی دارد که بایستی زوجین را بدان توجه داد. مشاوران باید در مسائل فرهنگی که برخاسته از اعتقادات و عادات ریشه دار است هیچ موردی را در زمینه ازدواج نادیده نگیرند و به زوجین آگاهی و اطلاعات لازم را بدهند.

۸- در مورد رسم های غیر معقول و اعتقادات و باورها که نقش تعیین کننده در ازدواج دارند ، باید مشاوران جداً وارد عمل شوند و در رابطه با باورها و سنت هایی که غیر معقول بوده و ممکن است شالوده زندگی زناشویی را سست نماید ، اطلاعات لازم را بدهند و زوجین را در مورد عواقب بعدی آنها توجیه کنند.

کلا احتیاج به شریک در زندگی، پذیرفتن مسئولیت یک یا چند نفر در غالب خانواده، عشق ورزیدن به همسر و فرزند و تامین سایر نیازهای اعضای خانواده شاید در بیان ساده باشد اما در عمل سخت خیلی از پسر ها را می شناسم که علی رغم بالا بودن سطح مالی پس از چند سال یا حتی چند ماه زندگی به شکست برخوردند به نظر من برای ازدواج سنی نمی شود در نظر گرفت چرا که ازدواج یک مرحله از زندگی است و برای وارد شدن به این مرحله آماده شدن و رشد کردن عقل و جسم و البته بوجود آوردن شرایط مناسب بسیار بسیار اهمیت دارد حالا یک نفر این شرایط را در سن ۲۰ سالگی در خود می بیند و یک نفر در سنین بالا تر یا حتی پایین تر از کجا بفهمیم از نظر فکری و عقلی به رشدی رسیدیم که ازدواج کنیم؟ من از حرفهای پیچیده دیگران استفاده نمی کنم برای شناختن رشد عقلی خود یک پیشنهاد دارم در نظر بگیرید شما الان در هر سنی که هستید ۱۸ سال ۲۰ ساله ۲۵ ساله ۳۰ ساله یا بیشتر یا کمتر دختر یا پسر و یا زن و مرد فرق نمی کند در سن کنونی تصور می کنید خیلی از مسائل زندگی را می دانید و تصور می کنید بهترین تصمیم ها را میگیرید و البته معیاری هم که برای ازدواج دارید فکر می کنید بهترین الگو می باشد اما فقط کافیست یک سال بزرگتر شوید می بینید که چقدر تفاوت کرده شاید الگوهای شما برای ازدواج تغییر کرده و یا به آن اضافه شده همین الان یک موضوعی که سال پیش برایتون پیش اومده را تصور کنید شاید امسال عملکرد سال پیش خود را در قبلا حل آن مشکل رد می کنید حالا اگر شما با معیار امسال خود تصمیم به ازدواج بگیرید و فردی را با همین معیار انتخاب کنید و سال آینده یا شاید دو یا سه سال بعد که معیار شما تغییر می کند می بینید که فردی که انتخاب کردید نمی تواند پاسخگوی معیارهای شما باشد در این زمان شاید نه راه پس باشد و نه راه پیش راه چاره چیست مطمئن باشید در طول زندگی در دوران جوانی به سنی خواهید رسید که حتی بعد از گذشت ۲ یا سه سال در می یابید که به یک شناخت کلی رسیده اید و معیارهای شما تغییر آنچنانی نمی کند طرز فکر شما در طول این چند سال تغییر آنچنانی نکرده این زمان دقیقا سن ازدواج شماست که البته باز هم عرض می کنم شاید شما در سن ۲۲ سالگی به این مرحله برسید شاید ۲۸ سالگی و شاید در سنین دیگر خودم را مثال میزنم الان ۲۷ ساله هستم و با دانستم خیلی از مسائل که شاید دیگران نمی دانند اما هنوز معیار هایم با سال قبل تفاوت دارد پس صبر می کنم ازدواج در سنین پایین را نقض نمی کنم به هیچ وجه اما بخاطر داشته باشید دنیای جوانی دنیای شور و تجربه آموختن است پس بهتره با دستی پر زندگی را شروع کرد اصلا مسئله مادیات نشاندهنده زندگی بهتر نیست دوستان من مطمئن باشید زندگی مشترک از درون یک چیز است و بز برون چیز دیگر خیلی از مسائلی که در دوران قبل از ازدواج برای شما اهمیت ندارد دقیقا شاید مهمترین مسئله در دوران زندگی مشترک شما باشد و یا بالعکس پس با دید باز تصمیم گیری کنید بهتر است اول عاقل باشید و انتخاب کنید و بعد از انتخاب عاشق باشید و خوب زندگی کنید با آرزوی موفقیت برای تمامی شما دوستان خوبم زندگی سرتاسر عشق و خوبی و زیبایی را برای شما آرزومندم

۹ انگیزه غلط برای ازدواج

برخی اوقات افراد گوناگون به دلایل عجیب و غریبی ازدواج میکنند. گاهی نیز دلایل خوب و موجهی برای

انتخاب فرد بخصوصی در سر دارند. آیا شما تحت فشار هستید که هرچه زودتر ازدواج کنید؟ آیا در این مرحله از رابطه تان باید ازدواج کنید؟ بهتر است که خوتان را ارزان نفروشید. به این دلایل بد برای ازدواج نگاهی بیاندازید :

۱) ازدواج کردن فقط برای پول

فرض میکنیم فردی که شما شیفته و عاشقش شده اید شخص ثروتمندی باشد که خوش به سعادتان، البته عاقلانه هم نیست که با فردی که کاملاً بی پول است و هیچ قصدی هم ندارد که در آینده در تامین هزینه های زندگی سهمی داشته باشد، ازدواج کرد. مگر آن که حاضر باشید ۱۸ ساعت از روز را با کمال رضایت کار کنید تا قادر باشید مخارج سنگین زندگی را تامین کنید. اما ازدواج کردن با فردی تنها به خاطر پول، صرفنظر از احساس شما نسبت به آن فرد، تقریباً همواره اشتباه میباشد.

۲) ازدواج اجباری

50 سال پیش شما چاره ای جز ازدواج در این شرایط نداشتید (با فردی که رابطه جنسی داشته اید و منجر به بارداری شما گردیده) اما امروزه خیر. مگر آنکه حقیقتاً به فرد مورد نظر علاقمند باشید و حاضر باشید تا ۴۰ سال با وی زیر یک سقف زندگی کنید. تحت فشار تصمیمی نگیرید که یک عمر پشیمانی و اندوه برایتان به بار بیاورد. اگر مردد و دو دل می باشید صبر کنید تا کودک دنیا بیاید سپس یک تصمیم عاقلانه و هوشیارانه اتخاذ کنید.

۳) ازدواج به خاطر ترک و فرار از خانه والدین

وقتی وضعیت در خانه شوم و اندوه بار باشد، ازدواج یک راه گریز محسوب می شود. و تعجیبی ندارد که بسیاری از افراد این راه گریز را انتخاب میکنند. اما معمولاً این مسیری است که شما را از چاله در آورده و درون چاه می اندازد. دوام آوردن در خانه پدر و مادر یکی دو سال طولانیتر، کمتر رنج آورتر میباشد تا آنکه با نخستین پیشنهاد ازدواجی که از سوی فردی به شما داده شد، آن را پذیرفته و تن به ازدواج دهید زیرا آن وقت ممکن است آن فرد تا آخر عمر سبب رنجش و آزار شما گردد.

۴) والدین شما به آن فرد علاقه دارند

البته جای تعجب دارد که والدین شما واقعا همسر آینده شما را دوست بدارند! اما دوست داشتن این فرد از سوی آنها دلیل کافی برای مد نظر قرار دادن ازدواج با آن فرد نمی باشد. سالهای آینده زمانی که آنها درگذشتند و از میان شما رفتند شما کماکان باید اسیر فرد رویاهای آنان باشید. فردی که شاید مرد و یا زن رویاهای شما نباشد.

۵) عادت به رابطه دراز مدت

هنگامی که دو فرد برای مدتی با یکدیگر ارتباط داشته و سپس تصمیم ازدواج با یکدیگر را می گیرند، اشکالی ندارد. اما چه وقت اجبار بدلیل عادت محض خطرناک میشود؟ زمانیکه دو فرد با یکدیگر ازدواج کرده اند و یا از یکدیگر طلاق گرفته اند تصمیم بگیرند که شانس خودشان را مجدداً امتحان

کنند. مطمئن باشید هرگاه بار نخست کارساز نبوده باشد بار دوم نیز کارساز نخواهد بود.

۶) خواهان فرزند بودن

بله. صاحب فرزند شدن قویترین نیروی محرک برای بسیاری از افراد برای ازدواج میباشد-اما آیا شما حاضرید که فرزندان خود را در شرایطی نه چندان ایده آل پرورش دهید؟ موضوع اینجاست که زمانی که فرزندان بزرگ میشوند و از کنار شما می روند شما مجدداً با آن فرد خواهید بود. هیچ فردی کامل نیست. اما حداقل پدر و یا مادری برای فرزندان خود برگزینید که بتواند برای آنان یک پدر و یا مادر خوبی بوده و همچنین شما به وی علاقه داشته و برایش احترام فائل باشید. درغیر این صورت گزینه دیگری را مدنظر قرار دهید مانند تک سرپرستی و یا کودکی را به فرزند خواندگی بپذیرید.

۷) با فردی که رابطه جنسی داشته اید ازدواج کنید

مواردی وجود دارد که اینگونه ازدواجها ثمر بخش بوده اند. اما معمولاً این گونه ازدواجها زیاد دوام نخواهد آورد و پایه ای برای یک رابطه دراز مدت نخواهد بود. موضوع رابطه جنسی با ازدواج متفاوت می باشد. این سناریو را در نظر بگیرید: فردی که شخصی را می یابد که حاضر است به همسر و یا نامزد خود خیانت کند و خود آن شخص نیز تردید نمیکند که با فرد دیگری رابطه جنسی برقرار کند، مسلماً رابطه آنها رابطه مستحکمی نخواهد داشت. زیرا فردی که توسط شما به فرد دیگری خیانت کرده، روزی نیز به خود شما خیانت خواهد کرد.

۸) برای فرزند خود پدر و یا مادر میخواهید

اگر توانستید فرد مناسبی را بیابید که به شما تبریک میگوید. اما اگر تردید دارید دست نگاه دارید. این برای فرزند شما به مراتب سختتر و ناگوارتر است که یک نامادری و یا ناپدری بی رحم داشته باشد تا آنکه یک پدر و یا مادر تک اما دلسوز و مهربان.

۹) فشار اجتماعی

تمام دوستان شما ازدواج کرده اند. اما شما هنوز مجرد هستید... اما مطمئن باشید که یکی دوتای آنها هم اکنون طلاق گرفته اند. پس خودتان باشید. هنگامی که خاله شما در مورد آنکه آیا تصمیم به ازدواج داری یا خیر از شما سوال می کند به وی اعتنا نکنید. بهتر است تنها باشید تا آنکه با شخصی ازدواج کنید که سبب بد بختی شما گردد. هیچگاه تنها بخاطر آنکه متاهل هستید معیارهای خود را پایین نیاورید. منبع: amizeshirani

تقویت عزت نفس

با تشکر علی آیا خودبهبودی می تواند در زندگی شما تحقق یابد یا خیر؟ این عامل، همان ((عزت نفس)) شماسست توسعه عادتها و مهارتهای مثبت بستگی به عزت نفس، شما دارد. هرچه عزت نفس شما بیشتر باشد، راحت تر قادر خواهید بود از مهارتهای ارائه شده در این بروشور بهره ببرید.

تقویت عزت نفس مهمترین عامل ((مؤفقیت)) است. این عامل، شیوه زندگی تان را به طور کلی دگرگون می سازد. اگر عزت نفس شما زیاد باشد، بامشکلات از طریق حل کردن آنها مواجه می شویدنه از طریق مقصر دانستن خود یا دیگران. عزت نفس زیاد به معنی درگیر شدن بامشکل وتن دادن به آن است، نه متنفر بودن وداشتن انزجار نسبت به آن و سرگردان شدن وحسرت خوردن. همچنین به مفهوم آن است که هرگاه شکست خوردید از آن درس بگیرید و دوباره سعی کنید تا به مؤفقیت برسید، نه آنکه تلاش خود را متوقف سازید یا بدتر از آن، از همان اول، اصلاً"سعی و تلاش نکنید وخواهید با عزت نفس سالم زندگی برایتان معنا و مفهوم بیشتری پیدا کند و یا به درجات بالاتری از آن دست پیدا کنید. باید با اعتماد به نفس با مشکلات روزمره برخورد کنید و اینجاست که پس از شکستها و ناکامی های بیشتر تسلی پیدا خواهید نمود. علاوه بر اینها هرچه احساس بهتری نسبت به خودتان داشته باشید، دیگران نیز احساس بهتری نسبت به شما خواهند داشت. ضمناً"اعتماد به نفس بیشتری برای برخورد با افراد جدید خواهید داشت و با افراد منفی که در زندگی خود با آنان مواجه می شوید تمریخش تر برخورد خواهید کرد. منافع عزت نفس داشتن آشکار است. اما عزت نفس ما از کجا آمده است؟ البته فرآیند تشکیل آن زمان زیادی را سپری کرده است. بر اساس مضامینی که در تمامی دوران زندگی خود از والدین معلمان، دوستان، رسانه های گروهی و به طور کلی از محیط پیرامون خود کسب می کنید اعتقادات خاصی را در مورد خود و جایگاه خود در دنیا و زندگی بنا می نهد.

در اینجا روشهایی برای بالا بردن عزت نفس بیان می کنیم. لازم است زمانی را برای تمرین این اصول و تسلط یافتن بر آنها اختصاص دهید آنگاه نه تنها این مطالب مفیدتر خواهد شد، بلکه زندگی تان نیز از هر لحاظ بهتر خواهد گردید.

شیوه های افزایش عزت نفس :

۱- با خود مثبت حرف بزنید .

صدایی در ذهن شما وجود دارد که مدام نجوا می کند. این صدا که ((سخنگوی شماست)) بخشی از عزت نفس شماست. این صدا اغلب منفی است و جملاتی از این قبیل می گوید، من خیلی چاق هستم ((یا)) من نمی توانم این کار را انجام دهم ((یا)) من خسته ام. این قبیل جملات بعد از مدتی در شما تأثیر منفی میگذارد و مثلاً شما احساس خستگی می کنید و یا احساس می کنید که عزت نفس شما را پایین می آورد اما نکته جالب این است که شما نمی توانید ندای درونی خود را برای ایجاد عزت نفس و ساختن الگو های مؤفقیت، برنامه ریزی کنید. شگرتکار، استفاده از عبارتها و جمله های مثبت است. اینها چند تا از جمله های خوب و همه منظوره هستند. من خوشحال هستم، من سالم هستم، من معرکه ام! این جمله ها را بارها و بارها در ذهن خود با صدای بلند تکرار کنید، یا حتی آنها را بنویسید. اهمیت آن در این است که این جمله را به زمان حال و با ایمان بیان کنید. هرگاه ندای درونی خود را شنیدید که شروع به ایجاد احساس منفی در شما می کند آن را متوقف سازید و جمله مثبتی را در باره همان موضوع، جایگزین آن کنید. این شیوه را امتحان کنید و آنگاه خواهید دید که صحبت کردن با خود وسیله سودمندی در ایجاد وضعیت مثبت است.

۲- شخصیت جدید خود را تجسم کنید.

این امر اساساً همانند اصل استفاده از جملات مثبت است، با این تفاوت که به جای استفاده از کلمات، در اینجا از تصاویر استفاده می شود. آیا می خواهید لاغرتر و سالمتر باشید؟ خودتان را به این صورت تجسم کنید. آیا می خواهید ارتقاء شغلی پیدا کنید؟ خودتان را در نقش سمت جدید تجسم کنید زمانی را به تجسم خود اختصاص دهید تا وارد جزئیات امر شوید و از شخصیت جدید خود لذت ببرید چنانچه این تصویر را در ایما" ایجاد و تقویت کنید، پذیرش رفتارهایی که آن را تحکیم می کند آسانتر خواهد بود.

۳- افرادی را بیابید که بتوانید از آنان چیزی بیاموزید .

واضح است که افراد بسیاری وجود دارند که بامشکلات و مسایلی مانند مشکلات شما مواجه شده اند شما می توانید با

الگو قرار دادن آنان ، چیزهای زیادی بیاموزید .

۴- به وادی های جدید قدم بگذارید .

اغلب عزت نفس ما به سبب کوتاه بینی نسبت به زندگی، دچارافت و نزول می شود هنگامی که بر روی جنبه خاصی از زندگی بیش از حدیابه حدی بسیار طولانی تمرکزی کنیم، عمق نگری خودرا از دست می دهیم. مسایل کوچک، بزرگ می شوند و وقایع بسیار بیشتر از ارزش واقعی خود اهمیت می یابند آیاچنین موردی برای شما نیز پیش آمده است؟ اگر این طور است. پس وقت آن است که وارد وادی جدیدشوید مثلاً می توانید به یک گشت سیاحتی یا یک سفر ما جراجویانه بروید .

۵- اهداف خود را تعیین کنید .

این جمله را بارها شنیده اید . اما دلیلی در آن نهفته است. این جمله ، در بردارنده حکمت شناخته شده و اثبات شده ای است که فقط عده کمی از افراد آن را واقعاً درک میکنند. افرادی که برای خود اهدافی روشن دقیق و قابل اندازه گیری تعیین می کنند. آنچه را که می خواهند به دست می آورند. تعیین اهداف، بخش بسیار مهمی از ساختن عادات مثبت و در نتیجه افزایش عزت نفس به شمار می آید.

۶- اتفاقات ناخوشایند زندگی را بپذیرید.

همه مامی توانیم بیشتر از آنچه فکر می کنیم، زندگی خود را کنترل کنیم . با وجود این مواردی هست که هیچ کنترلی نسبت به آنها نداریم و این بدان معنی است که وقایع و امور نا خوشایند و ظاهراً " غیر منصفانه بسیاری در زندگی ما وجود دارد به عبارت دیگر ، گهگاه این امور و اتفاقات ضربه ای به ما وارد می کند بروز این اتفاقات به خواست و اراده ما نبوده است و کاری برای ممانعت از آنها نیز نمی توان انجام داد. پس بهتر است شانس و اقبال را فراموش کنید . اینکه زندگی چگونه باید باشد را فراموش کنید و آن را با همین اتفاقات جاری و غیر قابل پیش بینی بپذیرید . در واقع ، شما می توانید از لحظاتی که عزت نفس شما دچار افت و نزول می گردد ، بهره جویی کنید و افسردگی و غم و اندوه و نگرانی ، همگی در شما ایجاد خودخوری می کند. در زندگی شما اشتباهی وجود می آورد بنابراین می توانید آن را اصلاح کنید و برای زندگی خود برنامه ریزی مجددی انجام دهید. لذا دفعه بعد که در چنین موقعیتی قرار گرفتند از خود بپرسید: ((چه درسی میتوان گرفت؟)) اوضاع را بررسی کنید تا ببینید که چرا احساس بدی دارید، آیا بادیگران درست برخورد کرده اید؟ آیا با خود صادق بوده اید ؟ آیا به طور نا خواسته در جهت تأمین اهداف دیگران گام برمی دارید؟ از طرفی روند زندگی کاملاً منصفانه است، زیرا غم و اندوه باعث رشد و پیشرفت میگردد و پیشرفت، نه تنها غم و اندوه را بی ضرر میسازد، بلکه آن را مفید و سودمند می کند.

۷- تحت روان درمانی قرار گیرید.

گاهی اوقات ممکن است با مشکل بزرگ خاصی در زندگی خود مواجه شوید ، مانند طلاق ، بیکاری، یا بیماری خطرناک ، یا ممکن است دچار عادت مخربی مانند استعمال دخانیات ، مصرف مشروبات الکلی، استفاده نادرست از داروها یا پر خوری شوید. در این موارد کمک دیگران می تواند کلید مشکل شما باشد. معالجات انفرادی و یا گروهی اغلب در حل مشکلات اساسی زندگی کاملاً اثر بخش است.

۸- بروسوسه عادات ناپسند خود غلبه کنید.

عادات ناپسند ، رفتارهای دیرینه ای هستند که شما را به سمت خود می کشند هنگامی که به سراغتان می آیند . رهایی از آنها دشوار است و به راحتی شما را به این نتیجه می رسانند که ((نمی توانید با این حالت کنار بیاید)) نکته این است که مجبور نیستید با آن کنار بیایید و سوسه عادات ناپسند (بخصوص از نوع مادی و یا مانند دخانیات ، الکل ،

کافئین و غیره) معمولاً؛ کمتر از دو دقیقه طول می کشد آنها شما را فریب می دهند که تصور کنید تا ابد دست از شما بر نمی دارند. بنابراین هر گاه هوس عادات ناپسند به سراغتان آمد. سعی نکنید آن را نادیده بگیرید، بلکه روی آن تمرکز کرده و با اعتماد به نفس آن را تحمل کنید.

۹- سه هفته آن را امتحان کنید.

سازگاری با عادت ها و رفتارهای جدید مستلزم زمان است. معلوم شده است که هر رفتار جدیدی اگر به مدت سه هفته دنبال شود. احتمال زیاد به صورت یک عادت دائمی در می آید. در ابتدا، رفتار جدید، غریب به نظر می آید و مستلزم تلاش آگاهانه است. اما بعد از سه هفته به صورت بخشی از وجودتان در می آید. بخشی از خویشتن بینی شما. اگر واقعا مصمم هستید که تحولی ایجاد کنید خود را وادار کنید که با آن حداقل به مدت سه هفته زندگی کنید.

۱۰- با افراد مثبت اندیش معاشرت کنید.

بر آن شوید که بیشتر در کنار افراد مثبت اندیش باشید: افرادی که نسبت به زندگی و پیشامدهای آن اشتیاق زیادی دارند. این گونه افراد شمارا در پیشرفت و تعالی یاری می کنند و متقابلاً این امکان را فراهم می آورند که شما نیز آنان را در رشد و پیشرفتشان حمایت کنید. این امر، بخش بزرگی از فلسفه زندگی و دوستی است. **منبع: وبلاگ**

ravan

تفاوت میان دوست داشتن، عشق و وابستگی در روابط دو جانبه

امروز بنا به درخواست خیلی از دوستان و البته آقایون که انتقاد داشتند من مطالبم فمینیستیست قصد دارم یکی از عمده مشکلات موجود در روابط دوستی و بعد از آنرا بیان کنم

الف) نحوه آشنایی:

اکثر دوستیهای امروزی از طرق زیر انجام میگیرد یا اینکه شما در خیابان یک چشم و ابرو و یک اندام زیبا ببینید و دنبال طرف می روید و اینقدر کلید می کنید تا طرف شماره ای که روی کاغذ نوشته اید که عموماً به یه اسم جعلی میباشد را دریافت کند و آنقدر منتظر می شیند اونروز در خانه پای تلفن یا البته اگر همراه داشته باشید مدام آنرا شارژ می کنید که مبادا اگر خانم تماس گرفتند گوشی خاموش باشد دومین روش از طریق نگاههای و طرز برخورد طرف میباشد ایندفعه اون از شما خوشش آمده امیدوارم اینو بفهمید و فرصت را از دست ندهید سومین روش دوستی از طریق اینترنت و چت واقعا این نوع دوستی یک دوستی منطقی است تا یک دختر در رومهای یاهو و سایر رومهای وب سایتها وارد می شود از جانب آقایون بارونی از پی ام های -- salam plz بر سر خانم وارد می آید خوب اگر جواب داد که داد و اگر نداد که با یه دشنام و یا بوت شدن کار را خاتمه می دهید اگر از این طریق قصد دارید دوستی مناسب پیدا کنید کاملاً در اشتباهید چه برای خانمها و چه برای آقایون

شناخت دخترها و پسرها در سنین مختلف برای رابطه دوستی:

اگر شما پسری با سن و سال بین ۱۶ تا ۲۰ سال هستید و از طریق اینترنت با دختری چت کردید و اون

دختر در رنج سنی ۱۵ تا ۱۸ سال بود بهتره روی این دوستی هیچ حسابی باز نکنید دخترها در این سن بسیار تنوع طلب هستند البته تقصیری ندارند چرا که هنوز معیارهای خود را برای دوستی نمی دانند مطمئن باشید با یک نفر دوست نمی شوند و این رابطه را با چند نفر امتحان می کنند البته اگر هم از شما در خیابان شماره بگیرند عملاً تفاوتی نمی کند و یک خیابان پایین تر از دیگری هم شماره می گیرند در مورد پسرها هم این مسئله صادق است اما خیلی درصدش پایین تر از دخترها می باشد بهتره در این دوران به هم ابراز علاقه نکنید چون آخر و عاقبتش جداییست و خیانت .

دخترهای در سنین بین ۱۸ تا ۲۳ سال در این رنج سنی دخترها نسبت به جنس مخالف کمی پر احساس تر برخورد خواهند کرد و کمی صادق می شوند البته فراموش نکنید تجربه آنها نیز زیاد تر شده در این سن راحت تر به نیاز جنسی شما پاسخ خواهند داد اینو حتما بدونید اگر پسر یا دختری در دوران دوستی فقط یکبار رابطه جنسی داشته باشد در دفعات بعدی هم با دوست بعدی خود این رابطه را صد در صد خواهد داشت

سنین ۲۳ تا ۲۷ سالگی در دخترها واقعا به رشد کامل عقلی رسیده اند می توانید از نظرات آنها استفاده کنید و با آنها مشورت کنید پیشنهادات جالب و البته منطقی به شما خواهند داد در این سن بسیار داغ هستند زود تحریک می شوند اما واقعا از جان برای شما مایه می گذارند احساسات در آقایون در این سن بیش از هر سن دیگری نمایان می شود آنها به خاطر بدست آوردن شما از هیچ عملی دریغ نخواهند کرد پس بهتره عکس العمل خوبی در قبال عمل آنها نشان دهید در این سن آنها تحت فشار هستند مشکلات زیادی خواهند داشت با آنها بسازید

ب) دوران دوستی و مشکلات روحی وابسته به قبل بعد از آن :

فرض کنید شما همین امروز با یک دختر خانم آشنا شدید یا بالعکس از هر فرصتی برای گفتگوی تلفنی استفاده می کنید امکان داره تا چند روزه اول بهم دروغ بگید سنو سال و اسم تا زمانی که بهم اعتماد پیدا کنید در این مدت حرفهای زیادی برای هم دارید و فکر می کنید در دنیا دیگه هیچی نمی خواهید شب و روزت شده دوست دختر یا دوست پسر اما بعد از مدتی وقتی که حرفها تون تمام میشه میرید سراغ گزارش گرفتن مثلا ساعت به ساعت می گید که چکار کردید چطور شد حتی سراغ ناهار ظهر را هم می گیرید که امروز ناهار چی دارید یا بعضی وقتها راجع به دیگران می شنید بحث می کنید اگر از ساعت تعیین شده یک ربع بگذرد دیوانه می شوید اگر تماس بگیرید و ببینید برای مدت طولانی تلفن طرف مشغوله می خواهید سرتونو به دیوار بزنید و بعد هم که تماس می گیره یک بازجویی دقیق که حتی مامور آگاهی هم نمی تواند انجام دهد را انجام می دهید دوستان من اگر این رفتارها در دوستی های شما وجود دارد بدانید که این رابطه دوستی نیست بدانید که عشقی در کار نیست این فقط یک وابستگی پوچ می باشد و فقط دورانی را سپری می کند و با لطمه به احساسات یک طرف این رابطه به صورت یکطرفه به خاتمه میرسد یا اینکه متاسفانه بعد از اون همه ابراز احساسات ببینید که طرفتون بهتون خیانت کرده به پیشنهاد ازدواج در دوران دوستی اعتنا نکنید مگر اینکه مدت حد اقل یک سال از دوستی گذشته باشد پسرها پیشنهاد ازدواج را ابراز برای به دست آوردن رابطه جنسی با شما می دانند البته همه اینها استثنا هم داره مثلا خیلی هستند که دو سه سال باه م دوست بودن و بعد از این دوران ازدواج کرده و زندگی خوبی هم دارند اما به یاد داشته باشید دو نفر شاید بتوانند بهترین دوستهای روی زمین برای هم باشند اما این دلیل نمی شود که شریک خوبی هم برای هم باشند زود فکر نکنید که عاشق شدید مطمئن باشید

عشق یک رابطه دو طرفه است و تنها حس دو طرفه در رابطه دوستی عشق میباشد اما در شما طرفتون رو دوست داشته باشید اما طرف شما هرگز شما رو دوست نداشته باشد و یا کم دوست داشته باشد پس حس دوست داشتن و یا حس وابستگی نمی تواند دوطرفه باشد اما این عشق است که دوطرفه است هر عشق از یک عاشق و از یک معشوق تشکیل شده که در نبود یکی دیگری هم نمی تواند باشد پس اگر فکر می کنید عاشق کسی بودید و بعد از مدتی طرف شما را رها کرده یا خیانت کرده بدانید که شما هم عاشق نبودید و عشقی در میان نبوده شاید شما فقط به شخص وابسته بودید و فقط آنرا دوست داشتید چقدر بی ارزش است عمر افرادی که فکر می کنند عاشق شده اند و دست به خود کشی میزنند واقعا این یک حماقت است من می دانم که جدایی در دوستی خیلی سخته چون خودم نه یک بار نه دو بار بلکه متاسفانه چندین بار تجربه کردم و الان دارم تجربیاتمو به شما میگم اما خودم من یک زمانی حس می کردم که عاشق هستم الان چندین سال است که از اون عشق خیالی من می گذرد و من به رفتارهای خودم در دورانی که جدا شدم از دوستم فقط می خندم و افسوس فرستهایم که از دست دادم . لطمه روحی که به خودم وارد کردم را می خورم پس همیشه به یاد دارم شما هم به خاطر بسپارید با منطق عاشق شوید و با احساس زندگی کنید بعضی ها تصور می کنند که عشق با منطق نمی گنجد اما جهت اطلاع این افراد به تازگی کشف شده منشأ حقیق عشق مغز است نه قلب و من به کشف جدید اطمینان دارم و کاملا می پذیرم پس سعی کنید در دوستیهای خود حد تعادل را در نظر بگیرید زیاد با هم در تماس نباشید از شور به درش نکنید در دوستیهاون یک پل هم برای روز جدایی بزارید نمی گم همه دوستی ها به جدایی منجر میشه نه خیلی از دوستیها منجر به ازدواج می شود اما همیشه در هر رابطه دوطرفه ای باید آمادگی هر چیزی را داشته باشید فرض کنید جدا نشدید اما به حادثه ای برای دوست دختر یا دوست پسرتون اتفاق افتاد نکته دیگه سعی نکنید رابطه جنسی را در دوران دوستی و یا حتی در دوران نامزدی تجربه کنید البته معاشقه مشکلی نداره و شیرین هم هست اما هر چیزی جایی دارد امیدوارم مطلب درج شده باعث توهین به گروه خاصی نشده باشد و آرزو می کنم عشق را به معنای واقعی تجربه کنید .

با تشکر از شما : علی سلطانی مجد **manoto**

دوستیهای اینترنتی و عواقب آن

با عرض سلام به کلیه دوستان با توجه به مهم بودن نوع آشنایی و شناخت دو طرف تصمیم گرفتم این مطلب را در وبلاگ درج کنم

امروزه یکی از ابزارهای دوستی البته بهتره عرض کنم یکی از ساده ترین ابزارهای دوستی آشنایی از طریق چت میباشد به راحتی زمانی که در اتاق خود هستید بدون نمای Face 2 Face با هر کسی که بخواهید در تماس هستید خوب اینارو همه شما بهتر از من می دانید اما برخی افراد به دلیل عدم اعتماد به نفس و یا به دلایل کمبود هایی که دارند قادر نیستن در محیط اجتماع دوستی برای خود انتخاب کنند پس چت

را بهترین محیط برای رسیدن به هدف خود می دانند معمولاً بوسیله عکس های آقا و خانم خوشگل و جذاب که جای خود قالب می کنند چند روزی رو با یک سری حرفهای دروغ که عقده رسیدن به آنه موقعیت را دارند تلف می کنند آخرش چی؟ در بهترین حالت زمانی که همه چیز رو راست باشه هم مشکل بوجود می آید چطور میشه دو نفر بدون اینکه همدیگر رو ببینند و همش با یکسری پی ام و دینگ و دونگ و یه سری اشکال پیوند دوستی و حتی بعضی ها پیوند ازدواج خود را می بندند آن شخصی که از طریق چت با شما آشنا شود مطمئن باشید با صد نفر دیگه هم آشنا می شود از کجا معلوم همون حرفهای که به شما زده رو به دیگران هم زده باشد

آقا پسر ها مواظب باشید:

چه برداشتی از دختری که دراید باهش چت می کنید دارید آیا اکثر مواقع غیر از این نیست که قبل از هر اقدامی به شما پی ام میده اول Web plz یا ax plz یا plz cam خوب حالا اگر طرف شما رو دید و پسندید میره سراغ مسادل دیگر چنین دختری که فقط اولین شرط دوستی ظاهر طرف میباشد اصلا دوست خوبی نمی تواند برای شما باشد چون هر زمان که از ظاهر شما خسته شد و یا ظاهر بهتری پیدا کرد میرود سراغ فرد دیگری البته این دختر ها اولین ضربه را خود می خورند چون ظاهر زیبا نشاندنده باطن زیبا نیست به خاطر داشته باشید برخی از دخترها دوستی را سرگرمی می دانند و برای اینکه مقابل دوستان خود کم نیاورند دنبال یک دوست پسر با ظاهر زیبا و حالا اگر که یه ماشین اسپرت که کمکهاش رو پایین آورده باشند رو رینگ اسپرت و چراغ خطر اش رنگ ماشین و سر اگزوز و خلاصه یه الاف به تمام معنا که با یه زنگ واسه خانم حاضر بشه و یه بابای پولدارم داشته باشه تا پاسخگوی عقده های خانم باشه بد نیست خلاصه آخر سر شما آقا پسر که خودت رو زرنگ فرض کردی ضرر می کنی

دختر خانمها مراقب باشید:

بعضی پسرا یا بهتر بگم بیش از ۸۰ درصد آقا پسرا همونایی که می گن عاشقت هستند همونایی که می گن کوه رو برات جابجا می کنند و خلاصه ۴ تا شعر که معلوم نیست از کجا پیدا کردند و اسمتو توش یه جورایی جا دادند و میگن اون هفته میایم خواستگاری فقط و فقط دنبال رسیدن به جسم و بدن شما هستند تا بواسطه اون شهوت خود را فروکش کنند حتما بارها دیدی تو چت طرف میاد میگه `salam asl plz` خوب تو هم که جون می کنی تا جواب بدی یا این قدر دران بهت پی ام میدن که تسک بار ویندوزت اون پایین رو میگم پر شده از پنجره افراد خلاصه با صد تا دینگ و دونگ جلب توجه میکنه اگه جوابش رو دادی که بعد از چندتا پی ام دیگه میپرسه اهل فلان برنامه هستی اگه گفتی آره که دیگه ولت نمی کنه حتی اگه دروغ هم گفته باشی همچین آویزونت میشه که به خودت لعنت میفرستی اگه هم که جواب ندی او ه او ه وای وای هر چی فحش و ناسزا تو این چن د سال یاد گرفته رو به جنابعالی نسبت میده

فلسه نهایی دوستی های چتی:

خوب حالا فرض می کنیم همه چیز در بهترین شرایط باشه همه مثبت هستیم هم شما و هم طرفی که چت می کنید و به سلامتی با هم دوست شدید خوب هر زمان که تماس میگیرد با طرف و تلفنش اشغال چه حسی داره ؟ غیر از اینکه دلته زیره حوله نکنه با یکی دیگه آره نکنه داره چت می کنه و ۱۰۰۰ تا فکر بیخودی خوب پسر خوب یا دختر خانم عزیز این میشه چی بی خودی عمرتونو صرف می کنید مگه میشه وابسته نشید به هم دیگه غیر ممکنه نمی گم دوستی بده بر عکس یکی از روابطی که تاکید می کنم باید وجود داشته باشد دوستی سالم بین دختر و پسر میباشد اما اولاً همیشه صادق باشید و راست بگویید اون چیزی که هستید رو رو کنید اعتماد به نفس داشته باشید اگر قادر نیستید ظاهر خود را زیبا کنید مطمئن هستم می توانید باطن زیبایی داشته باشید سعی نکنید از دوستی فقط و فقط دنبال مسائل جنسی این چیزا باشید ارزش دوستی خیلی بالاتر از این حرفاست دوست داشتن رو یاد بگیرید تا دوست

داشتن رو لمس کنید

حرف آخر:

اول از هر چیزی من رو ببخشید قصد توهین به کسی رو نداشتم سعی کردم با زبون خودتون بنویسم چون روزی هم سن و سال شما بودم و همه این دوستیهارو تجربه کردم شاید درست نباشه که بگم چند تا دوست دختر داشتم که از چت باهاشون آشنا شده بودم اما آخر عاقبتش زیاد جالب نبود غیر از اینکه وقتم بیهوده هدر رفت و احساساتم نابود شد زود وابسته نشید بخدا عاشق شدن و دوست داشتن با وابستگی فرق داره زود احساس نکنید که عاشق شدید شاید خیلی ها هم از چت دوست خوبی پیدا کردن و خیلی ها هم کارشون به ازدواج رسیده و مشکلی نداشتند خوب خدا رو شکر همیشه گفتم استثنا هم وجود دارد اما آیا شما هم یک استثنا هستید؟ بیایید کلی فکر کنیم از هر وسیله ای خوبه که نهایت استفاده رو ببریم اما نه سوء استفاده اگر به شما می گم قبل از ازدواج رابطه جنسی نداشته باشید حتما به نفع شماست چون من بابت این حرفها پولی از کسی نمی گیرم و برام هم فرقی نمی کنه که شما رابطه داشته باشید یا نداشته باشید عقده رابطه جنسی هم ندارم که فکر کنید چون خودم نمی توانم پس از اینکه دیگران انجام بدهند حسادت کنم نه اصلا اینطور نیست ارزش شما بالا تر از این مسائل است دوستی در نظر خواهی با لحن تندى گفته بودند که چطور در امریکا سن رابطه جنسی به زیر ۱۵ سال رسیده و مشکلی هم ندارند در پاسخ به این دوست باید عرض کنم اولاً من خودم دورانی رو در امریکا تحصیل می کردم و اگر شما فقط شنیدید من با چشمان خودم دیدم در امریکا کودک ۶ ساله تفنگ در دست خود می گیرد و آدم می کشد پس ما هم همین کارو انجام بدیم من با یکی از استادان امریکایی ارتباط نزدیکی دارم بهتره بدونید سن مجاز برای سکس بالای ۱۷ سال است البته این سن بسته به موقعیت اجتماعی هر سال تغییر می کند اما تا سال ۲۰۰۶ که از ۱۷ سال کمتر نشده بود در کل هیچ اجباری و الزامی نیست که نوشته های من و سایر دوستان رو عمل کنید از من گفتن بود حالا تصمیم گیری با شماست بحث رو

همینجا تموم می کنم و برای همه شما دوستان خوب آرزوی سعادت می کنم

با تشکر از شما : علی سلطانی مجد

مشاوره ازدواج

آنچه در رتبه، امتیاز یا حالت برترین است
نویسنده John H. Currier, Pastor :

یکی از اولین چیزهایی که فرد قبل از ازدواج به آن احتیاج دارد شناخت خود است. من این ابزار را فراهم کرده‌ام، شاید که به این امر کمک کند.

چه چیزی یا کسی اول از همه وارد زندگی شما شد؟ این سؤالی مهم در هر نوع رابطه‌ای است. اگر شما بخواهید سه فرد مهم در زندگی، سه راه خرج کردن پول (بعد از ازدواج) و سه راه گذراندن اوقاتتان را بنویسید آنها چه خواهند بود؟ در زیر لیستی برای طرفین ازدواج قرار داده شده است با شروع کردن از مهمترین چیزها لیست مربوط به خود را کامل کنید.

اولویت‌های شما در زندگی میزان وابستگی‌تان را به مردم تعیین می‌کند. یکی از مهمترین کارهای ازدواج عوض کردن وابستگی شما از خانواده‌ای که در آن رشد کرده‌اید به خانواده جدیدی که با همسران می‌سازید است. این تغییر می‌تواند همانقدر برای شما سخت باشد که برای خانواده‌تان، ولی به هر حال ضروری است و شما و همسران باید واحد خانوادگی خود را توسعه دهید. همچنین اولویت‌های شما تعیین کننده مسیرها و اهدافی است که احساس می‌کنید در زندگی باید به آنها برسید. این مسیری است که شما انتخاب کرده‌اید تا شما را به جایی که می‌خواهید برساند. افراد مهم در زندگی همسر افراد مهم در زندگی شوهر

راههای خرج کردن پول در زندگی همسر راههای خرج کردن پول در زندگی شوهر

راههای همسر برای گذراندن وقت راههای شوهر برای گذراندن وقت

آیا شما چیزهای مشابهی در زندگی می‌خواهید؟ اولویت‌های شما در طول سالها همچنانکه رشد می‌کنید تغییر خواهد کرد. و اگر شما دو نفر، خوب ارتباط برقرار کنید متوجه می‌شوید اولویت‌هایتان در حال رشد و تغییر در مسیر هماهنگی با همدیگر است. ارتباط

«من ارتباط را چتر فراگیری دیدم که همه بشریت را تحت پوشش و تأثیر خود قرار می‌دهد. وقتی فردی به زمین قدم می‌گذارد، ارتباط مهمترین عاملی است که نوع رابطه او را با دیگران و آنچه را که در جهان پیرامونش برای او اتفاق می‌افتد تعیین می‌کند» .
ویرجینیا استیر

ارتباط خوب هنر ارسال و دریافت پیام است. ما همواره در حال ارسال و دریافت پیام با یکدیگر هستیم. حتی وقتی که نه صحبت می‌کنیم و نه می‌نویسیم، در حال فرستادن پیامی از طریق حرکات بدن یا چشم‌هایمان و حتی با نگفتن یا انجام ندادنمان هستیم. یکی از بزرگترین مشکلاتی که زوجهای جوان (و حتی گاهی اوقات زوجهای قدیمی) با آن دست به گریبانند، ارتباط است. این راهی دو طرفه است که هم به گیرنده و هم فرستنده نیاز دارد. مشکل وقتی است که فقط یکی از اینها هست یا بدتر، هیچکدام نیست. شما از دو خانواده متفاوت آمده‌اید. شما روشهای متفاوتی را برای ارتباط برقرار کردن با دیگران آموخته‌اید. بعضی افراد از خانواده‌هایی هستند که بلند صحبت کردن و یا حتی فریاد زدن در طول مشاجرات لفظی طبیعی است، در حالی که دیگران از چنین رفتاری وحشت دارند زیرا از خانواده‌ای ساکت و آرام آمده‌اند. مهمترین عامل در یک ازدواج خوب ارتباط خوب است. در حالی که امور مالی، جنسی یا چیزهای دیگر ممکن است موضوع مشاجرات لفظی، نارضایتی از ازدواج و یا حتی جدایی شوند، ناتوانی زوجین در ارتباط برقرار کردن و یافتن راه حل ریشه مشکلات است. بنابراین باید پیغام درستی را برسانید.

برای داشتن یک زندگی خانوادگی شاد و پایدار مهمترین چیز اختصاص دادن زمان مفید به همسراست. تقریباً اغلب مشاهده

می‌شود که یکی از طرفین این احساس را دارد که دیگر برای همسرش مهم نیست . اکنون زمان آن رسیده است که زمانی را برای شریک شدن با یکدیگر کنار بگذاریم (لحظاتی با ارزش را) و در چیزهایی که جدا از هم برایمان اتفاق افتاده است در طی ارتباطی خوب شریک شویم.

همیشه به خاطر داشته باشید که شریک شما چیزها را متفاوت از شما می‌بیند، متفاوت یعنی نه لزوماً «غلط» یا «بد» بلکه فقط متفاوت و شما باید به اعتقادات دیگران احترام بگذارید . گوش دادن کلید فهمیدن است و عشق کلید حوصله.

در مجموعه سؤالاتی که فراهم کرده‌ام از شما خواسته‌ام که عبارات را بخوانید و سپس سریع پاسخ دهید «درست» یا «غلط» اولین پاسخ شما باید جوابتان باشد . هرکدام از شما باید جداگانه به سؤالات پاسخ دهید و سپس بعد از تکمیل مقایسه کنید.

20سؤال اول درباره خانواده شما است:

1. سخت‌ترین موضوعی که می‌شود در خانواده ما درباره آن صحبت کرد سکس است .

2. در خانواده من وقتی والدینم عصبانی می‌شوند ممکن است به هم صدمه بزنند .

3. من در خانواده معمولاً جمله «دوستت دارم» را می‌شنوم که میان افراد خانواده گفته می‌شود .

4. در خانواده من احساسات هر فرد مهم است و ما تشویق می‌شویم درباره آنها صحبت کنیم .

5. پدر من ممکن است چیزی بگوید و متفاوت عمل کند .

6. در خانواده من فریاد زدن یکی از راههای به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم .

7. در خانواده من بحث و جدل و دعوا زیاد است .

8. والدین من به حرفهایم گوش می‌دهند و سعی می‌کنند مرا بفهمند .

9. مادر من مسئول خانه است و چیزی که می‌گوید قانون است .

10. پدر من حرف آخر را در همه موضوعها می‌زند .

11. در خانواده من احترام گذاشتن به حقوق و عقاید دیگران مهم است .

12. در خانواده من خدا و مسیح(ع) مرکز همه چیز است .

13. والدین من ممکن است ساعتها در حالی که عصبانی هستند صحبت نکنند .

14. در خانواده من افراد تشویق می‌شوند که آزادانه صحبت کنند .
15. صداقت و هماهنگی مهمترین چیزها در زندگی ما است .
16. خانواده من از بازی کزدن با هم لذت می‌برند .
17. مادر من همیشه از پدرم تعریف می‌کند .
18. پدر من همیشه از مادرم تعریف می‌کند .
19. من زیاد می‌بینم که پدر و مادرم بعد از جدال، یکدیگر را می‌بوسند .
20. فریاد زدن در برابر یکدیگر در خانواده من عادی است .
در سؤالات بعدی باید پاسخ دهید که می‌خواهید چگونه با یکدیگر ارتباط برقرار کنید.
1. خیلی مهم است که تو احساسات مرا بپذیری .
2. من فکر می‌کنم که ما باید بتوانیم بدون درگیری با یکدیگر مخالفت کنیم .
3. بعضی اوقات من نمی‌توانم آنچه را که واقعا فکر می‌کنم به تو بگویم .
4. من معتقدم که مجادله برای زندگی خانوادگی مضر است .
5. من معتقدم که هردوی مرد و زن باید بتوانند احساسات خود را بیان کنند .
6. من فکر می‌کنم می‌توانم با توجه بشنوم .
7. من فکر می‌کنم اشکالی ندارد درباره زندگی خانوادگیمان با هرکس می‌خواهم صحبت کنم .
8. بعضی اوقات من به فضا احتیاج دارم تا بتوانم در مورد چیزی که درباره‌اش آشفته‌ام صحبت کنم .
9. برای من مشکل است که در احساساتم شریک شوم .
10. وقتی مشکلی دارم مطمئنم تو آنجا خواهی بود تا به من کمک کنی .
11. بلند فریاد زدن مرا ناراحت می‌کند و وقتی اتفاق می‌افتد عقب نشینی می‌کنم .
12. فکر می‌کنم مشکل است بدون عصبانی کردن تو از تو انتقاد کنم .
13. بعضی اوقات من نیازمند زمانی برای خودم هستم ولی این به این معنی نیست که تورا دوست ندارم .
14. من فکر می‌کنم باید بتوانیم حرف همدیگر را قطع کنیم و یکدیگر را بیزاریم .

15. مشکلترین مسأله بین ما برای حرف زدن مذهب است .
 16. من فکر می‌کنم تو مرتباً حرف مرا قطع می‌کنی .
 17. من علاقه‌مند به میانه‌روی برای حفظ صلح در روابطمان هستم .
 18. من دوست دارم درست قبل از زمان خواب درباره موضوعات مهم صحبت کنیم .
 19. گاهی اوقات ممکن است من خیلی زورگو و یکدنده باشم .
 20. عدم توافق در خانواده می‌تواند عادی باشد به شرطی که افراد منصفانه بحث کنند و به تحلیل آن پردازند .
 21. برای من خیلی مهم است که بدانم تو چه احساس می‌کنی یا چگونه فکر می‌کنی .
 22. من خیلی نسبت به انتقاد کردن حساسم .
 23. من معتقدم که برای تو خیلی مهم است که همیشه راستگو باشی .
 24. من وقتی عصبانی هستم و تو می‌پزسی اشکال کجاست جواب خواهم داد: هیچی .
 25. من فکر می‌کنم مرد باید رئیس خانه باشد .
 26. برای من خیلی مشکل است وقتی تصمیمی گرفته‌ام آن را عوض کنم .
 27. من فکر می‌کنم اشکالی ندارد اسراری را از هم مخفی کنیم .
 28. من معتقدم که تو همیشه حرف مرا قطع می‌کنی و سعی می‌کنی بر من فرمان برانی .
 29. من فکر می‌کنم اگر نتوانی راه خود را بروی عصبانیت را به من ابراز خواهی کرد .
 30. وقتی به من اجازه می‌دهی به تو کمک کنم به تو احساس نزدیکی می‌کنم .
- حال که به هر دو بخش سؤالات ارتباط پاسخ داده‌اید وقت آن است که مقایسه کنید . وقت آن نیست که اشکالات یکدیگر را بگیرید بلکه وقت آن است که ببینید چه وجوه اشتراکی دارید و نقاط قوتی را که می‌توانید بسازید پیدا کنید.
- پیمان نامه ارتباط
ازدواج نوع خاصی از رابطه است، میثاقی دائمی است که باید در آن صادق، راستگو و بی‌آلایش باشید.
اول نام خود را در جای خالی روبروی مسئولیتها یی که می‌پذیرید

- قرار دهید . البته شما می‌توانید هر نوع تغییری که می‌خواهید به آنها بدهید تا با روابط شخصیتان هماهنگ شود.
- من می‌فهمم که ارتباط کلید ازدواج موفق است، بنابراین با مسئولیتهای زیر موافقت می‌کنم:
1. من می‌فهمم که ارتباط کلید فهمیدن است و موافقت می‌کنم که تا حد ممکن شفاف و بی‌آلایش باشم .
 2. من موافقت می‌کنم که زمان خاص مشترکی را برای همراهی با همسرم بیابم تا توجهم را تنها متوجه او کنم .
 3. وقتی چیز مهمی برای بحث کردن وجود دارد، من موافقت می‌کنم که تلویزیون و دیگر عوامل حواس‌پرتی را خاموش کنم و تمام توجهم را به همسرم اختصاص دهم .
 4. من موافقت می‌کنم که در افکارم بی‌آلایش و صادقانه با همسرم شریک شوم و برای او این امکان را فراهم کنم که در افکارش بی‌آلایش و صادقانه با من شریک شود .
 5. من موافقت می‌کنم که در احساساتم بی‌آلایش و صادقانه با همسرم شریک شوم .
 6. من موافقت می‌کنم که شنونده متوجهی باشم .
 7. من موافقت می‌کنم که هیچگاه نام روی همسرم نگذارم ، او را آزار ندهم و به او نگویم دوستت ندارم .
 8. من موافقم که عدم توافق در بعضی موارد اشکالی ندارد .
 9. من موافقت می‌کنم نسبت به آنچه می‌گویم و انجام می‌دهم مسئولیت پذیر باشم .
 10. من موافقت می‌کنم که هیچگاه برا ی تو صحبت نکنم مگر اینکه با تو مشورت کرده باشم .
 11. من موافقت می‌کنم که در برابر تو صادق باشم .
 12. من موافقت می‌کنم که در هر روز زندگیت تو را در آغوش بگیرم .
 13. من موافقت می‌کنم که در هر سالگرد ازدواجمان زمانی را با تو بگذرانم .
 14. من موافقت می‌کنم اگر به هر دلیلی روبرو ما با مشکل جدی مواجه شد همراه با تو برای گرفتن کمک حرفه‌ای مراجعه کنم .
- من با این پیمان‌نامه ارتباط موافقت می‌کنم زیرا تو را دوست دارم و به تو احترام می‌گذارم و فقط بهترین راه برای خودمان در زندگی زناشویی می‌خواهم.
- امضا

من با این پیمان نامه ارتباط موافقت می کنم زیرا تو را دوست دارم و به تو احترام می گذارم و فقط بهترین راه برای خودمان در زندگی زناشویی می خواهم.

امضا

چه کسی چه کار کند؟

این بخش به این موضوع که «چه کسی چه کار کند؟» می پردازد . به این موضوع می پردازد که به نظر شما چگونه مسؤلیتهای زندگی تقسیم می شوند . حتی این کارهای کوچک هم مهم است . به یکدیگر اجازه دهید که بدانید چه کارهایی از دیگری انتظار دارید که انجام بدهد . بعد از جواب دادن به این سؤالات و مقایسه جوابها باید به دلایل بپردازید و سپس تصمیم بگیرید که چه کسی چه کار کند . کلید سؤالات این خواهد بود: همسر، ش: شوهر، هر: هردو، هیچ: هیچکدام.

- ۱- خرید خواروبار .
- ۲- نگهداری از فرزندان وقتی مریضند .
- ۳- انتخاب بیمه .
- ۴- انتخاب برنامه تلویزیونی .
- ۵- مرتب کردن باغچه .
- ۶- کمک به بچه ها در تکالیف مدرسه .
- ۷- تعمیر وسائل خانه .
- ۸- رئیس است .
- ۹- انجام در آغوش گرفتن در خانواده(؟))
- ۱۰- انتخاب کلیسا .
- ۱۱- بیرون گذاشتن زباله ها .
- ۱۲- آماده کردن رختخوابها .
- ۱۳- انتخاب خانه .
- ۱۴- انجام فعالیتهای اجتماعی .
- ۱۵- اتو کردن .
- ۱۶- انتخاب محل مسافرت .
- ۱۷- کار برای درآمد خانه .
- ۱۸- جارو کردن خانه .
- ۱۹- سالم نگهداشتن ماشینها .
- ۲۰- شستن ماشینها .
- ۲۱- چیدن اساسیه منزل .
- ۲۲- خریدن لباس .

۲۲- غذا پختن .

۲۴- لباس خریدن .

۲۵- انتخاب فعالیتی برای سرگرمی .

۲۶- تنظیم بودجه و پرداخت صورتحسابها .

گرایشهای مذهبی

وقتی شما خدا را وارد روابط خود می‌کنید میثاقی خواهید داشت که به راحتی متزلزل نمی‌شود و به آسانی نمی‌شکند.

در کتاب مقدس، مسیح(ع) گفته است که روابط او با مردمش مثل ازدواج است . این نوعی خاص از رابطه، یک میثاق، یا در حقیقت نوعی وحدت است. این وحدت و همسانی وقتی شکل می‌گیرد که شما اعتقادات مشترکی داشته باشید . اینها پایه رابطه زناشویی شما است . با استفاده از این پایه شما نحوه ارتباط با یکدیگر، استانداردهای اخلاقی، ارزشها و اخلاقیات خود را تعیین می‌کنید.

شما دو نفر تا چه اندازه در اعتقادات مذهبی هماهنگ هستید ؟

خدا را چگونه می‌بینید ؟ خدا کیست ؟ آیا عیسی مسیح(ع)

منجی شما است ؟ و معنی آن در نظر شما چیست ؟

آیا شما دو نفری به کلیسا می‌روید ؟ کدام کلیسا ؟ معمولا کی ؟

در کلیسا چگونه هستید ؟ یا در غسل تعمید ؟ به نظر شما یک

فرد در چه زمانی باید غسل تعمید داده شود، در کودکی که

نمی‌دانید چه قولهایی به شما و از طرف شما داده می‌شود، یا در

سنین بلوغ که خودتان تصمیم می‌گیرید و قول می‌دهید، و چگونه،

با لمس کردن یا تعمید واقعی ؟

اینها تنها چند سؤال بود که به جنبه‌های مهم شما در زندگی

مسیحی می‌پرداخت . تفاوت‌های ابتدایی شما در اعتقادات مذهبی

چگونه بر روابط شما و روابطتان با خانواده‌تان تأثیر می‌گذارد ؟

آموخته‌های مذهبی و عقاید مذهبی شما می‌تواند آنقدر متفاوت

باشد که فهم یک زوج از خدا و زندگی، و بنا براین هماهنگی‌شان

تحت تأثیر قرار بگیرد . و این تفاوت‌های اعتقادی می‌تواند تمام

زندگی خانوادگی شما را شامل شود.

در زیر مجموعه سؤالات دیگری است که به شما کمک می‌کند که

بفهمید چه مشترکاتی در اعتقادات دارید و چگونه از عهده

تفاوت‌هایتان بر آید . البته بهترین حالت این است که هر دوی شما به

فهم درستی از خدا برسید . هر کدام از شما بهتر است که

جداگانه به سؤالات پاسخ دهید و سپس برای مقایسه و مباحثه

گرد هم آید.

۱. خانواده من فعالانه در تدریس و رهبری کلیسیا شرکت دارند .
۲. خانواده من معتقدند بلافاصله پس از اینکه شما مسیح(ع) را به عنوان آقا و منجی پذیرفتید باید غسل تعمید داده شوید .
۳. والدین ما هر شب قبل از خواب برایمان دعا می‌کنند .
۴. خانواده من معتقدند که کتاب مقدس تنها معنی درست خدا است .
۵. خانواده من فقط در هنگام غذا دعا می‌خوانند .
۶. خانواده من رفتن به کلیسا در یکشنبه را مهم می‌دانند .
۷. خانواده من ازدواج را دائمی میدانند .
۸. خانواده من فرزند را هدیه‌ای ارزشمند از جانب خدا می‌دانند .
۹. خانواده من فرو رفتن در آب را تنها شکل غسل تعمید می‌دانند .
۱۰. خانواده من مرا مجبور می‌کنند به کلیسا بروم چه خواسته باشم یا نه .
۱۱. خانواده من معتقدند خدا و مسیح باید مرکز زندگی فرد و خانواده باشند .
۱۲. خانواده من در زمانهایی غیر از زمان غذا با هم دعا می‌خوانند .
۱۳. خانواده من در مطالعه کتاب مقدس شرکت می‌کنند .
۱۴. من معتقدم که والدینم میسحی هستند؛ آنها عیسی مسیح را به عنوان آقا و منجی خود می‌دانند .
۱۵. من معتقدم که عیسی مسیح(ع) پسر خدا است .
۱۶. والدین من معتقدند که بهشتی برای راستگویان وجود دارد که بعد از مرگ به آن می‌روند و جهنمی سوزان که بدکاران بعد از مرگ به آن می‌روند .
۱۷. والدین من اعتقادات مذهبی قوی دارند .
۱۸. والدین من معتقدند که عیسی(ع) از یک دختر باکره متولد شده است .
۱۹. والدین من به دعا کردن برای مردگان اعتقاد دارند .
۲۰. والدین من روزهای مقدس خدا را گرامی می‌دارند .
۲۱. برای من مهم است که اعتقادات مذهبی والدینم را دنبال کنم زیرا به درستی آنها ایمان دارم .
۲۲. من معتقدم که کلیسا فقط یک رئیس دارد و او عیسی مسیح (ع) است .
۲۳. والدین من معتقدند که شما باید در هنگام تولد غسل تعمید داده شوید .

۲۴. من فکر می‌کنم هر یکشنبه به کلیسا رفتن مهم است .
۲۵. من معتقدم که فقط مردان باید در کلیسا درس بدهند .
۲۶. من معتقدم چون خدا ما را می‌بخشد ما هم باید یکدیگر را ببخشیم .
۲۷. من معتقدم که کریسمس و عید پاک علاوه بر جشنهای مذهبی تعطیلاتی غیر مذهبی نیز هستند .
۲۸. من فکر می‌کنم که دعا خواندن همسران با یکدیگر مهم است .
۲۹. من فکر می‌کنم که مطالعه کتاب مقدس مهم است .
۳۰. من فکر می‌کنم که برای ما مهم است که همراه همدیگر به کلیسا برویم .
۳۱. برای من مهم است که همسرم یک مسیحی باشد .
۳۲. من واقعا خود را شخصی زیاد مذهبی نمی‌دانم .
۳۳. من فکر می‌کنم ازدواجی که خدا در آن نقش داشته باشد قوی‌تر است .
۳۴. من فکر نمی‌کنم باید عضو فرقه خاصی باشم تا یک مسیحی خوب شوم .
۳۵. من معتقدم مسیح(ع)، خدا و روح‌القدس شبیه هستند و یک تثلیث را ایجاد می‌کنند .
۳۶. من معتقدم که کلیسا باید رویه حواریون و عیسی مسیح(ع) را که در کتاب مقدس آمده است دنبال کند .
۳۷. من معتقدم که خدا فقط دوست دارد که ما آدم خوبی باشیم .
۳۸. من معتقدم که خیلی مهم است زوجین اعتقادات مذهبی مشابهی داشته باشند .
۳۹. من معتقدم مهم نیست فرد چه مذهبی داشته باشد زیرا همه ما در مسیر مشابهی به سوی خدا می‌رویم و دنبال کردن خدا در هر مسیری، مهم است .
۴۰. من فکر می‌کنم مذهب زمینه‌ای است که باید بیشتر درباره آن بحث کنیم .
- اهمیت‌های پول
- یکی دیگر از زمینه‌هایی که باعث مشکلات زیادی در ازدواجها می‌شود پول است - خیلی زیاد است، خیلی کم است، چگونه خرج شود و چه کسی آن را خرج کند، احساس ما درباره آن چیست؟ چه قدر مهم است؟ طرز برخورد شما با پول به تعالیم مذهبی و مبدأ خانوادگی‌تان بستگی دارد . میثافهای جدید مسأله

پول را بیشتر از دیگر مسائل - به استثنای فرمانروایی خدا - مورد بحث قرار می‌دهد. پیام کتاب مقدس درباره مسائل مالی شفاف است. ما باید به مردم عشق بورزیم و از اشیاء استفاده کنیم نه اینکه به اشیاء عشق بورزیم و از مردم استفاده کنیم. کتاب مقدس به ما می‌آموزد که باید مباشران خوبی برای پولمان باشیم و آن را خردمندانه خرج کنیم. ما نباید اشیاء را بیش از ارتباطها بیاندوزیم زیرا دل ما جایی است که اندوخته‌هایمان باشد. بزرگترین گنجینه‌ای که شما می‌توانید داشته باشید رابطه‌تان با خدا و همراهی است که انتخاب کرده‌اید.

شبهه همه دیگر زمینه‌ها در رابطه زناشویی، ارتباط شما در زمینه‌های مالی اساسی است. پول چیزی جز وسیله‌ای برای مبادله نیست اما استفاده از آن باعث پیچیدگیهای احساسی زیادی مثل عشق، قدرت، روابط خانوادگی و ثروت شخصی می‌شود. برای برخی افراد کنترل کردن پول در خانواده به معنی قدرت داشتن او در خانواده است، پول برای شما به چه معنا است؟

بسیاری از ما چیزهای کمی درباره مدیریت پول آموخته‌ایم. اما بسیاری از مشکلات مالی ما با شناخت از آموخته‌های کتاب مقدس درباره مدیریت پول قابل جلوگیری است. به خدا اجازه دهید که استانداردهای زندگی شما را در زمینه عشق و روش استفاده از پول تعیین کند. طرحی ساده و انعطاف پذیر برای برنامه‌های مالی خود بریزید تا به کمک آن به اهداف و اولویتهایی که با همدیگر تعیین کرده‌اید برسید. به خاطر داشته باشید که این طرحی مشترک است.

روش ساده‌ای برای ثبت محل‌های خرج درآمد ابداع کنید. با یکدیگر طوری ارتباط برقرار کنید که احساس کنید با هم دارید برای یک هدف مشترک کار می‌کنید، ارتباط برقرار کردن اساسی است. تصمیم بگیرید که چگونه از کارتهای اعتباری استفاده خواهید کرد. حدها را تعیین کنید و یک فرد بد استفاده کننده از کارتهای اعتباری نباشید. به طور شفاف بودجه‌تان را بین اهداف، اولویتها و ایجاد تغییر در خانواده تقسیم کنید.

مجموعه سؤالات زیر به شما کمک می‌کند که از احساسات و اولویتهای یکدیگر در مورد پول آگاه شوید.

1. من فکر می‌کنم اعلام کردن ورشکستگی اشکالی ندارد.
2. به نظر من مهم است که برنامه‌ای برای هزینه‌ها داشته و

- سعی کنیم آن را رعایت نماییم .
3. من دقیقا می‌دانم که چه دارایی‌هایی را باید بخرم .
4. من معتقدم که باید روزنامه و دیگر چیزها را بازیافت کنیم .
5. به نظر من مهم است که همسر، اعتباری به نام خودش داشته باشد .
6. کارتهای اعتباری باید هرماه تسویه حساب شوند .
7. همه پول ما باید یک جا جمع شود و مشترکا خرج گردد .
8. به نظر من مهم است که ما حسابهای بانکی شخصی داشته باشیم .
9. به نظر من ما باید لیستی مرتب از خواسته‌هایمان داشته باشیم .
10. مسافرت از پس انداز کردن پول مهمتر است .
11. من برای خریدن خانه حاضرم قرض کنم .
12. من فکر می‌کنم باید کسی باشم که پول را کنترل می‌کند .
13. من همه حسابهایم را تا ریال آخر تسویه می‌کنم .
14. من فکر می‌کنم پس‌انداز کردن برای آینده مهم است .
15. به نظر من قمار اشکال ندارد .
16. برای من مهم است که پولی داشته باشم که برای خرج آن لازم نباشد به تو حساب پس بدهم .
17. من از دوستانم پول قرض نمی‌کنم .
18. مردان همیشه باید درآمدی بیشتر از زنان داشته باشند .
19. مرتب پول خواستن از تو، مرا ناراحت می‌کند .
20. من فکر می‌کنم باید بتوانم به دوست یا خویشاوندی پول قرض بدهم بدون اینکه از تو سؤال کنم .
21. وقتی ما به اندازه کافی پول برای رفع نیازهایمان داریم با تو بودن برای من از به دست آوردن پول بیشتر مهمتر است .
22. به نظر من مهم است که حداقل ده درصد درآمدمان را به کلیسا هدیه کنیم .
23. به نظر من مردان نقش اصلی را در برآورده کردن نیازهای خانواده دارند .
24. من می‌خواهم حداقل هر هفته یک بار در رستوران غذا بخورم .
25. من می‌خواهم که ما همیشه مطابق آخرین مدی باشیم که می‌توانیم به دست آوریم .
26. من فکر می‌کنم در صورت نیاز، ما باید به والدینمان در سنین

بالا کمک کنیم .

27. من فکر می‌کنم تمام سرمایه‌گذارهای خانواده را باید شوهر انجام دهد .

روابط جنسی

لمس کردن یا در آغوش گرفتن چیزهایی نیستند که شما باید انجام بدهید آنها کارهایی هستند که باید انجام بدهید تا عشقتان را به یکدیگر نشان دهید . با توجه به اینکه ما می‌دانیم که روابط خوب برای ازدواج خوب لازم است، چیزی که به نظر می‌رسد حداقل زمینه ارتباط ما باشد روابط جنسی ما است .

هیچ کس چه زن و چه مرد نمی‌تواند ذهنها را بخواند . برای برآورده کردن نیازهای یکدیگر هر کدام باید بتوانید خود را راحت و صادقانه در تمام زمینه‌های ارتباطتان توضیح دهید.

سالها جامعه ما سکس را چیزی فرض می‌کرده که نباید درباره آن صحبت شود . اگر از سکس صحبت می‌شده همیشه در حالتی همراه با خجالت، فکاهی یا خشن بوده است، یا به عنوان یک وظیفه از آن صحبت شده، چیزی فقط مجبورید که آن را انجام دهید .

ارتباط جنسی شما چیزی فراتر از آمیزش ساده است آمیزش بدون آزادی برای مشارکت و بدون لذت بردن هنوز رابطه جنسی نیست . آنگاه است که یک وظیفه می‌شود.

مهم است که بدانید خدا دیدگاه بسیار رفیعی در مورد تمایلات جنسی ما دارد . این را کتاب مقدس می‌آموزد . در فصل اول کتاب پیدایش، خداوند زن و مرد را برای همدیگر خلق کرد و ظرفیت عاشق و معشوق شدن را در آنها ایجاد کرد . خداوند روابط جنسی ما را متبرک کرده است.

بنابراین نیازهایتان را بفمید، چه چیزی شما را خوشحال و راضی می‌کند . درباره حالات و تکرارها و اینکه کجا باید لمس شود و کجا نه صحبت کنید . به همدیگر این آزادی را بدهید که خود را توضیح دهید . از تفاوتها لذت ببرید . نیازهای همسر شما بیان مناسب بودن یا نبودن شما نیست . وقتی شما نیازهای او را پذیرفتید شما آنطور که همسرتان می‌خواهد با او ارتباط برقرار می‌کنید . مهم است که بدانید اگر شما به روابط جنسی علاقه‌مند هستید نباید از آن به عنوان حربه یا جایزه استفاده کنید.

کلید کسب رضایت جنسی گذراندن زمانی برای ارتباط برقرار کردن در طول عشقبازی است . این روندی مرحله به مرحله و با نشانه

است .

آمادگی راهنمایی کردن و راهنمای شدن به سمت کسب
خشنودی بخشی از این روند است، مهمترین راز در خشنودی
جنسی خشنود کردن شریکتان است . اگر همراهتان را خشنود
کنید او نیز شما را خشنود می‌کند . اگر هردوی شما چنین چیزی
را در ذهن داشته باشید آنگاه همه چیز خوب پیش می‌رود . شما
می‌فهمید که چه باید بکنید و چه نباید، چه کاری خوشایند است
و چه کاری نیست.

مجددا در زیر لیستی از عبارات است که برای شما درست یا غلط
است . آنها را تنها، جواب بدهید و سپس برای مقایسه گرد هم
آیید . به یاد داشته باشید الان زمان خجالت کشیدن یا تهمت زدن
نیست . اکنون زمان ارتباط برقرار کردن با یکدیگر از طریق عشق
است.

۱. در ازدواج ما، زن همیشه باید آماده برآورده کردن نیازهای
جنسی همسرش باشد .
۲. اگر من در طول ارتباط جنسی کاری کردم که ناخوشایند بود از
همسرم انتظار دارم که به من بگوید .
۳. من می‌خواهم که همسرم را خوشحال کنم بنابراین بی‌آلایش و
صادقانه صحبت می‌کنم .
۴. به نظر من مهم است که بدنمان تمیز باشد .
۵. من فکر می‌کنم بعضی فعالیت‌های جنسی ناپذیرفتنی است .
۶. من اعتقاد دارم که بیشتر دانستن درباره نیازهای جنسی
همسرم در غنی کردن ارتباط جنسیمان پس از ازدواج مؤثر است .
۷. من معتقدم ما باید ارتباط برقرار کنیم پس باید بدانیم که چه
چیزی برایمان خوشایند و چه چیزی ناخوشایند است .
۸. من مثل یک بچه از نظر جنسی دست نخورده‌ام .
۹. به نظر من مهم است بعد از یک روز جدایی همدیگر را عاشقانه
ملاقات کنیم .
۱۰. من اندکی از سکس می‌ترسم .
۱۱. به نظر من برای زن اشکالی ندارد که مرد را در مسیری که او
را خشنود می‌کند هدایت نماید .
۱۲. به نظر من روابط جنسی خارج از ازدواج در حالی که همسرم
آنها را نمی‌داند اشکالی ندارد .
۱۳. من معتقدم اگر همسرم از کارهای جنسی که من انجام
می‌دهم راضی نباشد به هر حال می‌توانم آنها را ادامه دهم .

۱۴. من معتقدم که کتابها و فیلمهای شهوت‌انگیز برای زندگی زناشویی سالم، مضر است .
۱۵. من از اظهار علاقه (جنسی) در جمع لذت می‌برم .
۱۶. من باید وزن کم کنم .
۱۷. برای زنان اشکال ندارد که فعالیت جنسی را آغاز کنند .
۱۸. من از بوسیدن و در آغوش گرفتن عاشقانه لذت می‌برم .
۱۹. مردان درباره اینکه چگونه همسرشان را خوشنود کنند بیشتر از زنان می‌دانند .
۲۰. من معتقدم این وظیفه مرد است که فعالیت جنسی را کنترل کند .
۲۱. من دوست دارم که گاهی اوقات بدون انجام آمیزش، رابطه داشته باشم .
۲۲. من وقتی برهنه هستم خجالت می‌کشم .
۲۳. من تظاهر به ارگاسم (برانگیختگی جنسی) خواهم کرد .
۲۴. من درباره اینکه واقعا چگونه همسرم را از نظر جنسی خوشنود کنم گیج هستم .
۲۵. من مبتذل صحبت کردن را در طول سکس دوست دارم .
۲۶. سکس فقط باید در حالاتی مورد تأیید مذهب صورت پذیرد .
۲۷. من اگر از نظر جنسی خوشنود نشوم آن را ابراز نخواهم کرد . امیدوارم این مقاله به شما در داشتن ازدواجی محکم و صادقانه کمک کند. البته سؤالات بسیار زیاد دیگری هم هست که قبل و بعد از ازدواج برای شما ایجاد می‌شود. اگرچه اگر به یاد داشته باشید که ارتباط مسأله کلیدی است همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت.

انتظارات رفتاری و اخلاقی یک مرد از همسر خود

این دفعه بنا به درخواست خانمها در مورد شناخت آقایون می

نویسم

غار تنهای مردان

هر مردی یا کلا هر جنس مذکری چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج هر چند وقت یکبار که البته زمان خاصی ندارد احتیاج به غار

تنهای دارد می دانید غار تنهای چیست؟ محیطی که در آن آقایان فقط خودشون هستند و افکار و وجدان خودشون که هر چند وقت یکبار با خود به فکر فرو می روند مشکلاتی که دراند از ذهنشان عبور می کند کارهای که تا کنون انجام داده اند چه خوب چه بد ه رفتارهای اطرافیانشان در قبال خود فکر می کنند و البته اکثر تصمیم های مهم را در همین غار تنهایی می گیرند آنها در این محیط هیچ کس را راه نمی دهند ترجیح می دهند کاملا تنها باشند اکثر مواقع در این حالت به یک نقطه خیر می شوند شاید حتی به شما نگاه می کنند و حتی حرفهای شما را با اشاره تایید می کنند اما در فکر و ذهن آنها جریانات دیگری می گذرد این غار زمان و مکان خاصی ندارد بهتره زمانی که همسر شما در یک ثنیای دیگری سیر می کنند او را آسوده بگذارید مطمئن باشید اگر به این نتیجه برسد که مشککش با مشورت کردن باشما حل می شود خود اینکار را انجام می دهد بهتره بدونید اکثر تصمیم گیریهای درست و به جا در همین غار تنهایی گرفته می شود چرا که مغز مردان یک محیط پردازشگر کاملا منطقی است و در تصمیم گیریهای بش از ۹۰ درصد منطق را دخالت می دهند شاید بارهای از یک مرد شنیده باشید سر یک موضوع که می گوید بزار یه کم فکر کنم جوابتو بهت می گم البته در مورد زنها هم شاید شنیده باشید اما این مورد در مردان خیلی بار تر می باشد معمولا زنان یه جواب سطحی در لحظه پرسش می دهند و بعدا فکر می کنند و پاسخ خود را اصلاح می کنند

افراط و تفریط را در مورد مردان هرگز اعمال نکنند

مردان در همه رفتارهای میانه روی و تعدیل را می پذیرند و کلا ذهنیت آنها با افراط و تفریط منطبق نیست و تداخل دارد حتی مطمئن باشید اگر شما در ابراز احساساتون هم افراط کنید فکر نکنید همسر شما واقعا احساسا رضایت می کند شاید رضایتمندی او موقتی باشد اما اگر در جای خود ابراز احساسات کنید و در جای خود از احساسات خود جلوگیری کنید شاید در برخورد اول همسر شما ناراحت شود اما در دراز مدت این رفتار شما می پذیرد و ابراز می دارد که چه زن منطقی دارد و هرجا به تناسب موقعیتش رفتار خاص خود را نشان می دهد

گيردادنهای بی جا مردان را عصبی میکند می کند

تا حالا شاید بارها برای شما اتفاق افتاده باشد که مثلا قصد داشتید به مهمانی بروید و شوهرتان یک لباسی می پوشد که از نظر شما این لباس درخور آن مهمانی نیست به او می گوئید لباسش را عوض کند این خیلی خوبه که شما به همسرتان توجه دارید اما زمانی هم اتفاق می افته که شما برای نشان دادن خود به دوستانتان از همسرتان می خواهید یک برخورد متفاوت از زات اخلاقی خود داشته باشد و یا یک لباسی که هرگز حاضر به پوشیدن آن نیست را به زور بر تن او کنید بهتره اینو بدونید مردان همیشه یک حس برتری نسبت به زنان دارند این کاملا طبیعی میباشد از این رو غرور آنها بی ش از زنان می باشد در برخورد های اینچنینی کمی صبور باشید و البته مردی می تواند موفق باشد که خاصیت انعطاف پذیری داشته باشد من هر جا اسم از جذبه میاورم بلافاصله واژه انعطاف پذیری هم بکار میبرم را که در

هر رفتاری اعتدال حرفه اول رو می زنه زنان از نظر رنگ پردازی تنوع گرایی زیادی دارند و رنگها را بهتر از مردان تشخیص می دهند (گرافیستهای خوبی می توانند باشند) اگر می بینید شوهر شما یک لباس را چند بار در محل کار می پوشد در مهمانی های استفاده می کند این شاید از نظر شما یک عیب باشد اما چون شوهر شما بیشتر برخوردش با آقایان است پس در این موضوع آنها باهم بهتر می توانند ارتباط برقرار کنند حالا اگر شما که یک زن هستید یک لباس را در دو مهمانی بپوشید حتی اگر برای خودتان هم مهم نباشد (که البته در مورد زنان محال است) حتما برای دیگر زنان و دوستان شما مهم است و دقیقا به خاطر دارند شما در مجلس قبلی همین لباس را پوشیده اید

پولدارترین و لارج ترین مرد هم از ولخرجی بیزار است

در خرج کردن پول حتی پولی که مال خود شماست دقت کنید حتما می دانید که زنان ایرانی در استفاده از لوازم آرایشی رتبه سوم در جهان را به خود اختصاص داده اند صبر کنید قند دردلتان آب نشود این یک برتری نیست این نشان دهنده این قضیه هم می تواند باشد که زنان ایرانی چقدر از اعتماد به نفس پایینی برخوردار هستند که برای ساختن ظاهر خود و جلب توجه احتیاج به آرایش دارند (این ذهنیت را به خاطر بسپارید هر چند که کمی به شما بر خورد منو ببخشید خودتون خواستید) سعی کنید در انتخاب لوازمی که احتیاج دارید احتیاط کنید مارک دار بودن لوازم نشانه خوب بودن آنها نیست و البته زنان در انتخاب و خرید یک جنس از این نظر مایلند مارک دار خرید کنند که این قضیه را به فلان کس

نشان دهند که چقد مایه دار هستند و یا اینکه اون مارک امسال مارک مد سال شناخته شده (به موقع فکر نکنید و پشت سر من نگیذ من امول هستم) اما آقایان در خرید معمولا جنس و پشتیبانی کلا براشون اهمیت دارد که این هم برگرفته از منطق آنهاست البته زنان غیر منطقی نیستند اتفاقا می شود گفت زنان در ابراز احساسات منطقی ترین رفتارها را دارند

رابطه جنسی و سردی مردان پس از ازدواج

کلا میل جنسی در مردان البته متاسفانه در مورد کسی که این رابطه را قبلا تجربه کرده اند حدود ۴۰ درصد افت می کند ایم بر میگرده به رفتار شما این هنر شماست که طوری رفتار کنید که همیشه برای شوهر خود جذاب باشید و شوهر شما همیشه توسط شما تحریک شود مثلا یکی از خصوصیات که من برای ازدواج مد نظرم هست همینه که دوست دارم همیشه توسط همسر آینده ام تحریک شوم و اینقدر همسرم در این قضیه ماهر باشد که من توسط هیچ زن دیگری تحریک نشوم خیلی سخته اینطور نیست ؟ اما شدن نیست و مطمئن هستم شما زنان خوب شما همسران دلسوز شما زنانی که قصد دارید شوهرتان هیچ کمبودی حس نکند این کار رو راحت بتوانید مثل باقیه کارها انجام دهید دست شما همسران درد نکنه کار شما قابل تقدیر است (البته اگر مردهای ایرانی قدرت درک برخی مسائل رو داشته باشند ایم یکی رو نوشتم که سر قضیه بالا یک به یک مساوی باشید و پشت سر من حرف در نیارید)

حاشیه در بیان یک مطلب مردان را شکنجه می دهد

بارها گفتم اگر قصد دارید یک موضوع را با شوهر خود در میان بگذارید مسفقیم برید سر اصل مطلب یه حرفو اینقدر میپیچونید که خودتون هم فراموش می کنید چی می خواستید بگید خلاصه کلام صغری کبری نکنید مردان حوصله اینکه (مثلا شما می خواهید بگید زن برادر شوهرتون در مجلس عقد یکی از اقوام به شما یه حرفه بدی زده اکثر وقتها اینطوری این مسئله رو بیان می کنید اول میگید عقد فلانی یادته که ماشین فلان کس چرخش پنچل شد که فلانی او لباسو پوشیده بود بعد رفت فلان جا اونطوری شد راستی دستبند فلان کسو دیدی دستش خیلی قشنگ بود خواهرت می گفت از فلان مغازه خریده اما بدل بودا) آیا شما به خاطر دارید چی می خواستید بگید ؟ این برخورد شما مردان را واقعا زود خسته می کند مردان در برخی موارد صبور نیستند این از آن جمله موارد

چه رفتارهای مردها را خشنود و گرم می کند

۱) وقتی از سر کار میاد خونه خسته نباشید گفتن شما از ته دل و البته هر چند وقت یکبار بوسیدن اون می تونه خیلی روی مردان تاثیر گذار باشد (بعض دختران زمانی که دوست پسر دارند روزی صد بار آنها را می بوسند اما در مورد همسر آینده خود کوتاهی میکنند بعضی ها هم که خجالت میکشند)

۲) به خریدهای که انجام داده گیر ندهید بگزارید بعدا سروقت به شوهرتان تذکر دهید مثلا زمانی که با او تنها نشستید و همان

میوه هارا که شوهرتان تهیه کرده دراید نوش جان می کنید بهترین
موقعه میباشد

۲) اگر صاحب فرزند هستید احترام همی دیگر وجلوی فرزندان حفظ
کنید اصلا به هم توهین نکنید

۴) مردان دیر اصلاح می شوند کمی صبور باشید

۵) یادتان نرود همیشه برای شوهرتان زیبا ترین آرایش را انجام
دهید و تحریک آمیز تیرن پوشش را در تن و ناز ترین رفتار را در
برخورد خود اعمال کنید

۶) هر چند وقت یکبار زمانی که نشسته با رفتارهای معکوس او را
غافلگیر کنید مثلا موهای او را بر هم بزنید این شیطنت شما به
نوعی در ذهن همسر شما ماندگار می شود البته این یک مثال
بود و قید شده هر چند وقت یکبار می دانید که مردان به موی سر
حساس هستند البته اگر بعد از ازدواج شما موی سری برای او
گذاشته باشید

فعلا فکر می کنم برای این پست کافی باشه رو همین ها فکر
کنید همین مطالب رو هم که عمل کنید البته اگر تا به حال عمل
نمیک ردید خودش شما رو چند سالی جلو می اندازد در ضمن اگر
در برخی جاها تند برخورد شده قصد توهین و جسارت به کسی
رو نداشتم و پوزش می خوام

موفق باشید و موفقیت دیگران را بخواهید باتشکر از شما : علی
سلطانی مجد

شب عروسی و حجله عروس..

یکی از رسومی که در ایران همچنان رایج است مربوط به شب ازدواج و حجله عروس میباشد. این رسم بدلیل تمدن کهن ایران و همینطور مسائل ناموسی به فرهنگ ما وارد شده تا حدی که نمی توان تاریخ ورود آن را حدس زد. در قرون وسطی که دیگه شورش را در آورده بودند و مرد و زن باید در حضور خویشاوندان علنی رابطه برقرار می کردند!!!.. در اون جو زنها دچار یک سرخوردگی اجتماعی شدید شده و مردها هم به عنوان کسی که هنوز بچه است معروف میشدند! در گذشته نزدیکتر باز اوضاع بهتر شد ولی فکر میکنین چقدر؟ وقتی دوشیزه دوطریش اسپانیایی را برای لویی سیزدهم عقد کردند تا صبح چهل نفر از مستخدمین دور اتاق رژه میرفتند و منتظر بودند ببینند کار به کجا میکشد!.. هر ۱۰ دقیقه یکبار هم یکی در اتاق رو باز میکرد و میپرسید : دوشیزه خانم عروس شدند؟؟.. زهر مار..... لویی سیزده بعد از آن دیگه هر مرتبه که با زنش در اتاقی بود منتظر بود که کسی داخل شود!!!

در حال حاضر در ایران هم این رسوم حاکم است ولی دیگر نه با این شدت.. هزاران حرف و حدیث گفته میشود که دلیل آن هم اینست که هر خانواده رسوم خاص خود را دارد.. یک گروه زن و مرد را همان شب اول در اتاقی میچنانند و میگویند :د یا لا...!!!

گروهی دیگر خاله ای ، عمه ای ، کسی را اجیر میکنند تا پشت در سرک بکشد و صدای جیغ بشنود!... ولی در حال حاضر و در خانواده های متمدن تر که تعداد آنها هم خوشبختانه کم نیست عروس و داماد را به حال خود رها میکنند و به آنها فرصت میدهند تا بعد از اتمام ، دستمال معروف سفید آغشته به خون بکارت را به بزرگان فامیل نشان دهند...!!!.. ولی تمام اینها بستگی به عرف اجتماعی و خانوادگی دارد و کاملاً متفاوت است. نکاتی را در این زمینه باید حتماً گوشزد کرد که آنها را بترتیب و کوتاه فهرست کرده ام ... تورو خدا دیگه در این زمینه ایمیل نزنید.

۱- آقایان عزیز... ماه عسل یکی از بهترین راههای فرار از این مخمصه است. اگر می توانید بلافاصله همان شب دست عروس را گرفته و سوار ماشین بشید و خود را به مکان امنی برسانید!!!

۲- آقایان گرامی.. در شب یا روزهای نخستین ازدواج شما هزاران مشغله فکری دارید و باید بدانید که اولین رابطه شما کاملاً مهم و حیاتی می باشد. پس لازم نیست که حتماً گیر بدید که شب اول باید کار تموم بشه.. فراموش نکنید اسمش رابطه جنسی میباشد ولی ۸۰٪ روحی است

۳- زنان در این لحظات در وضعیت بدی قرار دارند... آنها را درک کنید. خیلی طبیعی است که شما رو پس بزنند و حاضر به همجوایی با شما نشوند! این یک امر طبیعیست. فرتی احساس بدبخت شدن بهتون دست نده.. بذارید به آرامش برسه. اجبار نکنید. زور نگیرید. درک کنید. شاید حتی این وضعیت ۱۰ روز طول بکشه هر مقدار که زمان لازم بود بپردازید. سعی کنید به هیچ عنوان همسرتان را وادار نکنید. او خودش از اینکه جلوی شما را میگیرد فوق

العاده ناراحت است پس فشار روحی مضاعف وارد نکنید.

- ۴- آدم باشید! اقرار نیست شیرجه بزنید! با آرامی مشغول شوید. واقعیت این است که زنان از این لحظه وحشت دارند. گوریل بازی در نیارین خواهشاً... سعی کنید همسرتان به آرامش رسیده باشد. معمولاً با کمی درد و خونریزی همراه است ولی گاهی یک یا هیچکدام از این ۲ فاکتور را هم ندارد! اصلاً غیر طبیعی نیست.. دو دستی تو سرتون نزنید اگه خون ندیدید. زنان در چندین مرتبه ابتدایی و حتی تا مدتی ممکن است از جهاز جنسی خود ارضا نشوند. باید سعی کنید که این فقدان را حتماً با نوازش و صمیمیت جبران کنید. اصلاً نترسید چون اعصاب زن در آن لحظات کاملاً به هم ریخته میباشد. آنها به زمان نیاز دارند.
- ۵- فشار وارد نکنید. مجراهای وی در ابتدا کارایی دارند ولی اصلاً آماده نیستند. سعی کنید فشار جسمی به وی وارد نیارین. وزن خود را به او تحمیل نکنید. سعی کنید حتماً پاها را باز نگه دارید. از مایعات چرب کننده برای چرب کردن جهاز جنسی خود و همسرتون استفاده کنید. یک مرتبه این کار را نکنید. ممکن است احساس ضعف به همسرتان دست بدهد، اشکال از خون نیست که از وی خارج میشود. دو دستی تو سرتون نزنید!!
- ۶- بهتر است سری اول یک یا چند بار همسرتان را از طریق oral sex به اورگاسم برسانید و بعد شروع به defloration بکنید. بهتر است یک بالشت کوچک زیر باسن وی قرار داده تا جهاز جنسی وی در حالت بهتری قرار گیرد. نکته آخر اینکه زمانی را که او مایل به انجام است انتخاب کنید و نترسید.

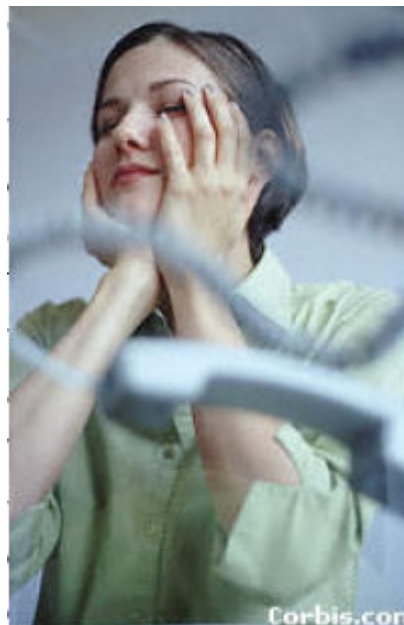
taktaz منبع از :

زنانی که از ازدواج می ترسند...



ما ۲ گروه زن داریم که به دلیل ترس از انتخاب بد حاضر نیست ازدواج کنه. **گروه اول** زنانی هستند که منتظر به **فرصت خوب** هستند. اینها خیلی خطرناک دارن حرکت میکنند. افرادی هستند که زیر نگاه شدید اطرافیان قرار دارند و مسلماً نمی خواهند که پس از ازدواجشان بشنوند : اِهه ، یارو رو! اینهمه صبر کرد آخرش با این تحفه ازدواج کرد! از طرفی بی اعتمادی به در و دیوار و عدم شناخت فاکتورهای صحیح یک نفر **قدرت بله گفتن** را ارزشون سلب میکند. آنها به فرد کاملاً تضمین شده رو از هر نظر می خواهند. اونها هزینه زمانی گزافی رو دارن پرداخت می کنند و مسلماً می خواهند از اینهمه هزینه سودی عایدشون بشه و همچنین مشقت محکمی بر دهان یاوه گویان بزنند. دخترانی که باید به چیزهایی رو به بعضی ها ثابت کنند و برای یک مرتبه هم که شده پوزشون رو بزنند! این گروه باید به چند نکته توجه کنند.

۱- این هزینه سنگینی رو که شما در حال پرداختش هستید باعث میشه که **سطح انتظاراتون** بالا بره. شما معمولاً بعد از ازدواج خیلی بیرحم میشین! چون زمانی دیگه برای از دست دادن ندارین و شوهرتون نباید در خوشبخت کردنتون فس فس کنه! شما شانس هیچ آزمایشی رو بهش نمیدین و اون فرد نگوینخت باید تمامی هزینه هایی که شما کردید رو سریعاً بهتون **پس بده**!! مسلماً اگر فرد توانایی کافی برای این مهم نداشته باشه و کسی باشه که درک حسی بلد نباشه شما وی را خواهید کشت!



۲- بدونین هر ثانیه رو که اضافه میکنین ۶ برابرش شرط انتخاب یک نفر رو **سخت تر** میکنین. شما همواره انتظار یک فرد خاص رو دارید... به خبر بد هم که باید بهتون بدم اینه که اکثراً پیداش نمیکنین! واقعیت اینه انتخابهای شما بعد از مدتی شروع میکنه به کم شدن. بلایی هم که از آسمون ممکنه نازل بشه! اینه که بعد از مدتی دچار وحشت تنهایی بشین و در نتیجه به اولین کور و کچلی که یک هزارم خواسته های قبلتون رو نداره شوهر کنین و مجبورین کلی هم ازش در مقابل تعجب اطرافیان دفاع کنین!

۳- شما از یک فرد معمولی **انتظار بیشتری** از همسرتون دارید . شما عموماً خودتون رو سرکوب حسی و جنسی میکنین. دچار یک افسردگی پنهان میشین و نهایتاً همواره منتظرین که فرد مورد نظرتون بیاد و رک فرمان زندگی رو ازتون بگیره تا شما به نفسی بکشین و دیگه مسؤل رانندگی نباشین! شما می خواین کولر رو بزنین و یکم چشماتون رو ببندین و استراحت کنین! مشکل اینجاست که شوهرتون هم دقیقاً همین مرگش بوده که خواسته ازدواج کنه! حالا اون هم دیگه توان نداره و میخواد فرمان رو ول کنه و کنار شما استراحت کنه! خب ، حالا کدوم دره رو می پسندین که بیوفتین توش؟!

زنانی هستند که از مردها **متنفر شدن** و اگه بتونن نسلشون رو منقرض میکنن! اینها کمبود ها و ضربات عاطفی و همچنین نگرش غلطی که به روابط مرد و زن داشتن باعث شده من برای جن هم آرزوی چنین زنانی رو نکنم! البته اینها بیشتر دارن پوست خودشون رو میکنن تا دیگران! نکته جالب اینکه اینها در ازدواج موفق به حساب میان! چون تمام موارد احساسی رو بچه گانه و روابط زناشویی رو کوتاه فکرانه میبینند و در گیر مسائل مهمتری!! هستند غالباً با یک تیکه پاره آجر مثل خودشون ازدواج میکنن و اینقدر خشک و قفل منطبق هستند که حرف هیچکس رو نمیپذیرند و در نتیجه کاملاً راحتند! من خیلی سوال از این گروه دارم ولی چون میدونم دارم آب تو هاون میکوبم حرفی نمیزنم!

اما گروه اول اگر به این شیوه ادامه دهند همه چیز را از دست خواهند داد و باید نکاتی را رعایت کنند تا زندگی برای آنان شیرین شود!!

۱- باید بگم **زنان ایرانی زندگی میکنن واسه شوهر کردن!** این واقعیت زندگی اونهاست. از هر سمت هم ببینی بازم همینه... خانمهای گرمای، این تفکر بوچ رو بریزین دور که **خوشبختی رو از ازدواج انتظار دارین**. غلطه ، مردوده ، میگیرین چی میگم؟ در دنیای امروز رد شده. مردی که نتونسته خودش رو خوشبخت کنه چطور قراره شما رو خوشبخت کنه؟ خودش هزارتا عقده داره و حالا میخواد شما جوابگوی اونها باشین! ازدواج فقط به **روش زندگیه** و اون احتملی هم که گفته تنها و بهترین روشه مال ۲ قرن پیش بوده! ازدواج ممکنه به خوشبختی ختم بشه ولی راه اون نیست.

۲- **هر مقدار زمان لازمه مصرف کنین ولی به خاطر فشار اطرافیان ازدواج نکنین.** شما حق دارید جوری که دوست دارید باشید.

۳- این فکر غلط که زندگی از بعد ازدواج شروع میشه رو بریزین دور. لذت، تفریح، تجارت، آسایش و همه اون کارهایی رو که به اشتباه فکر میکنین باید حتماً با شوهر باشه رو از همین الان شروع کنین. بخاطر ازدواج زندگی رو فراموش نکنین. چه اشکالی داره که شما در مسیرهایی که فکر میکنین علاقه دارین فعالیت کنین و به خودتون برسین. انتظار خوشبختی از همسر داشتن غلطه! بلکه شما باید با ازدواج خوشبخت تر بشین. چه اشکال داره شما وارد بازار بشین ، وارد بورس بشین ، امتحان کنین ، شکست بخورین، پیروز بشین، سرمایه گذاری کنین ، جهانگردی کنین و کلاً خودتون رو وقف چیزی که ازش لذت میبرین نکنین....

۴- از نظر جنسی خودتون رو آزاد کنین. رابطه راحت داشته باشین. شما احتمالاً سنتون زیاد شده و زمان کمی برای لذت بردن خواهید داشت. مردی که انتظار باکرگی از شما داره فقط به احمق که شما رو کالا میبینه و مصرفی. یه متعجب فکری که شما رو واسه بدنتون می خواد. ضمناً بدونین شوهر شما که احتمالاً از نظر سنی از شما چند سال بزرگتره دیگه اون قدرت و هیجان جنسی جوانی رو نداره و همچنین مسلماً تا الان بارها رابطه جنسی داشته فقط یه فرد کونه فکر ظالم از شما انتظار داره که شما همیشه در حال کشتن خودتون باشین. منبع : tiztaz

بزرگترین ضعف یک زن چیست

کدومتون میدونه که چیه؟؟ چه عاملیه که باعث میشه در تمام مراحل زندگی زنان، تاثیر نامطلوبی به واسطه اون گذاشته بشه؟؟ متأسفانه تنها در کشورهای سنتی گرا این عامل شدیداً قدرت داره .. این عامل چیزی نیست جز یک تفکر ساده ولی مسموم! تفکری که مثل یک پیچک دور زن رو میگیره و به آرامی وی رو خفه میکنه. اینکه یک زن نمی تواند بنهایی موفق شود و احتیاج به یک تکیه گاه داره!! یک تفکر باطل و کاملاً غلط... شما به هرچی دختر ایرانیه نگاه کنین. مغز همشون رو چند تا کلمه داره ویران میکنه.. شوهر، عشق ، کسی که تا ابد کنارت بمونه!! تمام زنهای ایرانی زندگیشون رو دارن تو این خط خلاصه میکنن. متأسفانه پایداری هم ندارن! یعنی تا یکم تصمیم میگیرن عوض بشن زیخ گند میزنن تو اوضاع! ایندفعه از اونور بام می افتن پایین و اصلاً این مطالب رو پوچ میبینن و تماشش رو از ذهنشون پاک میکنن! ایندفعه میشن یه موجود نجسب که مغزش یخ بسته ! متأسفانه این تفکر باعث شده که زنان ایرانی هرچقدر هم که پیشرفت میکنند باز هم می خواهند که کسی آنها را خوشبخت کند! آنها همش تو فکر این هستن که یک نفر بیاید و بار این زندگی را برایشان بدوش بکشد! خانمها خودتون مقصرد.. شما فکر میکنین سنگینی جهان برایتان زیاد است! شما تکیه گاه میخواهید ولی حاضر نیستید که ستون باشید. متأسفانه باید بگم راندمان عملیتون

افتضاحه! اکثرآ زنان ایرانی خودشون رو یه نهال میبینن که داره یه طوفان رو تحمل میکنه ، منتظر یه داریسته که بیاد تا بتونه بهش تکیه بده!! خدا بگم چیکارتون کنه.. بعضی هاتون هم یکم احساس میکنین که مثل اینکه قضیه مشکل داره ولی نمی دونین جریان چیه! در نتیجه شوت میکنین زیر داریست و میگین داریست میخوام چیکار؟ ..خودم مثل شیر وایمیستم جلوش... آقا باده هم ایکی ثانیه میاد زرتی نهال و ریشه و هرچی هست و نیست رو عینهو ماست میکنه می اندازه دور!!.. خانمهای عزیز.. لطف کنید این طرزفکر دراماتیک مامان بزرگاتون رو بریزین دور و محض رضای خدا یه ذره محکم باشین.. در کتاب پیامبر و دیوانه ، اثر جبران خلیل جبران چند عبارت وجود داره که خوندش رو بهمتون توصیه میکنم. شما باید این تفکر رو جایگزین کنین. فقط دو بند از این عبارتهاش رو براتون میگم..

۱- زن و شوهر همچون ستون های یک معبد هستند که سقف را نگه میدارند ولی وزنی به دوش هم نمی اندازند

۲- از نان خود به هم بدهید اما هرکدام برای خود نانی داشته باشید..

بقیه اش رو برید بخونین و تورو خدا یکم روش فکر کنید. شما فقط منتظرین که یه نفر بیاد و سنگینی

شما رو تحمل کنه ولی اصلاً فکر نمیکنن اون در قبال اینکار از شما امتیاز می خواد. این افکار خاله هاتون رو هم بریزین دور که اگه عاشقه باید اینکارو انجام بده ! تو رو خدا بس کنین دیگه .یکم محکم باشین . مطمئن باشین اگه اینجوری بود به شما وانت می دادند نه شوهر!! شما باید بپذیرین که دوران اشتراک تموم شده! وقتی که مردی خرج زنش رو میده در واقع داره ارزش آزادی خرید میکنه! اون مثلاً قراره از شما محافظت کنه ولی در واقع شما رو صاحب

میشه! تو کلتون بکنین که اولین شرط آزادی اینه که دستتون تو جیب خودتون باشه.چرا روی مرد حساب میشه؟چون اون داره صورت حساب رو می پردازه!قدرت پول داره بحساب قدرت اون نوشته میشه! اصلاً روتون میشه واسه پول تو جیبی و خرج خونه هی پیشش دست دراز کنین؟بعد هم دو هزارتا جواب پس بدین که با پول قبلی چیکار کردین!! در سراسر دنیا زنها دارن کار میکنن.از تو رستوران گرفته تا توی راکتورهای اتمی، فقط توی این کشورهای سنتی گرای بی در و پیکرو بی صاحب میبینی که زنها چتربازی هم زندگی میکنن! در نتیجه آزادی نمیتونن داشته باشن.اونهایی هم که شاغل هستند باز در جهت اتینا شاغل هستند !! خانومها چرا همش معانی رو غلط تفسیر میکنین؟ جمله مالِ من و مالِ تو نداره دیگه مرد! بابا بخدا! الان زندگی تو هزاره جدید حساب کتاب داره...بگیرین چی میگم.از نان خود بیکدیگر بدهید ولی هرکدام نان جداگانه داشته باشید. این اولین شرطه آزادیه : روی پای خود بودن. شما دنیای نوین می خواین ولی نمی خواین خودتون رو باهاش وفق بدین؟ مگه میشه همچین چیزی؟ اولین شرط زندگی در دنیای امروز اینه:خودت مسؤل ساخت زندگی هستی. حالا پیام دوباره نظر خواهی رو باز کنم ببینم به مشیت شاعر نوشتن :آه ..ای دل..دوران عشق سپری شد! عاشقی مرده!...کوفت !! بخدا دارم خودمو کنترل میکنم که داد زنم!.....پوف...عزیز من عاشقی نمرده! ولی دوران اینکه تو مسؤل زندگی نباشی تموم شده.هر فرد ۲ راه جلوی پاش داره.یا اینکه کسی مسؤل زندگی باشه و در مقابلش باید آزادی رو بهش بدی و یا مسؤل زندگی باشی و هزینه آزادی رو هم بپردازی..لوس بازی هم در نیارین!فلسفه مفت هم ننویسین چون حد وسط نداره...این مسائل هیچ ربطی هم به عاشقی یک فرد خود مسؤل نداره..میگیرین چی میگم؟نداره..نداره...نداره...

تغییر رفتار آقایان قبل و بعد از ازدواج

تا کنون بارها دیده شده که رفتارهای آقایون قبل از ازدواج با بعد از ازدواج تغییر کرده البته این مسئله در مورد خانمها هم صادق است اما آنقدر کم است که حتی لمس نمی شود به عنوان مثال خیلی از آقایون در دوران نامزدی و یا عقد خود را یک عاشق پیشه نشان می دهند در هفته دو یا سه شب با شما بیرون می آیند کارهای غافلگیر کننده انجام می دهند حرفهای شیرین و جذابی میزنند و البته از هیچ فرصتی برای برقراری رابطه جنسی یا حد اقل معاشقه و کمه کمش بوسیدنو لب گرفتن نمی گذرنند اکثر مواقع شیک ترو تمیز با موهای مرتب و صورت اصلاح شده و البته سر وقت سر قرار حاضر می شوند خوب این خیلی خوبه اما متأسفانه این رفتارهای به مرور زمان بعد از ازدواج کمرنگ و کمرنگ تر می شوند حتی اون آقایی که دم از گرمی در رابطه جنسی میزد بعد از ۶ یا هفت ماه حوصله برقراری رابطه جنسی هم به ندرت پیدا می کند دیگه سینما و پارک رفتن کم و کمتر میشه اون آقایی که بوی عطرش شما رو گیج می کرد لباس پوشیدنش شما رو جذب می کرد موهاش و البته صورت صافش دیگه حوصله این که حتی هفته ای دو

مرتبه اصلاح کند را ندارد زودتر عصبانی می شود بارها این مسئله را از من پرسیده اید و دلپیش را خواسته اید و البته به عکسش خانمها اکثر خانمها در دوران پس از ازدواج گرمتر می شوند نیاز جنسی آنها بیشتر از قبل می شود البته از به زبان آوردن نیاز خود کمی خودداری می کنند و بیشتر با رفتارهای و حرکات خود و حتی نوع لباس خود قصد دارند آقایان را از نیاز خود به رابطه جنسی مطلع سازند اما آقایان یا این قضیه را متوجه نمی شوند یا اینکه خود را به او راه (کوچه علی چپ) میزنند و به قوله دوستان امروزی خیلی عذر می خوام یا آب می دهند البته دلایل قانع کننده ای برای خود دارند چون آقایان همیشه یک دلیل دارند علت تغییر رفتارهای آقایان چیست؟ قبل از اینکه به این مسئله بپردازم اینو بدوید هیچ مردی نیست که از عمد رفتاری انجام دهد که همسر خود را ناراحت کند و از زمانی که متعهد به قبول مسئولیت می شود تمامی تلاش خود را در این زمینه به کار میگیرد من دلایل زیرا باعث بوجود آمدن تغییر رفتار آقایان می دانم

بار مسئولیت زیاد در قبال زندگی مشترک

قطعا شما به عنوان یک زن می پذیرید که اداره کردن زندگی چقدر سخت می باشد محیا کردن تمام لوازم زندگی و ایجاد آسایش برای اعضای خانواده اگر مجرد هستید و در منزل پدری زندگی می کنید به رفتارهای پدرتون نگاه کنید فکر و ذهن یک مرد تامین رفاه اعضای خانواده است سیر کردن شکم تامین پوشاک محیا کردن محیط مناسب برای زندگی ایجاد رابطه دوستی پدران الگو قرار گرفتن پدر توسط اعضای خانواده تکیه گاه یک خانواده البته تلاش مادران و همسران هم نباید فراموش کرد و جای قدردانی دارد تمامی مسئولیتهای یک مرد باعث می شود که دیگه حوصله ای ، وقتی و اتلته توانی برای انجام بعضی رفتارها نباشد من برای عام می نویسم کاری به اقلیت ندارم که مثلا از به راههای پولدار شدن و آنقدر پول دارند که اگر تا آخر عمر در خانه کنار همسر بشنید بخورند بخوابند هم باز پول اضافی میارند اکثر جوانان ایرانی اونطور که من می بینم خیلی که زرنگ باشند بتوانند کاری دست و پا کنند و یک درآمد به قول معروف بخور و نمیر داشته باشند لابد می گید خوب مگه مجبورند ازدواج کنند بهتره بدانید که ازدواج یک تکامل است و یک نیاز شما به عنوان یک همسر خوب باید از شریک خود حمایت کنید نمی گم مثلا احساسات تفریحات رو در زندگی باید فراموش کنید نه اینها همه لازمه زندگیست اما در زندگی موقعیتهایی پیش می آید که باید برای حفظ بقای زندگی مشترک بعضی وقتها گذشت داشته باشیم و البته صبور باشیم آقایان هم اینو در نظر داشته باشند ابراز احساسات رسیدگی به سرو وضع در زندگی به همان مقدار اهمیت دارد که سیر کردن شکم همسر و فرزندان اهمیت دارد چرا که همسر شما هم در خانه بیکار ننشسته و مطمئنا به مسئولیت خود در منزل یا حالا خارج از منزل محیط کار می پردازد و اون هم برای حفظ زندگی از خود مایه می گذارد پس جوابه محبتهای یکدیگر رو با عشق بدهید

تغییر معیار آقایان و حس تنوع پذیری

متاسفانه همانطور که بارها عرض کردم بعضی از شناختها از طرف مقابل فقط و فقط در دوران ازدواج بدست می آید بیشتر ازدواج ها در سنین کم با این مشکل روبرو هستند چراکه در سنین کم انسان تمامی معیارهای خود را نمی شناسد و وقتی وارد زندگی می شود بعد از یک مدت متوجه می شود فردی که انتخاب کرده با معیارهای خود فرق عمده ای دارد این یک مشکل بزرگ است که باعث سردی در روابط می شود البته در این مورد خاص من فقط طلاق را هرچه زودتر پیشنهاد می کنم که اکمروزه به خاطر بالا بودن میزان مهریه آقایان مجبور می شوند بسوزند و بسازند پس ازدواج در سنسن کم امکانر بروز چنین مشکلی را دارد مورد بعدی حس تنوع پذیری آقایونه بارها دیده شده که برخی از آقایان با توجه به اینکه یک همسر خوب زیبا و البته با اندامی شکیل دارند اما با این وجود باز نگاهشون به یک زنه دیگه است البته نگاه آقایان به زنان و دختران یک عمر طبیعی و مشترک بین همه آقایان هست و اگر آقایایی به یک خانک دیگر نگاه کرد دلیل بر این نیست که حتما دیده منفی دارد اما خوب نوع نگاه ها فرق می کند شما به عنوان یک زن بهتر از من می توانید متوجه نوع نگاه همسر خود باشید آقایونی که حس تنوع پذیری دارند هیچ وقت به آن شخص مورد نظر خود نخواهند رسید و فقط زندگی خود و همسر و شاید فرزندان خود را ویران می کنند من با اینکه اسلام میگه هر مرد می تواند چهار تا زن داشته باشد و چهل تا صیغه مخالفم چون به هیچ وجه نمی توان عدالت را یکسان همه یکسان اعمال کرد همیشه عرض کردم دوست داشتن رو بین چند نفر نمی شود تقسیم کرد حتی یکی از زنان

رسول اکرم (ص) هم در این مورد به ایشان اعتراض کرد چون عدالت در روابط زناشویی میان او و سایر همسران پیامبر اجرا نشد بگذریم شناخت اینگونه افراد خیلی سخته

سخن آخر

در آخر برای موفقیت خود در زندگی از شما می خواهم که معیار های خود را بشناسید اگر قصد ازدواج با دوست پسر یا دوست دختر خود دارید به جای اینکه وقت خودتونو صرف زدن حرفهای بیهوده و تکراری کنید سعی کنید از هم به یک شناخت بالا برسید بهجای آنکه در دوران نامزدی برید کنار رودخانه برید جاهای خلوت و به فکر لب گرفتنو نمی دونم نوازش آنچنانی نقاط حساس بدن خود باشید سعی کنید در مورد خود و آیندتون صحبت کنید البته معاشقه لازمه به جای اینکه در دوران عقد مدام برید خونه همدیگر و یک شب خانم منزل خانواده پسر باشد و یک شب پسر منزل خانواده دختر باشد و هی برید و بیایید و باعث مزاحمت و بروز اختلافات خانوادگی شوید و رابطه جنسی رو بخواهید مدام با هم تجربه کنید کتر برید و بیایید و سعی کنید در مورد آینده بهتر تصمیم گیری کنید نترسید شما مال هم هستید و در زندگی زناشویی فرصت برای انجام روابط زناشویی زیاد دارید موفق و سعادتمند باشید

با تشکر از شما : علی سلطانی مجد

حرفهایی که زنان نباید به شوهرانشان بزنند !

من می دانم که شما الان در حال فکر کردن به چه چیزی هستید .اینکه زوجهای ازدواج کرده نباید هیچ رازی را داشته باشند و باید همه چیز را با شوهرشان در میان بگذارند اما به اعتقاد من این حرف تنها مزخرفی بیش نیست! چیزهایی وجود دارد که قطعاً شما نباید آن را با همسرتان در میان بگذارید.باید دهنتان را ببندید و حرف نزنید.مهم نیست که در چه شرایطی باشید و در چه وضعیتی . جمله بزرگی رو بخاطر می آورم که بحق می گفت : چیزی را که نمی داند وی را نخواهد نرنجاند !

هرگز در مورد مادر وی چیزی بر زبان نیارید .

مهم نیست که وی آدم بدی است یا آدم خوبی . این قانون طلایی را بیاد بسپارید که دهانتان را چفت کنید! این کاملاً قابل پیش بینی است که شما بدلالی از مادر شوهرتان خاطره جالبی ندارید و میبینید که همسرتان یک روز در حال حرف زدن در باره وی است. اینکه چقدر زن شریف ، با ارزش و دارای فلان خصلتهاست. روز دیگر ببینید که همسرتان مدام در حال بد و بیراه گفتن به وی می باشد و اینکه وی چقدر خود خواه و رذل است! اینجا جایی است که ممکن است شما به اشتباه با عصبانیت وی همراهی کنید و در نتیجه پرونده خود را باطل کنید! به هوش باشید . هرچه شد فقط زیانتان را ببرید! او می تواند هرچه که می خواهد در مورد مادرش بگوید . تعریف یا بد و بیراه ! به شما مربوط نیست! سعی کنید نظراتتان را برای دوستان یا کسان دیگری که با آنها نیز ارتباط عاطفی و روانی دارید نگه دارید . اعتماد داشته باشید که کار غلطی نمی کنید!

با نزدیکترین دوست همسرتان خودمانی نشوید!

مهم نیست که وی چقدر دوست خوبی است و یا فرد قابل اعتمادی. حریم خود را حفظ کنید. گاهی بعضی از شوخی ها در حریم های خانوادگی چیز جالبی نیست اما همان شوخی در حریم دوستی کاملاً هم چیز جالبی است! بگذارید همه چیز حد و مرز خود را داشته باشد.

هرگز به وی نگویید که فلان دوست شما زیر سرش بلند شده است!

این بحث زنانه را برای خودتان و دوستانتان نگه دارید. این مسئله را اصلاً علنی نکنید. شما همانطور که در مرحله قبل دیدید باید عمل کنید و از هر چنین چیزی باید فرار کنید و نشان دهید که چنین کاری بسیار نا مناسب است. اینکه بخواهید ماجرای را برای وی تعریف کنید تا به وی بفهمانید شما چقدر شخصیت سالمی دارید و وی باید قدر شما را بداند چیز است که در مغز شما می گذرد. در مغز یک مرد تنها این نکته است که چه باعث شده که همسر این دوست من اختیارش را از دست بدهد؟ وی چه نداشته که دوست پسر جدیدش دارد؟ آیا من هم آن را دارم؟ نکند دوست همسرم بخواهد همسرم را هم متوجه

فقدان آن در من کند؟. حالا بشینید ۳۰ سال توضیح بدید! فایده نخواهد داشت. از طرف دیگر خدا بداد دعوای شما و موشکهایی که وی بطرف شما پرتاب خواهد کرد برسد!

هرگز و هرگز به وی نگویید که وی به اندازه ای که قبلا در سکس قدرت داشته نیست!

تا پانچه ای بروی شقیقه خود بگذارید و هر وقت خواستید این جمله را بگید ماشه آن را بچکانید! عزیز من ، واقعا باید بدانید که اگر حرف جالبی برای زدن ندارید بهتر است اصلا حرف نزنید! با این جمله وی را براحتی ۱۰ سال پیرتر خواهید کرد . مسلما اگر می خواهید وی را بکشید و از وی انتقام بگیرید این راه خوبی است اما اگر صرفا از وی دلخورید ولی وی را دوست دارید زیانتان را گاز بگیرید ! این جمله بمانند این است که وی را در خواب آرام بعد از ظهری خود ، با بنزین به آتش بکشید!! وی برای همیشه از شما دلخور خواهد بود.

هرگز چیزی نگویید که احساس کند نسبت به جریانات شغلی وی ناراضی هستید!

" قانون هر غلطی میکنی بکن ! من بهت اطمینان دارم ! "

این یکی از اشکالاتیست که اکثر زنان میکنند. خارج از غرغر های آنها در مورد کار همسرشان ، وی وقتی از سر کار به خانه بر میگردد بهش بدجور پيله می کنند! می خواهند بدانند که چه شده که همسرشان اینقدر خسته و عصبانی است! مدام سوال می کنند و توضیح می خواهند و سعی می کنند که ماجرا را منطقی ارزیابی کنند و مدام جواب به هر خط شکایت همسر می دهند. سعی می کنند به وی حالی کنند که طرف وی هستند اما وی باید آرام باشد! بسیار ساده در روزهای بعد موقع دعوا اعلام می کنند که تو انتظار داری که مردم بدانند تو چه هستی ولی تو خودت هنوز نمی دانی که چه هستی و چه می خواهی! من اما می دانم که تو فلان و فلان هستی. غر میزنی ، فکر می کنی خیلی می فهمی و و و و ... وی از خود دفاع خواهد کرد و خواهد گفت که من فکر می کردم تو به من اطمینان داری! و شما هم می خواهید گندتان را درست کنید و می گوید البته که دارم اما فلان و فلان! بعد از کلمه اما

دیگر توضیح شما معنی نخواهد داشت! شما کار را خراب کرده اید! کسی نیست که بشما حالی کند که شما قرار نیست منشی وی باشید بلکه قرار است همسر وی باشید. قرار نیست چون زندگی کاری وی بشما هم ربط دارد در آن دخالت کنید و مسولیتی که با وی است را بررسی کنید!

هرگز به وی نگویید از وی طلاق خواهید گرفت مگر اینکه فلان کار را انجام دهد!

مثل احمقها مدام همسر خود را تهدید به طلاق نکنید . به وی به اشتباه نخورانید که یک پای شما همیشه بیرون در است! ساک شما همیشه بسته است! خانه مادر شما همیشه هست! و بدتر اینکه بدانید دارید بلوف میزنید و یک لحظه بدون وی زنده نمی مانید! دفعه بعد که خواستید فریاد بزنید از جلوی چشم من دور شو! دیگه نمی خواهم ببینمت! یک لحظه خود را کنترل کنید و کلمه را در دهانتان بخشکانید. اگر این کار را نکردید البته ممکن است جواب بشنوید که وی جایی نمی رود و این دیوونه بازی ها چیست ، اما این دست رو تو دادن خاصیت همیشگی مردان نیست. بی جهت زندگی را با دری وری مشوش نکنید. مردی که بداند همیشه احتمالی وجود دارد که به خانه بیاید و شما در آن نباشید هرگز بشما واقعا لطف نمی کند!

هرگز نگویید که شما بیشتر از وی حقوق میگیرید!

چه می خواهید بکنید؟ چطور است اصلا دریل را برداریم و مغزش را سوراخ کنیم؟ ها؟!

یادتان باشد ۳ اصل مهم در مورد پول و مسائل مالی اینهاست :

پول شما و پول وی ندارد - اما پول شما و وی از هم جدا باشد!

پول " من " در کلمات بکار نبرید

نگویید "اگه پول کم داری من دارم!" " می خواهد ماشین بخرد یا فرضا خونه . بعد راه می افتید دور میزنید دور ماشین حسابش و فضولی میکنید و آخرش می گوید این مقدار بهش می دید! این غلطه! برید و وقتی میبینین که داره موهاش رو

می کشه و فکر میکنه با فنجان چای خودتان ریلکس بشنن کنارش و بگید که " منم یه مقدار پس انداز دارم - نمی دونم چقدر دقیقا - ولی شماره کارتم رو بهت میدم بین میتونه اینم کمکی کنه ؟ " اما کاری نکنین برعکس این هم! یعنی اینقدر بی خیال نشون بدید که نتیجه بدتر داشته باشه! سعی کنید لحظه را دریابید !

به عشقهای جوانی خود اعتراف نکنید!

ساده و روشن ! می دانید چرا ؟ منبع از tiztaz:

۱۰ جملهای که مردان از شنیدنش وحشت دارند

بطور حتم موارد بسیار زیادی وجود دارند که یک مرد هیچ وقت نمی خواهد از زبان همسرش بشنود " .بریم خرید" یکی از آنهاست. با شنیدن چنین عباراتی متوجه خواهید شد که کل بعدازظهرتان در کنار اتاق پرو خانم تلف خواهد شد. "تو مثل پدرت هستی" یکی دیگر از این عبارات نا گوار است و بدتر از آن شنیدن " تو مثل پدرم رفتار می کنی" است که می تواند به طور جدی مردها را آزار دهد. در این قسمت چند نمونه از وحشتناک ترین، مهیب ترین، دلخراش ترین و آزاردهنده ترین کلماتی را که یک زن می تواند در برابر شوهرش بر زبان بیاورد را ذکر کرده ایم.

۱۰- من داشتم فکر می کردم که ...

اگر او به شما بگوید که " من فکر می کنم... " شما واقعا باید با مسئله جدی برخورد کنید. من با شما شرط می بندم که موضوع بحث چیزی جز ازدواج، ارتباط جنسی و یا یک پایان تلخ نخواهد بود. خانم ها معمولا چنین مسائلی را به روش های مختلف بیان می کنند مثلا: "تو چرا منو دوست داری؟" و یا "آیا تا حالا در مورد آینده فکر کردی؟". در برخورد با این مسائل شما باید همیشه یک راه فرار زیرکانه در سر داشته باشید و چه کاری بهتر از تغییر موضوع بحث.

۹- مرد باش

هیچ چیز به اندازه زیر سوال بردن مردانگی آقایون دردآور نیست. شما می توانید به راحتی مردانگی خود را با سبیلتان! اثبات کنید و از این طریق او را شرمنده کنید. اما اگر نمی خواهید کار به این جا کشیده شود می توانید موضوع بحث را عوض کنید. به عنوان مثال "آیا تو خودت یک زن کاملی؟ شاید به خاطر همینکه که اینقدر غر میزنی"

۸- پدر و مادرم می خواهند تو را ببینند

مفهوم این عبارت از دو مورد خارج نیست:

- رابطه شما کاملا جدی می شود و اتفاقات مهمی در حال وقوع است.

- قرار است تا مشکلات روانی شما در زیر میکروسکوپ روان شناسی خانواده مورد بررسی قرار گیرد.

تنها کاری که از دست شما بر می آید این است که امیدوار باشید تا پدر خانواده به یاد تعمیر آن چند سیم چین قدیمی که دارد نیفتد.

۷- سرم درد میکنه

عبارت مذکور به این معناست که امشب ابراز عشق و علاقه تعطیل است، رفیق. اما شما در این مورد هم می توانید او را گول بزنید. اگر احساس می کنید که او اصلا دوست ندارد که شهوت شما را فرا بگیرد، می توانید یک عدد آسپرین برای سردردش به او بدهید. این کار خود به خود همه چیز را روبه راه می کند.

۶- نامزد قبلیم این کار رو نمی کرد

چون شما هیچ وقت در مورد روابط قبلی خود با او صحبت نمی کنید به همین دلیل انتظار ندارید که او هم در این مورد با شما صحبت کند. در چنین شرایطی او شما را علنا با مردی مقایسه می کند که خودش او را به زباله ها سپرده! اوه، خدای من، خیلی سریع از خودتان دفاع کنید.

۵ - به چی فکر می کنی؟

خانم ها خیلی کنجکاو هستند. آنها باید از تمام افکار، احساسات، علایق، عقاید، گمان ها و اشارات شما سر در بیاورند. از سوی دیگر آقایون اصلا دوست ندارند که در مورد همه چیز کاوش کنند و بحث راه بیندازند. سکوت آنها را بیشتر راضی نگه می دارد.

۲- به نظرت اون خوشگله؟

مطمئنا او شما را دیده که در حال نگاه کردن به آن خانم زیبا که عقل و هوش را از سر میبرد بوده اید. اصلا مهم نیست که تا چه حد زیرکانه و پنهانی نگاه می کردید، در هر حال او متوجه شده است. بنابر این اگر بگویید "نه" او می داند که شما دروغ می گوید و بحث و جدل آغاز خواهد شد. پس باز هم زمان استفاده از حقه های هنرمندانه است: "یک کم، ولی خیلی چاقه" و بعد هم برای اتمام قضیه دعا کنید.

۳- چه تغییری کردم؟

به طور حتم اگر نتوانید تشخیص دهید گرفتار درد سر بزرگی می شوید. و هر چه مدت زمان بیشتری را برای جواب دادن صرف کنید او نا امید تر شده و شما را احمق تر فرض می کند. زمانی که شما بالاخره فریاد می کشید "اوه، مدل موها تو عوض کردی!" او از عصبانیت منفجر می شود و گوشواره های جدیدش را به زمین پرتاب می کند و میرود.

۲- دوستم نامزد کرده / باردار شده

شاید این عبارت در نگاه اول بی خطر به نظر برسد البته تا زمانیکه صدای او نازک نشده و ناامیدی در آن موج نزند. شما باید بدانید که منظور واقعی او چیست: "کی ما نامزد می کنیم / بچه دار می شویم؟" مسیر انحرافی فوق العاده در این قسمت این است که به ظاهر وانمود کنید که همه چیز را قبول می کنید. اما متأسفانه هیچ کاری از دست شما بر نمی آید هنگامی که او به کنار شما بیاید و با صدای آرام بگوید: "من باردارم". موفق باشی رفیق.

۱- ما باید با هم صحبت کنیم

به خاطر داشته باشید که هیچ چیز مثبتی در مورد این عبارت وجود ندارد. شما باید انتظار بر هم خوردن رابطه و یا شرکت در یک بحث طولانی که چطور نمی تواند نیازهای او را برآورده کنید را داشته باشید. به هر حال هیچ یک از موارد ذکر شده خوشایند نیستند و نمی توانید کار چندانی نسبت به آن انجام دهید. این عبارت یک ضربه شست واقعی است. حال تصور کنید که او از شما سوال کند "تو فکر می کنی من چاقم؟" هیچ چیز بدتر، نیشدارتر و آزاردهنده تر از این وجود ندارد. به هر حال همه چیز به خودتان بستگی دارد.

راه فرار

در حالیکه هیچ یک از مردها دوست ندارند که عبارات مذکور را بشنوند، ولی متاسفانه مجبور هستند. بعضی از آنها را می توان تا حدودی تحمل کرد اما تنها کاری که می توانید انجام دهید این است که خود را برای شنیدن آنها آماده کنید.

ده خصلت خانم ها :

آقایون خانم ها را دوست دارند. قیافه، بو، طرز راه رفتن و صحبت کردن تنها چند نمونه از دلایلی هستند که آقایون فکر میکنند خانم ها موجوداتی آسمانی هستند. در حالیکه زندگی بدون وجود اونها غیر ممکنه اما مطمئنا باهاشون هم نمی تونیم زندگی کنیم. علت این که چرا نمی تونیم باهاشون زندگی کنیم تا حدود بسیار زیادی به این مطلب بر میگردد که اونها کامل و بی عیب نیستند. من از روی تحلیل های بسیار زیاد 10 نمونه از کارهای خانم ها رو کشف کردم که آقایون رو واقعا کفری می کنه و باعث میشه که مردها به سر حد جنون برسند .

شماره ۱

خانم ها وانمود می کنند که پاک و معصوم هستند چیزی که در تعداد بسیار زیادی از خانم ها دیده می شود این است که قصد دارند تا وانمود کنند در زیر یک نور الهی هستند و همیشه از شما خیلی پاک تر هستند. البته آن دسته از خانمهایی که واقعا پاک و معصوم می باشند قابل تحسین هستند اما بقیه باید از سرپوش گذاشتن روی کارهایشان دست بردارند.

شماره ۲

از سایر خانم ها انتقاد می کنند برای چه هیچ خانمی نمی تواند از خانم دیگر تعریف کند؟ اونها دوست دارند از تمام مسائل مربوط به خانم های دیگر ایراد بگیرند حال از وزن و مدل مو گرفته تا... تنها یک خانم می تواند تشخیص دهد که کفش خانم دیگری با کیفیت است نیست و با همین مطلب می تواند او را به خاک سیاه بنشانند. البته عده بسیار معدودی از خانم ها می توانند جذابیت خانم های دیگر را بپذیرند (و خوشبختانه او را به جمع دوستانه شان دعوت کنند) اما بسیاری از آنها دوست ندارند همسرانشان جذب زیبایی و محبوبیت خانم های دیگر شوند. اما با وجود تمام این حرف ها آقایون به طور ناخودآگاه خانم های زیبا و جذاب را خواهند دید .

شماره ۳

حسودی می کنند. بیشتر اوقات تنها اشاره به اسم یک خانم دیگر می تواند برای شما مرگ را به همراه داشته باشد. حال تصور کنید چگونه می خواهید در جنگی که به دلیل رفتن شما به کلاب رقص شبانه به وجود آمده است پیروز شوید

شماره ۴

خود را نیازمند نشان می دهند بعضی از خانمها همیشه چند خط مشی بسیار سری را دنبال می کنند. آنها از همسرانشان انتظار دارند که تمام توجهشان را به آنها معطوف کنند، آنها را تر و خشک

کنند و به آنها بگویند که تا چه حد وجودشان استثنایی و ویژه است. آنها می خواهند مردها را به یک صندوقچه احساسات تبدیل کنند و از آنها انتظار پشتیبانی اخلاقی، ذهنی و عاطفی دارند. در این قسمت یک تضاد جدی بین آن دسته از خانم ها که ذکر شد و دسته دیگری که به بیرون از خانه رفته، کار می کنند و خود را مستقل نشان می دهند وجود دارد. دسته دوم جزء گروهی هستند که هنگام عاشقی واقعا متزلزل می شوند. البته شاید دانستن این مطلب برای شما خالی از لطف هم نباشد که آقایون خانم های سرسخت را ترجیح می دهند زیرا حداقل در این حالت می توانند اندکی آرامش ذهنی خود را حفظ کنند .

شماره ۵

رمزی صحبت میکنند جمله قدیمی " نظر تو چیه؟" یکی از مثال هایی است که خانم ها برای تست کردن احساسات و روحیات آقایون به کار می برند. آنها می خواهند به این طریق متوجه احساسات واقعی مردها نسبت به خودشان شوند. آنها در مورد نقاط ابهام سوال می کنند و بر اساس طرز تفکر آنها ما باید پاسخ سوالات را درست مطابق آنچه در ذهن آنهاست بدهیم در غیر این صورت جزئی از روح آنها به شمار نخواهیم رفت و به عبارتی نیمه گمشده آنها نخواهیم بود . می توانید این منظره رقت آور را تصور کنید: مردی که آماده پردازش سوالات همسر خود است، او به دنبال پاسخ مناسب می گردد ولی هیچ چیز به

ذهنش نمی رسد، همسرش دست به کمر در جلوی او ایستاده و از فاصله نسبتاً زیادی به او خیره شده و و پای خود را مرتباً به زمین می زند. آقایون عزیز هیچ راه فراری جز ارائه جواب ندارید فقط باید امیدوار باشید که سرانجام کارتتان به بیرون از خانه در کنار زباله ها کشیده نشود !

شماره ۶

تجاوز به حریم شخصی همه خانم ها این تمایل غریزی و نا خودآگاه را دارند که هر طور می خواهند با مردها رفتار می کنند و تمام وسایل شخصی آنها را مال خود می کنند . به عنوان مثال هنگامیکه لباسی را دوست ندارند، به راحتی به خود اجازه می دهند که بر سر کشوی لباسهای ما رفته و آن را زیر و رو کنند تا چیزی را که مناسب حالشان است پیدا کنند و مثلاً ژاکت جدید مورد علاقه ما را بر میدارند و می پوشند. حال تصور کنید که شما به متعلقات شخصی آنها نزدیک شوید و یا نه، فقط در مورد مدل مویشان نظر بدهید، آنچنان جهنمی برپا خواهد شد که شعله های آن همه جا را فرا می گیرد. بنابراین شما فکر نمی کنید که زندگی یک زمین بازی جوانمردانه است؟

شماره ۷

بیش از اندازه احساساتی می شوند آنها به خاطر هر چیزی گریه می کنند: یک فیلم غم انگیز (و یا حتی شاد)، شکستن

ناخنشان، خراب شدن مدل موها و ... و بدتر از همه اینها زمانی است که از ما انتظار همدردی دارند، تنها کاری که باید انجام دهید سرو کله زدن با خانمی است که به شما چسبیده و گریه و زاری راه انداخته است. البته منظور من این نیست که آقایون بی عاطفه هستند و هیچ گونه احساسی ندارند اما مشکل اینجاست که خانم ها بیش از اندازه "مامانی" هستند و متاسفانه بسیاری از آقایون کوچکترین نکته ای در مورد تسلی خاطر به خانم ها نمی دانند. البته این حقیقت که خانم ها اندکی ظریف و آسیب پذیر هستند نکته جالبی است زیرا شما به راحتی می توانید آنها را دلداری دهید تا موضوع را فراموش کنند. شما که نمی خواهید سیلی از اشکهای او در خانه شما جاری شود؟

شماره ۸

آنقدر خرید می کنند تا از حال بروند هنگامی که زمان خرید فرا می رسد در طول روز زمان کافی برای خانم ها وجود ندارد. حال از گشت و گذار در مراکز خرید و تماشای ویتترین مغازه ها گرفته تا خرج کردن تمام موجودی همسرانشان. آنها می توانند ساعت های طولانی را در پشت ویتترین یک مغازه کفش فروشی صرف کنند و اصلا هم به آب و غذا و دیگر مسئولیت هایی که در زندگی بر دوش آنهاست

فکر نکنند. اما تا اینجا همه چیز قابل تحمل است فقط دعا کنید امروز فرا نرسد که آنها تصمیم بگیرند تا شما را نیز به همراه خود ببرند. ما همراهشان می رویم از این مغازه به آن مغازه،

سرگردانی های بی هدف، چند قدم به جلو و دوباره به عقب تا زمانیکه تمام جزئیات البته بجز برچسب قیمت مورد بررسی قرار گیرد .

شماره ۹

پیوسته صحبت می کنند متاسفانه "کریس راک" نیز این تجربه تلخ را داشته است. روزی در یک مصاحبه تلویزیونی یک سوال از خانمی پرسید که او برای ۲۵ دقیقه در مورد آن توضیح داد! بیشتر خانمها عاشق صحبت کردن هستند و هنگامیکه به آنها میدان دهید بدون توقف پیش خواهند رفت. البته تصور نکنید که گفته های آنها برای ما اهمیت ندارد ما فقط نمی خواهیم گزارش ثانیه به ثانیه تمام جزئیات را بدانیم .

شماره ۱۰

از روابط جنسی به عنوان یک سلاح استفاده می کنند در جدال جنسی همه چیز بر سر کسی خراب می شود که شلوار بر تن دارد. اغلب خانمها برای نشان دادن برتری خود نسبت به مردها به آنها از موضع روابط جنسی حمله می کنند . البته من به نوبه خود به کارگیری این روش مودبانه را تحسین می کنم ولی این واقعا منصفانه نیست که آنها از ابتدایی ترین نیازهای انسانی اینطور سوء استفاده کنند . یاد بگیرید آنها را تحمل کنید اگر با کفایت و تدبیر کافی با مسائل مربوط به خانمها برخورد کنید رفتارهای آزاردهنده آنها چندان هم غیرقابل تحمل به نظر نمی رسد. تنها

شانس شما این است که خود را با آنها وفق دهید شما هم رفتارهای رنجش آور و آزار دهنده مخصوص به خود را دارید، هیچ انسانی کامل نیست، و من فکر می کنم این مطلب تنها چیزی است که هم خانم ها و هم آقایون می توانند بر سر آن به توافق برسند .

منبع: amizeshirani

حرفهایی که زنان عاشق شنیدنشان هستند

چیزی وجود دارد که هر مردی لازم است درمورد همسرش از آن مطلع باشد؛ گفتن چه حرفهایی باعث خوشحالی او میگردد. وقتی سخن از تعریف و تمجید بمیان می آید زنان تبدیل به هیولای خون آشام گرسنه ای می گردند که همیشه بیشتر و بیشتر و بیشتر طلب میکنند! و اگر شما خواسته شان را برآورده نمایید، در عوض بسیار بیشتر از طرف همسرتان مورد محبت و توجه قرار خواهید گرفت و آنها خوب می

دانند که چطور این کار شما را جبران کنند.

چه ازدواج کرده باشید و چه در دوران نامزدی بسر
میبرید، این قانون را بیاد داشته باشید: برای آماده نگاه
داشتن یک زن جهت ابراز مهر و محبت به شما، کافی
است نکات مثبت بسیاری از او را به وی یادآوری نمایید.

ادامه به ۱۰ مطلبی که همسر شما عاشق شنیدن آنها است
اشاره میکنیم :

شماره ۱۰

" روز خوبی داشتی؟ "

هنگامیکه از همسر خود در مورد چگونگی گذراندن روزش
پرسش میکنید، برداشت او این خواهد بود که شما انسان با فکری
هستید و مشتاقید بدانید وی ساعات کاری خود را چگونه سپری
کرده است. اما یک هشدار: این سؤال به همسر شما مجوز
آن را خواهد داد که چند ساعتی در مورد کوچکترین اتفاقاتی که
برایش افتاده صحبت نماید. پس برای مدت زمانی طولانی آماده
نشستن و شنیدن داستانهای او شوید.

شماره ۹

" نمی توئم بگم چقدر دلربا و زیبا هستی "

همانطور که مشخص

است، این به او می‌رساند که شما وی برای شما جذاب بوده و فرد دیگری به چشمتان نمی‌آید. از طرف دیگر باعث افزایش اعتماد بنفس در او خواهد شد.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: این جمله بخصوص در روابط زناشویی بلند مدت مؤثر واقع می‌شود چرا که شما به همسر خود اطمینان می‌دهید هنوز به او علاقه دارید. در عوض همسرتان نیز سعی خواهد کرد این زیبایی و دلربایی را با شما تقسیم نماید. سؤالی هست؟ اینجوری فکر نمیکنید؟

شماره ۸

"در مورد [هر چیزی] چه احساسی داری؟"

پرسیدن این سؤال به همسرتان نشان می‌دهد که شما خالصانه برای احساسات او اهمیت قائل هستید. زنها عاشق بیان احساسات خود در مورد هر موضوع قابل‌تصور می‌باشند. با این حال بدانید که خود را در دام گفتگویی طولانی و عمیق در مورد آن موضوع گرفتار خواهید کرد. بنابراین اگر شب تصمیم دیدن مسابقه فوتبالی را دارید، این سؤال را مطرح نکنید.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: این سؤال بیانگر جنبه مهربانی و دلسوزی یک فرد است. وقتی همسرتان در می‌یابد که شما توجهتان را به وی مبذول داشته‌اید، او نیز متقابلاً تمام احساسات خود را با شدتی بسیار بیشتر، اهدا خواهد نمود. یعنی

اگر قبلا فقط فردی جذاب بشمار می آمدید، اکنون همانند
جواهری در چشم او جلوه خواهید کرد. متوجه منظورم می
شوید؟

شماره ۷

"تو زیبا تر از دوستان دیگرت هستی"

قرار دادن او از بین همتهایش بر سکوی نخست زیبایی باعث
بالا رفتن اعتماد بنفس وی شده و سبب می گردد تا همسر
شما در تصوراتش بر دوستان هم جنس خود بتواند فرمانروایی
کند. این تحسین و تعریف بسیار مهمی در دنیای زنانه محسوب
شده و امتیاز شما را در نزد همسران ارتقای چشمگیری خواهد
داد.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: گذشته از اینکه باعث
می گردد او از لحاظ زیبایی ظاهری خود را برتر از اطرافیانش تصور
کند، این جمله کوتاه به همسران تفهیم میکند که شما تا چه حد
برای وی ارزش قائل هستید. بعلاوه زمانی که دوستانش پیش
شما هستند، کمتر احساس نگرانی خواهد کرد. او در مورد
خودش احساس خوبی نموده و پاداش سلیقه بخرج دادن شما
را خواهد داد. با اینحال یک احتمال جانبی بالقوه وجود دارد: یک
همسر حسود این سخن را مدرکی برای متهم نمودن شما به
اینکه قصد برانداز نمودن و چشم دوختن به دوستانش را دارید،
بشمار خواهد آورد.

شماره ۶

"تو واقعا زرنگ و باهوشی"

با تصدیق نمودن هوش و ذکاوت وی، این معنی را می‌رسانید که علاوه بر محاسن ظاهری، متوجه ذهن و فکر توانمندش نیز شده‌اید. همسر شما با شنیدن این جمله در مورد همه جوانب زندگی خود احساس رضایت و خوشنودی خواهد نمود. این سخن نشانه احترام از طرف شما برای همسرتان محسوب می‌گردد.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما می‌گردد: همسرتان این مسئله را که شما فقط به فکر روابط جنسی نیستید و قادرید ماورای چنین موضوعات فکر کنید را تحسین خواهد کرد. زنها عاشق مردان صمیمی و خوش قلب می‌باشند و هیچ چیزی بهتر از بیان و تشخیص هوش و ذکاوت آنها نمی‌تواند صفات آقا منشانه شما را آشکار نماید

شماره ۵

"در روابط زناشویی بسیار خوب هستی"

بیان این جمله باعث می‌گردد همسرتان احساس کند که یک الهه است. شنیدن این عبارت به

همسر شما تفهیم می کند که روابط جنسی و زناشویی او به چشم شما بی عیب و نقص بوده و باعث می گردد که احساس نماید واقعا می داند که چگونه باید مرد خود را راضی نگاه دارد .

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: تحسین و تمجید از عملکرد او نشانگر این است که شما به روابط جنسی فقط به عنوان ابزاری برای ارضا نمودن خود نگاه نکرده، بلکه همه جنبه های آنرا مورد ستایش قرار میدهید.

شماره ۴

"می خواهم همه عمرم را با تو سپری کنم"

این جمله ای سنگین است؛ معنی آن فاصله زیادی با دادن پیشنهاد برای ازدواج ندارد. بنابراین پیش از گفتنش به نامزدتان مراقب عواقبش باشید. اما بخاطر داشته باشید که ریسک کردن اغلب پاداش و نتیجه مطلوب به دنبال خواهد داشت. هنگامیکه این جمله را بیان می دارید، او از لحاظ روانی بسیار سرکیف می گردد. جملات دیگری که تقریبا همین نتیجه را داشته ولی تعهدآوری آنها کمتر می باشد، عبارتند از: " فقط تو میتونی تا این حد منو خوشحال کنی" و " من دوست ندارم با هیچ کس دیگری جز تو باشم".

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: همه زنها عاشق شنیدن جملاتی حاکی بر سرسپردگی دیرپا و با دوام از

همسرشان هستند. مطمئن باشید که بعد از گفتن این جمله سلامی همیشگی را از او خواهید شنید.

شماره ۲

"تو بهترین دوست منی"

او می گوید که

چگونه ماورا و فراسوی مسائل جنسی می اندیشید و به این معنی است که برای رابطه اتان ارزش قائل هستید و مایلید کارهایی را به همراه او انجام دهید که مردان دیگر ممکن است رغبتی به آن نداشته باشند. همسرتان بعد از شنیدن این جمله پیوستگی مقاومت ناپذیری با شما پیدا خواهد نمود.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: این جملات شما را در نظر وی بجای یک فرد عادی که مجبور به گذراندن وقتش با او است، به انسانی معنی دار و جذاب تبدیل میکند. این شما را به ابتدای لیست خواستگاران پرتاب میکند چراکه شما به مهمترین نکته اشاره کرده اید: دوستی و رفاقت.

شماره ۲

"تو یک مادر ایده آل خواهی شد"

اغلب زنها به دنبال

این هستند که روزی بچه دار شوند. همچنین اکثرا با خود کلنچار می روند که آیا در این راه موفق خواهد بود یا خیر. با

گفتن این جمله به او اطمینان می دهید که حتما به هدفش خواهد رسید. به علاوه با ارضای نیازهای درونی او باعث آرامش و تسکین وی می شوید. بیان این کلمات از زبان شما به عنوان یک همسر، او را تبدیل به خوشحال ترین انسان روی زمین خواهد نمود.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: اینگونه بطور غیر مستقیم به همسر خود می فهمانید که مایلید از او بچه دار شوید. واضح است که این نوایی بسیار خوشایند در گوش او می باشد. از این نقطه، همسرتان بیشتر پذیرای پیشرفت و ترقی شما خواهد شد.

شماره ۱

"تو زندگی منو کامل می کنی" این به او می گوید که تنها فرد مورد علاقه شما است. همه زنها دوست دارند این جمله را از شوهرشان بشنوند. بیان این عبارت به مفهوم آن است که شما همسر خود را بصورت کامل پذیرفته اید و اینکه او به صورت موجودی اجتناب ناپذیر و همیشگی برای شما در آمده است. در همسرتان احساس لذت بخش غیر قابل تصویری بوجو آمده و تا چندین روز لبخند از لبانش جدا نخواهد شد.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: این جمله اساسا می گوید که شما در زندگی به او نیاز داشته و نمیتوانید بدون او به زندگی ادامه دهید. زنها از شنیدن چنین جملاتی بسیار مشعوف میگردند.

اشاره باشکوه

"دوستت

دارم "

این جمله "دو کلمه ای" معروف و کوتاه که همگی ما برایش اهمیت بسیار زیادی قائل هستیم، می تواند تاثیر شگرفی به همراه داشته باشد. اگر ازدواج کرده اید خوب است هر روزه چندین بار برای همسرتان تکرارش نمایید.

چرا باعث زیبا شدن وجهه شما میگردد: گفتن این عبارت به همسرتان باعث روشن نگاه داشتن شعله های آتشی می گردد که همیشه نیاز به برافروزی دارند. اگر در بین شما کسانی تا حال این جمله را به همسرشان نگفته اند، هر گاه احساس آمادگی نمودید، تردید به خود راه نداده و آن را بیان کنید. هیچگاه از گفته خود پشیمان نخواهید شد وقتی که عکس العمل او را می بینید (یا احساس می کنید).

گفتگوی عشق

اکنون که آموختید که چگونه می توانید همسر خود را خوشنود کرده و صورتش را سرخ نمایید، اینکار را انجام دهید! فقط به این نکته فکر کنید که او در جواب کار شما در آینده چطور جبران خواهد نمود.

عوارض قرصهای اکستازی X

همیشه اعتیاد به یکی از مواد مخدر از یک بار امتحان کردن در جمع دوستان شروع میشود اولش یکی دوتا اما آخرش ... همانطور که میدانید امروزه یکی از مواد مورد مصرف در پارتیها قرص اکس X میباشد شاید با خواندن این مطالب شما هم متوجه شوید که مصرف این قرص از تریاک یا حتی هشیش یا هروئین بدتر میباشد عملکرد این قرص چگونه انجام میگردد؟ حدود ۱۰ تا ۳۰ دقیقه بعد از خوردن این قرص پیام عصبی از مغز به کلیه اعضای بدن ارسال میشود ضربان قلب بطور عجیبی بالا میرود با گوش دادن به موزیکهای مهیج DJ ALi یا غیره شما نا خداگاه چیزهایی میبینید که در واقعیت وجود ندارند قیابه افراد متفاوت میشود صداهایی در گوش شما شنیده میشود و شما را مجبور به کارهایی میکند کم کم حرکات دست و پا یا دیگر اعضا شروع میشود و شما اختیاری ندارید ضربان قلب به حدی میرسد که هر لحظه امکان متوقف شدن آن میرود وقتی با سمیرا -ی در تخت بیمارستان نور اصفهان صحبت میکردم این حالات در وی برای او اتفاق افتاده بود سمیرا دختری ۲۱ ساله بود که پس از مصرف این قرص سرو دستان خواهر ۱۷ ساله خود را از با چاقو از بدن بریده بود و به مادر و پدرش حمله کرده بود شاید همیشه بگید به بارش اشکالی نداره اما مصرف این قرص حتی یک بارشم خطرناک میباشد

مردان چگونه تحریک می شوند؟

بطور کلی مردان هم آسانتر و هم زودتر از زنان تحریک می شوند البته این امر متاسفانه در بعضی از جوامع آنطور که باید و شاید جا نیفتاده و افراد مخصوصا خانمها دید منفی به تحریک پذیری زود مردان دارند اما این یک امر خدادادی می باشد که در زن جنس مذکر قرار داده شده است اما برخی رفتارها و یا بلوغ زودرس و یا دیرس باعث تغییراتی در نوع تحریک پذیری افراد بوجود می آورد به عنوان مثال برخی مردان با لمس کردن قسمتی از بدن جنس مخالف خود تحریک می شوند و یا حتی بعضی دیگر با لمس آنی جنس مخالف چیزی فراتر از تحریک بوجود می آید و آن ارضاء شدن است البته من اسم این نوع ارضاء شدن را ارضاء منفی تلقی می کنم اینگونه افراد بدون آنکه در اراده آنها باشند علاقه مند به لمس کردن جنس مخالف خود هستند مشکل اینگونه افراد ارسال پیامهای عصبی زود رس به غده هیپوتالاموس مغز می باشد و باعث تحریک شدن زود رس می شود

مردان از چه رفتارهای برای تحریک شده از سوی

همسرشان لذت می برند؟

همیشه گفتم باز هم می گویم زن موجودی لطیف پاک و

قابل احترام است البته تمامی اینها دلیلی بر این نمی

باشد که اگر کسی به همسر خود احترام بگذارد به آن لفظ

زن ذلیل را بچسبانیم اگر شما بعنوان یک زن می خواهید
همسر خود را تحریک کنید پیشنهاد می کنم رفتارهای زیر
را انجام دهید

بکار گیری لطافت زنانه مثل طرز صحبت کردن نوع الفاظی
که به کار می برید تا آنجا که می توانید با صدای نرم
آهسته شمرده و شیوا صحبت کنید پوشیدن لباسهای آزاد
که تمامی برجستگی های بدن شما پیدا باشد کمی ناز
کردن عشوه گری لمس کردن بوسه های آنی و کوتاه
هرگز هنگام برقراری رابطه جنسی بلافاصله تمام
لباسهای خود از تن در نیارید مو زدائی فراموش نشود و
پاکی

انتظارات زنان از مردان در روابط زناشویی

نکته که آقایان باید حتما به آن توجه داشته باشند این
است که بر خلاف تفکر بوجود آمده زنان نیز به رابطه
جنسی گرایش زیادتری دارند شاید تعجب کنید اما منظور
زنان از رابطه جنسی آن چیزی نیست که بلافاصله بعد از
شنیدن رابطه جنسی در ذهن مردان پدیدار می شود
بکارگیری عشق در رابطه جنسی از سوی زنان فوق العاده
اهمیت بالایی دارد همسر خود را به آرامی لمس کنید
تمامی اندام آنرا کامل نظاره کنید با موههای آن بازی کنید
لازم به ذکر که بدونید رابطه جنسی فقط دخول نیست به
زنان خود احترام بگذارید توجه داشته باشید که اگر به
همسر خود کمی توجه داشته باشید همسر شما بیش از

دو برابر آن مایه ای که شما برای آن گذاشتید برای شما مایه می گذارد زنان از طرز صحبت کردن شوهرشان لذت می برند به آرامی صحبت کنید متین و با وقار مطمئن باشید زنان در بعضی مواقع داغ ترین موجودات روی زمین می شوند بطوریکه حتی با حرف زدن شوهرشان تحریک می شوند این بستگی به خودتون داره اکثر زنها از موهای موجود در سینه شوهرشان لذت میبرند شاید این از نظر شما پوچ باشد اما ... هیچ موقع عجله نکنید متانت متانت آرام و با آرامش . ادامه دارد

رفتارهای دختران قبل از ازدواج

هر دختری روزی ازدواج می کند روزی همسر می شود و روزی مادر و روزی مادر بزرگ دختر موجودی زیبا با نرمی و لطافت بالا دختر موجودی کنجکاو موجودی شلوغ و پرهیاهو در سنین نوجوانی و جوانی و بالاخره دختر موجودی با شیطنتهای کوچک و در بعضی مواقع بزرگ من کاری به جامعه کنونی ایران ندارم که بعضی ها ایمیل برای من ارسال می کنند و شکفه و شکایت از دخترهای امروزی در ایران می کنند حرفهای من کلیست معیارهای دختران در هر سن متفاوت می باشد در سنین نوجوانی و ابتدای جوانی فقط و فقط تیپ و ظاهر در سنین ۲۰ تا ۲۵ سال تا حدودی مادیات اما درک واقعی آنها و معیار اصلی و ماندگار آنها چیست؟ دختر همیشه خود را موجودی وابسته می داند و به یک تکیه گاه مطمئن احتیاج دارد تا زمانی که در

خانواده می باشد پدر خانواده حکم یک تکیه گاه دارد و پشت گرمی دختر به پدر می باشد یکی از دلایلی که رابطه دختران با پدر خیلی خوب هست همین موضوع می باشد بعد از پدر سرپرست خانواده در محیط زندگی بعد از ازدواج همسر باید یک تکیه گاه مطمئن باشد از هر نظر اگر شما پدری پولدار دارید و قرار هست بعد از ازدواج مثلاً کارخانه پدر خود را مدیریت کنید و پدر شما خانه اتومبیل و پول در اختیار شما قرار می دهد مطمئن باشید همسر شما یک ضعف را در وجود شما احساس می کند و اکثر وقتها این ازدواجها به سبب خود شما نمی باشد بلکه به سبب وجود وضعیت مادی پدر شما میباشد اینجا باید عرض کنم زنان و مردانی در زندگی خود موفق هستند که زندگی خود با دستهای خود بسازند البته مقداری کمک بد نیست اما صدقه اصلاً جایز نیست مردانگی خود را حفظ کنید بعضی از پسرها به اینکه احساس ندارند افتخار می کنند اما اینگونه افراد باید بدانند که ابراز احساسات از سوی شما سلاح شما برای شیفته کردن دوست دختر نامزد و یا همسر شما میباشد

من از همه دخترها و پسرهای جوان می خواهم که این رو در ذهن خودتون پرورش بدهند که دوست داشتن فقط و فقط خاص یک نفر میباشد و دوست داشتنهای خود را میان چند نفر تقسیم نکنند چراکه روزی همه را از دست خواهند داد . با تشکر علی س

شناخت پسرها در دوره های مختلف

(ویژه خانمها)

پسرها

تعریف پسر: خداوند از هر موجود زنده ای یک جنس نر و یک جنس ماده ای آفرید و هیچ برتری نسبت به جنس مخالف در این دو جنس وجود ندارد در حیوانات در گیاهان در جانوران زنده و نهایتا در انسان پیدایش جنس مذکر و جنس مونث پسر انسانی از جنس مذکر بوده و علت مذکر بودنش دلیلی بر برتری نسبت به جنس مونث نمی باشد

پسرها در سنین مختلف :

در سنین کودکی:

عمده تفاوت پسرها با دخترها که در شکل گرفتن شخصیت آنها اهمیت دارد می توان گفت پسرها محیط را به نفع خود تغییر می دهند اما دخترها خود را با محیط سازگار می سازند از اینرو انرژی که در پسران وجود دارد بیش از دختران می باشد در بازیهای دوران کودکی همیشه فرمانده یک جنس مذکر می باشد و کارگردان بازی یک جنس مذکر می باشد دختران نیز با این مسئله مشکلی ندارند اما از همان دوران در ذهن آنها برتری جنس مذکر به جنس مونث در حال چرخش است اما همینجا اعلام می توانم بگویم این یک هنجار اجتماعی نیست و همانند علاقه مندیهای این دو جنس

که متفاوت است حس ریاست طلبی هم در پسران زیاد است و این حتی منطقی هم عست چرا که پسر روزی مرد شده تشکیل خانواده می دهد و علاوه بر مسئولیت خود مسئولیت افراد خانواده خود را نیز باید بپذیرد البته زنان زیادی هم وجود دارند که همچون یک مرد بر افراد خانواده سایه افکنده اند و با تلاش خود هم نقش مادر را ایفا می کنند هم نقش پدر اما بهتره عامیانه نتیجه گیری کنیم

در سنین نوجوانی:

درگیریهایی جزئی با خانواده شروع می شود ، به سرو وضع خود خیلی اهمیت می دهند ، در این سن سه چیز خیلی اهمیت پیدا می کند یکی مدل موی سر دیگری تیپ و حفظ ظاهر و سوم دوستان با در این سن با ورود به مقطع راهنمایی در کشور ما مسئله ای دیگری حس می شود و آن مسئله غریزه جنسی است سن بلوغ در پسرها متفاوت می باشد اما عامل مشترکی که در این دوره خیلی حس می شود غریزه جنسی می باشد توجه به آلت مردانگی کنجکاو و جستجو برای شناخت دستگامهی جنسی هم سنین جنس مخالف خود از مسائل این دوره می باشد خانواده در این مورد باید حتما وارد عمل بشود و با رفاقت پدر با پسر جای هیچگونه سئوالی برای پسر نماند در این دوره پسرها ترجیح می دهند خیلی رابطه های را تجربه کنند پس هر جا جنس مخالفی می بینند سعی می کنند نظر آنها به خود جلب کنند اما فکر رابطه دوستی و .. در ذهن آنها به ندرت دیده می شود.

سن نوجوانی - بلوغ - آغاز جوانی:

در این مرحله پس از بالغ شدن انرژی و پتانسیل عجیبی در جنس مذکر پدیدار می شود علاقه مندی به ورزشهای مهیج سرعت و حادثه جویی والبته افکار رویای پدیدار می شود اختلافات عقیدتی و... با افراد هم جنس در خانواده آغاز می شود کم کم حس علاقه به جنس مخالف شکل می گیرد غریزه جنسی و افکار وابسته به آن در این سن به اوج می رسد تا جایی که میل به خود ارضائی شروع می شود نکته ویژه خانمها در این سن رابطه احساسی با پسرها برقرار نکنید و نگزارید که حس وابستگی در آنها بوجود بیاید چرا که این دوست داشتن زودگذر میباشد بارها شنیده ام که دخترها گفته اند پسرها دخترها را تنها برای ارضای میل جنسی خواسته و هدف دیگری ندارند پسرها در سنین پایان نوجوانی و آغاز جوانی بیشترین نیاز را به این میل دارند بهتر بود به جای اینکه واحد مشاوره در مدارس از دبیرستان شروع شود از دوران راهنمایی شروع می شد البته پسرها زیاد به حرف مشاور و حتی والدین خود در این سن توجهی ندارند و هر چه دوست صمیم آنها و یا جو جامعه حکم کد لازم الجرا میباشد البته دخترها در این سن دست کمی از پسرها ندارند اما هرگز به پای پسرها نخواهند رسید پسرها در این سن احساسات خود را پنهان می کنند و این را یک برتری می دانند در صورتی که با مشکلات زیادی روبرو می شوند

دوره جوانی:

کم کم احساس بزرگ شدن و تلاش برای تحقق رویاها و اهداف آنها شروع می شود میل به برقراری رابطه دوستی با جنس مخالف البته رابطه سالم دو چندان می شود افکار عجیبی همچون

پیدا کردن شغل - تهیه مسکن - خرید خودرو - ازدواج هرگز از ذهن محو نمی شوند. علاقه به تفریح با دوستان مثل کوه سینما و ... تشدید می شود البته پسرها در این مرحله ترجیح می دهند بیشتر با دوست جنس مخالف خود به گردش بروند. درونگرایی آغاز می شود. مسائلی پیش می آید که با خانواده نمی توان در میان گذاشت. انتخاب دوست در این دوره اهمیت بالایی دارد چرا که ممکن است یک دوست بد و راهنمایی ناصحیح باعث بوجود آمدن فاجعه شود. احساسات شکل می گیرد. دوست دارند بیشتر مورد توجه قرار گیرند. زود خسته می شوند و شدیداً تنوع پذیر میباشند. برای رسیدن به اهداف خود از هیچ کوششی دریغ نمی کنند. غریزه جنسی میل به جنس مخالف و برقراری رابطه را زیاد می کند که اگر کنترل نشود موجب پدیدار شدن عادت به خودارضایی می شود. نقش خانواده ها در این سن: بهتر رفتار سرپرست خانواده به گونه ای باشد که پسر احساس تنهایی نکند و دلگرم به یک حامی بزرگ باشد. غرور سرتا پای پسر را در این سن فراگرفته بهتر است لطمه ای به این غرور وارد نشود. چرا که سرافکنندگی ضربه بزرگی تلقی می شود. نیروی عجیبی در بازوان آنها پدیدار می شود و به شکست وسایل و اشیاء در هنگام عصبانیت علاقه زیادی نشان می دهند. برای خالی کردن پتانسیل درونی با هم جنس خود در خانواده دچار مشکل می شوند. این رفتارها همه و همه طبیعی هستند چرا که در این مرحله رشد تا مرحله زیادی پیشروی می کند. نقش دوست دختر یا نامزد در این مرحله: بهتره بدانید او در این مرحله اگر قرار باشد به حرفی کسی گوش کند او یک نفر شما هستید. پرخاشگری در روابط احساسی

طبیعی است اراده در قدرت تصمیم گیری تا حد زیادی نوسان دارد آنها زود تصمیم میگیرند و زود از تصمیمات خود منصرف می شوند شکدر مردان امری طبیعیست پس ناراحت نشوید حتی اگر یک درصد احتمال جدایی شما در رابطه دوستی می رود بهتر است اگر او را دوست رابطه جنسی با دوست پسر خود برقرار نکنید برای آنها شعر بخوانید از پسرهای دیگر جلوی آن حرفی نزنید از روابط نزدیک خود با دوستانتان حرفی نزنید چرا که ممکن است دوست پسر خود را از دست بدهید هنگام عصبانیت با آنها مشاجره نکنید آنها از بوسه لذت می برند از هدایای مثل کتاب و حتی عطرخوششان نمی آید چرا که زود خسته می شوند روابط تلفنی خود را در حد تعادل نگه دارید سعی کنید هر دفعه با دفعه قبل تفاوت داشته باشید با این فرمول یک پسر نرمال شمار را هرگز رها نخواهد کرد اگر وسایلی همچون ماشین موبایل و ... ندارد مدام اینها را گوشزد نکنید چرا که در اینصورت کمتر با شما به بیرون می آید نقش مادر: مادران عاشق پسران جوان خود میباشند اما این دوست داشتن کم کم فرزندان را دچار مشکل می کند فراموش نکنید پسر شما روزی باید ترک منزل کرده و خانواده تشکیل دهد پس نیمه بیشتر عمرش را در اختیار همسر و فرزندان آینده اش می باشد یکی از دلایل بد رفتاری مادرها با عروسشان به نظر من دوست داشتن زیاد می باشد چرا که زمانی که فرزند پسر آنها قصد ترک منزل را دارد مادر تصور می کند عروس می خواهد پسر را از چنگ مادر در بیاورد و یا اینکه زمانی که پسر به همسر خود در مقابل مادر ابراز علاقه می کند حس حسادت زنانه مادر برانگیخته می شود اینها همه طبیعی میباشد اما متأسفانه

به علت عدم آموزش و شناخت چه زندگی هایی که به علت همین رفتارها به شکست منجر می شود . در مورد رفتارهای آقایان در دوران زندگی در مباحث آینده می نویسم . /

آیا پسران بیشتر از دختران میفهمند

همه می دونیم که دخترها از پسرها زودتر بالغ میشوند. این بلوغ تنها فیزیکی نیست بلکه عقلی هم هست. یعنی اینکه وقتی یه پسر و دختر ۱۰ ساله رو بغل هم میزاری عملاً میفهمی که دختر خیلی بهتر از پسر مسائل رو درک میکنه. این ماجرا ادامه داره تا بعد از مدتی که سیر نزولی به خودش میگیره. یعنی جای دختر و پسر در سنین ۱۷ - ۱۸ سال عوض میشه و از اونجا به بعد همینطور فاصله بین این ۲ تا زیاد میشه. دلیلش واقعاً چیه؟ چرا باید اینجور باشه؟ اگر دقت کنین میبینین که این مورد دقیقاً از زمانی شروع میشه که مادر تصمیم میگیره دخترش رو از بقیه جدا کنه! ارتباطاتش رو کم کنه. دختر بینوا تا پریروز راحت بازی میکرد و با دوستاش تو سر و مغز هم میزدند ولی الان دیگه مامانه احساس خطر میکنه! مادر از جانب پسرهایی که هنوز حتی به سن بلوغ هم نرسیدند احساس خطر میکنه! در نتیجه دختر باید بتمرگه تو خونه و آموزش خانه داری بینه! مادر کل ارتباطاتش رو قطع میکنه و شروع میکنه از عقاید دری وری تو گوش

دختر خوندن تا یاد بگیره چطور خویشتندار باشه و خودکشی روحی بکنه! اما با پسر خونه کاری نداره، بلکه واسه پسر خوبه که شیطونی کنه! نشونه سلامتیسه! پسره تو اجتماع ول میگردد و آزاده. هر غلطی هم که بکنه اشکال نداره چون پسره! از طرف دیگه پسرها هم یهویی همبازیهای جنس مخالفشون رو از دست میدن! اونهایی که تا دیروز از سر کول هم بالا میرفتن الان شدن ۲ دسته که یکیش کاملاً پارچه پیچ شده و کنترل میشه تا مبادا از ارزش بیوفته! نتیجه این میشه که سن بلوغ پسرها هم پایین میاد. شما توی کوچه ها عملاً میبینی که یه بچه ۱۲ ساله داره فحشهای جنسی میده و به دخترها متلک می اندازه و نیشش هم بازه! ولی به هر حال چون پسره، مجازه که همه جا رو به آتیش بکشه! اون باید تجربه کسب کنه. باید ارتباط داشته باشه. اون دوستاش رو خودش انتخاب میکنه در عوض دوستای دختر باید از سی تا فیلتر رد بشن! مادر فکر میکنه ممکنه دخترش فاسد بشه! برای همین نباید با هرکسی دوست بشه! باید با یه دختر ساده و بدبخت دیگه مثل دختر خودش دوست بشه تا مبادا چشم و گوشش باز بشه! در نتیجه دختر با دوستانش هم نمیتونه تبادل اطلاعاتی داشته باشه چون اون هم یه گیجیه مثل خودش! پسر با دوستاش میره اینور و اونور، توچال، لواسون، پارک چیتگر، جاده چالوس ولی دختر باید مسیر مدرسه تا خونه رو هر روز تشریح کنه! پسر میره، میگردد، حرف میزنه، تجربه میگیره اما تمام اینها واسه دختر زشته! گردش یعنی

کرد خیالش راحت که مهم نیست. لازم شد ۲ تا هم تو سرش بزنه تا فرمانبرداری کنه. باید عین یه احمق زندگی کنه تا بهش بگن پاک و نجیب! واقعاً این چه رسومیه که راه انداختین؟ تا کی میخواین خودتون رو مسخره دیگران بکنین؟ ارتباطات رو قطع میکنین تا از انحراف جلوگیری کنین؟ اسمش رو هم میزارین ارزش!! مگر پسر تو همون خونواده بزرگ نشده؟ چرا اون منحرف نمیشه؟ یا اگه میشه نکنه اشکال نداره؟ شما با اینکار ارزشها رو عوض کردید. یه بابایی تو یه بحثی داشت از دوست دخترش میگفت! باهاله، خوشگله، با کلاسه، نوار خاجی گوش میده! خیلی میفهمه، کتاب متن آهنگهای john bon jovi رو میخونه!! زنی تو سر خودت؟ اینها شده ارزش؟ البته حق داره! تو این ویرانه آباد یه همچین فردی باید یکم روشنتر باشه! زشت نیست بخدا؟ ما ارتباطات و اطلاعات رو میبندیم و در عوض جفنگیات جایگزینش میکنیم. مسلماً وقتی یه دختر نتونه بار ارزشی ذهنی پیدا کنه، نتونه تجربه پیدا کنه، نمیتونه روشن فکر کنه. وقتی اطلاعاتش به روز نیست نمیتونه راه حل ارائه بده. البته این تو ایران رسمه! باید رسماً دختر رو خر نگه دارن تا بتونن ارزش راحت استفاده کنن! این فرهنگ ماست. در نتیجه، دختری که بار علمی پیدا نمیکنه ارزش برایش همیشه صندل روباز! پراید هاچ بک دوست پسرش!! که تازه اونهم مال باباشه! شلوار بهترین مارک، دوخت ترکیه!! مسلماً وقتی دختر اینقدر ضعیف ذهنی بشه عملاً دیدش عوض میشه و مثلاً از

ورزش به میدان نمایش می سازه! کوهپیماهای دختری که با آخرین مدل لباس و آرایش ارتفاعات درکه روی می کنند! فکرم می کنند خیلی باکلاس! تو دکه سید دارآباد قلیون میکشند یا پشت تخته سنگهای دربند آبجوی هلندی میخورن! وقتی دریچه های ارتباطی رو با ابزار اخلاق میبندین همین میشه نتیجه اش. دریچه های اطلاعاتی رو باز کنین. دختر مجازه هرچور دوست داره زندگی کنه. دختر باید روشهای زندگی رو بشناسه و خودش یکیش رو انتخاب کنه. نباید بهش روش زندگی تزریق کرد. اگر هم اشتباه کنه دلیلش تنها و تنها ضعف تربیتی خانواده اونه و نه چیز دیگر.

منبع از الهام نویسنده وبلاگ amuzesh6

آموزش مسائل جنسی به کودکان قسمت اول

سکسوالیته یکی از ارکان مهم زندگی انسان است. اما در زمینه آموزش مسائل جنسی هنوز شاهد نقصان هایی در جامعه هستیم، که می بایست به آنها پرداخته شود. حال این سوال مطرح می شود که آیا در فضای

مملو از خفقان جوامع سنتی / مذهبی، که در آن سکسوال بودن انسان انکار و سرکوب می شود، ایفای چنین مسوولیتی ممکن است؟ خوب بهتر است به جای اینکه پشت موانع محتمله، ناامیدانه خود را ببازیم، سعی کنیم با استفاده از حداقل امکانات موجود و کمی خلاقیت ولو در نهایت محدودیت ها، کمال بازدهی را داشته باشیم. گاهی برای حل مشکلات و مصائب، معدود راههای ممکن ناچیز بشمار می آیند، اما در دراز مدت کیفیت مطلوب را فراهم می آورند. بعنوان مثال خانواده که نخستین نهاد اجتماعی که شخصیت فرد در آن شکل می گیرد، می تواند ساده ترین و موثرترین نهاد آموزش سکسوالیته به افراد باشد. تا بحال چند درصد از شما در کودکی پدر و مادر خود را در حال بوسیدن و عشق بازی دیده اید؟ یا چند نفر تا بحال با ایشان در مورد مسائل جنسی به مباحثه نشستند اید؟ متاسفانه گفتگو در این گونه موارد تابو است و در فرهنگ ما هنوز "جا نیفتاده" است.

البته چگونگی آموزش جنسی به کودکان خود از لحاظ روانشناختی نیاز به آموزش و رعایت برخی نکات دارد. یکی از موارد بارز در این زمینه، مساله خودارضایی کودکان است. خودارضایی/ جلق زدن کودکان، امری طبیعی است. دخترها حتی از سنین دو سه سالگی از روی کنجکاوی با سکس ابزار خود بازی می کنند، و پسران نیز علاوه بر "انگولک"، به شکم خوابیده و خود را به زمین/ تشک و یا غیره می مالند. تابحال موارد معدودی در مورد به ارگاسم رسیدن کودکان ثبت شده است، به هر حال آنچه حائز اهمیت است، آگاهی به رفتار جنسی کودکان و ترغیب آنها به انجام درست آن می باشد؛ تا مبدا در این زمینه احساس گناه، عذاب وجدان و حقارت نمایند. در صورت مشاهده چنین صحنه ای هرگز کودک را از انجام خودارضایی منع نکنید، بلکه بگذارید تا با کنجکاوی بدن خود را بشناسد و از انجام این کار احساس خوبی داشته باشد؛ وگرنه در آینده در ابراز علایق، احساسات و خواستههای جنسی اش دچار مشکل خواهد شد. فراموش نکنید تنبیه در این گونه موارد عقده می سازد.

بدین ترتیب شما به او می آموزید که اجازه لمس و لذت بردن از بدنش تنها در اختیار "اوست"، و در صورت عدم تمایلش هیچ کس اجازه تعدی و تجاوز به آن را ندارد. مشکل اصلی والدین این است که با فرزندان خود «دوست صمیمی» نیستند، این لازمه راحتی صحبت کردن پیرامون موارد جنسی است. و تنها زمانی کودک اتفاقات را برای شما تعریف خواهد کرد که این اطمینان و اعتماد و نزدیکی را به شما داشته باشد. چه بسی کودکانی که حتی در محیط خانواده قربانی سو استفاده های جنسی افراد فامیل می شوند ولیکن جرات/ شرایط امن صحبت کردن راجع به آن را ندارند.

این حق بچه هاست که در مورد سکس بدانند. پس چه بهتر که این آگاهی توسط خانواده به آنها برسد، تا اینکه توسط دوستان و یا فیلم های سوپر؛ منابعی غیر قابل اعتماد و ناشی که ممکن است بینش او را نسبت به امور جنسی منفی نمایند. با ابراز عشق در حضور کودکان به آنها بفهمانید که بوسیدن و سکس امری عاطفی و مطلوب است. به هنگام سکس در اتاق را قفل نکنید، این کار باعث برانگیخته شدن احساس کنجکاوی او می شود، سعی کنید بعداً در این مورد برای او به زبان خودش توضیح دهید. از بوسیدن و ناز دادن آنها در مقابل دیگران خجالت نکشید، بگذارید مهر ورزیدن، برایشان امری طبیعی شود، نه تابو!

یکی دیگر از معضلات والدین برخورد صحیح و پاسخ "مناسب" به سوالات بی پایان کودکان در زمینه مسائل جنسی و تولید مثل است. کودکان تا سن هفت سالگی علاقه زیادی به پرسش در مورد چگونگی تولید مثل و اندام تناسلی دارند و بکرات در بازی های کودکانه شان نقش «دکتر» را بازی می کنند. سعی کنید در پاسخ به سوالات کودکان داستان بافی نکنید و حقیقت امر را به نحوی نه اغراق آمیز و نه بیش از حد خلاصه شرح دهید. حال از چه واژه هایی استفاده باید نمود؟ برخی از روانشناسان معتقدند بکارگیری واژه های صحیح علمی مانند : سکس ابزار، واژن، رحم، چُل، خایه، باسن، پستان، دخول، سکس، جنین، زاییدن و ... بهتر از بکارگیری واژه های

عامیانه است. برخی نیز واژه های عامیانه را کم در دستر می دانند. به نظر من مهم این است که مثلا به آنها بفهمانیم «نوزاد از واژن زن دنیا می آید» و از "بازار خریده" نمی شود! در هر صورت کودک باید در سن هفت سالگی با این واژه ها تا حدی آشنایی داشته باشد.

دوره دوم از هفت تا چهارده سالگی، دوره ای است که کودک بتدریج پا به دوران بلوغ گذاشته و کنجکاوی و ماجراجویی خاصی در مورد چگونگی انجام امور جنسی دارد. حال محتوای سوالات عبارتند از احساسات، تکنیک ها، عکس العمل ها، لذات و خطرات. اطلاعات در مورد پرینود، آمیزش و راههای جلوگیری از بارداری می بایست در برنامه آموزشی این دوره قرار گیرد. البته با مرور زمان تجربیات شخصی خود آنها از این عمل بهترین نوع خود آموزی خواهد بود، اما کاری که از عهده والدین برمی آید همانا مجهز کردن آنها به اطلاعات کافی در مورد امور جنسی و پیشگیری از ابتلاشان به بیماریهای جنسی است

آموزش مسائل جنسی به کودکان قسمت دوم

اهمیت تماس بدنی

بندرت پیش می آید که افکار عمومی و هنجارهای جامعه افراد را به لذت بردن از سکس تشویق کنند. ما باید در وهله اول سکسوال بودن خود و اینکه عشق ورزی و بهره گیری از لذات جنسی موجب بهبود کیفیت زندگی مان می شود را بپذیریم، تا بتوانیم در مرحله بعد مسوولیت آموزش آن به کودکانمان را به عهده گیریم. ضروری است در این زمینه به اهمیت «تماس بدنی» اشاره نمایم.

پوست بزرگترین اندام بدن انسان به مساحت تقریبا دو متر مربع است که به

هزاران هزار شریان و گیرنده های هورمونی، رشته های عصبی متصل می باشد. کوچکترین تماس بدنی و حتی گرمای اطراف آن موجب ترشح هورمونها و تحریک رشته های عصبی شده و سیگنالها به مغز راهی می شوند، و نوعی «احساس مطلوب و آرامش» و حس مورد محبت واقع شدن، پذیرفته شدن و دلگرمی را در ما بوجود می آورند. در دراز مدت حاصل جمع این تماسها، نوازشها و ماساژ در فرد روحیه ای مثبت، سرشار از آسایش و سرزندگی می آفریند. تحقیقات گویای این است که عدم برخورداری از لمس و نوازش حتی در بیماریهای جسمی افراد، چگونگی ایفای نقشهای اجتماعی و اختلالات رفتاری از جمله خشونت، افسردگی، اعتیاد، فرزندکشی و حتی مرگ نقش دارد. بیشتر مجرمان و بزهکاران در جوامعی پرورش می یابند که امور جنسی در آن تابوست.

کودکان در اخذ و ضبط عکس العملها بسیار حساس و ماهره‌ند. کوچک ترین رفتار والدین، حتی یک نگاه نیز می تواند القاگر پیامی باشد که اثر آن در ذهن کودک حتی برای مدتی طولانی باقی می ماند. در این زمینه روش «پاداش و جزا» مبتنی بر «خوب یا بد بودن اعمال» مخصوصا کارگر است. ناز و نوازش بدن کودک به او می فهماند که بدنش دوست داشتنی است و تماس چیز مثبتی است و داشتن اندام جنسی «خوب» است. تنبیه پیام برعکس این را القا می کند و عقده می سازد. بعنوان مثال اگر کودکی به هنگام خودارضایی تنبیه شود یاد می گیرد:

مالش اندام جنسی بد است.

داشتن اندام جنسی شرم آور است.

لذت جنسی بردن روا نیست.

یک نمونه از مشکلات رفتاری خانواده ها برخورد با «لخت ظاهر شدن» کودک و یا والدین است، که معمولا از جانب پدر و مادر و یا اطرافیان ناپسند و شرم آور محسوب می گردد. همین باعث می شود فرد در بزرگسالی از

لخت شدن در مقابل همجنسان و یا حتی در مقابل آینه خجالت بکشد. چه بسا زنانی که هنوز آلت تناسلی خود را در آینه ندیده اند!

بینش والدین نسبت به مسایل جنسی کودکان

نیاز به آموزش فعال کودکان در دوره طفولیت امری ضروری است، زیرا اگر شروع آن به سنین بلوغ واگذار شود، ایفای آن بمراتب مشکل تر خواهد بود. بسیاری از والدین در مورد مسائل جنسی بی توجه هستند و یا در صورت اهمیت، مردد از اینکه چه رفتاری صحیح و مناسب در اینگونه مواقع است. کودکان را به سرنوشت خود رها نکنید زیرا طفره رفتن و دودلی شما آنها را نسبت به جنسیت، تمایلات و رفتارهای جنسی شان بیشتر نامطمئن و شرمگین خواهد نمود آنهم بدلیل ناسازگاری و کشمکشی که میان «عملکرد طبیعی بدن» و در مقابل «رفتار و قضاوت والدین» در ذهنشان بوجود می آید. همانند احساس شرم و عذاب وجدانی که بسیاری پس از انجام [خودارضایی](#) دارند. شانه خالی کردن و یا بینش منفی والدین در دستاویز شدن با مسائل جنسی کودکان ریشه در نگرانی و واهمه آنان از «غیر عادی» شدن و کودکان دارد. بسیاری معتقدند خودارضایی باعث می شود فرد در آینده از لحاظ سکسی افراطی شود و یا دست به خشونت و تجاوز زند. این در صورتی است که روانشناسان وجود رابطه مستقیمی بین سرکوب نیازهای جنسی در دوران کودکی و خشونت را تایید کرده اند. مثلا فرد به هنگام تجاوز برای رهایی یافتن از عقده های جنسی اش آنها را با اعمال خشونت بر سر دیگری خالی می کند. یا اگر شخص سکس را چیز بدی بداند، این تنفر باعث می شود فقط هنگامی سکس داشته باشد که در مقابل دستمزدی برای آن دریافت کند (نمونه ای از روانشناسی بچه های خود فروش). مکانیزم رفتارهای جنسی مانند عصبانیت است. فردی که عصبانیت خود را به راحتی نشان می دهد، به هنگام خشم عصبانیت خود را تحت کنترل دارد و به دیگران آسیبی نمی رساند. اما فردی که همیشه

تظاهر می کند آرام باشد و خشم را در خود فرو می ریزد، ممکن است با مصرف مشروبات الکلی تعادل خود را کاملاً از دست داده و به دیگران تعدی نماید. بنابراین بعید است فردی که با بدن خود آشنا/ رفیق است و به نیازهای جنسی خود پاسخ منطقی می دهد، افسارگریخته دست به خشونت و تجاوز جنسی بزند.

پاسخ به سوالات کودکان

برخی بنابر تجربیات و خاطرات تلخ جنسی گذشته خودشان، از تکرار دوباره آن در مورد فرزندانشان در هراسند و سکسوال بودن کودکانشان را کورکورانه انکار می کنند. اینکه کودک در مورد مسائل جنسی سکوت اختیار می کند دلیل بر عدم کنجکاوی او در این زمینه نیست. بلکه مطمئن باشید قبلاً کنجکاوی و یا تمایلات او را به گونه ای سرکوب کرده اید و این اعتماد که شما را بعنوان سنگ صبور خود دانسته و راز و رمزش را با شما به میان بگذارد را از او جلب نموده اید. کودکانی که بیشتر مورد توجه و نوازش قرار گرفته و خودارضایی می کنند در روابط جنسی با شریک جنسی خود، کمتر دچار مشکل خواهند شد.

مشکلات در زمینه چگونگی روپاویی با سوالات جنسی بسیار است. در ابتدا گزینش واژه های مناسب برای محاوره ای ساده و دوستانه و سپس انتخاب زمان و مکان مناسب، می تواند کار را راحت تر کند. بعنوان نمونه به هنگام استحمام که هر دو برهنه می شوید، می توان پاسخگوی سوالات او باشید. نمونه سوالاتی که معمولاً برای کودکان مطرح است:

چرا من آلت جنسی دارم؟ اسم آن چیست؟

چرا اندام تناسلی من چنین عملکردی از خود نشان می دهد؟ اسم

عملکرد چیست؟

در مقابل تحریک شدن چه رفتاری باید نشان دهم؟ نادیده گی و یا

پذیرش؟

به هنگام تحریک جنسی چه اتفاقی می افتد؟

من چگونه بدنیا آمده ام؟

پاسخها باید ساده و از لحاظ علمی درست باشند. دروغ نبافید! اگر فکر می کنید کودک از لحاظ سنی معنی واژه های علمی را نمی فهمد از اصطلاحات عامیانه تر استفاده کنید. اگر کنجکاوی در این مورد نمی بینید خود به اندام جنسی کودک اشاره کرده و نام آن را به ایشان بیاموزید. این مساله در مورد دختران که آلت جنسی شان مخفی تر است بیشتر صدق می کند. در سنین بالاتر تغییرات بدن بهنگام ارگاسم در دختران نسبت به پسران که شاهد ضربان آلت تناسلی خود هستند، ناملموس تر است. حتی در امر آموزش چگونگی ارگاسم نیز پسران راحت ترند، زیرا معمولاً در گروههای چند نفری با هم «جلق زدن» را به یکدیگر می آموزند.

تمایلات و رفتارهای جنسی کودک از دوران طفولیت تا سن پنج سالگی خلاصه می شوند در کنجکاوی، تحریک و پاسخ جنسی مداوم و خودانگیز او به محرکها مگر اینکه بنحوی از سوی دیگران سرکوب شوند. عمل استشهاده با رشد و ایجاد هماهنگی میان ماهیچه های بدن بعد از دو سالگی میسر می گردد. رفتارهای دیگر مانند بوسیدن و دست زدن به اندام های تناسلی یکدیگر در قالب بازیهای جنسی نزد کودکان چهار پنج ساله مشاهده می شود.

بازیهای جنسی کودکان

بازیهای جنسی کودکان با یکدیگر نه تنها زیان آور نیست، بلکه برای رشد هویت جنسی آنها لازمه ای است. شاید تا بحال کودکان را حین این گونه بازیها از قبیل «دکتر بازی» و یا تقلید از نقش پدر و مادر دیده اید، که چگونه با استفاده از اشیاء مختلف به "معاینه" بدن یکدیگر می پردازند و یا با تقلید

از عمل تناسل روی یکدیگر می خوابند و به عقب و جلو می روند، بدین ترتیب یکدیگر را تحریک کرده و از گرمایی که در اندام جنسی شان بوجود می آید احساس مطلوبی می یابند. نکته ای که شاید بیشتر از خود این بازیها ذهن والدین را نگران می کند این است که شریک بازی بچه ها معمولا هم جنسشان می باشد. اما این بازیها/ شبه رفتارها تنها از روی کنجکاوی آنهاست و هیچ ارتباطی به هویت جنسی آینده شان ندارد. بازی از آنجا مثبت است که به کودک می آموزد:

در مورد تمایلات، احساسات و کنجکاوهای جنسی شان تنها نیستند. این تمایلات و احساسات از جانب دیگری مورد تایید قرار می گیرند. لخت شدن در مقابل هم جنسان خود خجالت آور نیست.

شش تا نه سالگی به عقیده زیگموند فرید زمانی است که کودک از لحاظ جنسی غیر فعال است و در صورت درگیری با مسائل جنسی شدیداً تحت تاثیر عواقب منفی آن قرار خواهد گرفت. البته صحت این تئوری هنوز تایید نشده. این دوره ای است که سوالات و کنجکاوهای کودکان در مورد ازدواج، سکس و حاملگی نمایان می شود. فانتزی های جنسی، استشهادهای گروهی، تقلید عمل جفت گیری و تمایل به جنس مخالف از جمله تغییرات جنسی این دوره است.

در نهایت با نزدیک شدن سن بلوغ، تاثیر هورمونها و رشد سریع کودکان، رفتارها و تمایلات جنسی شان نیز شدت می یابد. تعداد استشهادهای بیشتر شده و بسیاری از کودکان از مجلات و یا فیلم های پورنوگرافی برای تحریک خود استفاده می کنند. گفتنی است که پانورامای رفتارهای جنسی کودکان عمدتاً به فرهنگ خانواده و جامعه ای که در آن پرورده می شوند و همین طور میزان مشاهده و کسب اطلاعات آنها از محیط پیرامونشان وابسته است. منبع از *womanology*

تماس جنسی از راه دهان و خطر HIV

تماس جنسی و تحریک از راه دهان با واژن (عضو جنسی زنانه) و یا با آلت تناسلی مرد را تماس جنسی امن نمی شناسند. تحقیقات تاکنون ثابت کرده اند که تماس از راه دهان می تواند ویروس اچ. آی. وی. و علاوه بر آن دیگر بیماری های مقاربتی سرایتی را انتقال دهد.

تماس از راه دهان تحریک بر انگیزبوده و قوه جنسی را تحریک می دهد. این کار از طریق مکیدن پنیس (آلت تناسلی مرد)، و یا لسیدن واژن (عضو جنسی زنانه) و مقعد صورت می گیرد. "Fellatio" نام لاتین روشی است که در آن آلت مرد توسط زبان تحریک می شود.

"Cunnilingus" به روشی گفته می شود که دهان به تحریک واژن (عضو جنسی زنانه) و چوچوله می پردازد. "Anilingus" اصطلاح لاتین روشی است که دهان با مقعد برای تحریک در تماس است.

مطالعات نشان می دهد که تماس جنسی دهانی معمولاً در بین همه گروه های سنی که این جوانان را هم شامل می شود، رایج است و در بین بسیاری از شرکای جنسی زن و مرد وهمچنین بین شرکای جنسی هم جنس رواج دارد.

در بین جوانان به خصوص خانم های جوان ممکن است به دلیل عدم تمایل به دخول و حفظ بکارت به عنوان نوعی تمرین در رشد توانایی جنسیتی و یا پاسخ به کنجکاوی های روابط جنسی این عمل جالب باشد که با توجه به خطر انتقال ویروس بهتر است که با هیچ یک از گروه های شرکای جنسی انجام ندهید.

(البته در تحریک دهانی آلت تناسلی مردانه در صورت استفاده صحیح از محافظ کاندوم، خطر انتقال بسیار ناچیز خواهد بود.)

خطر انتقال ویروس اچ. آی. وی. از یک شریک جنسی آلوده از طریق تماس جنسی دهانی بسیار کمتر از ریسک انتقال اچ. آی. وی. از طریق نزدیکی مقعدی و واژینال است. از این جهت که، مشخص کردن میزان دقیق خطر ریسک انتقال ویروس اچ. آی. وی. از راه سکس دهانی مشکل است. بعلاوه اینکه بیشتر اشخاص در روابط جنسی شان شکل های دیگری از تماس های جنسی را علاوه بر رابطه دهانی دارند. مانند دخول در واژن و یا مقعد. به این دلیل مشکل می توان مشخص کرد که این انتقال نتیجه تماس دهانی بوده و یا نتیجه تماس های خطرناک دیگر بوده است. ضمن این که علاوه بر خطر انتقال ویروس اچ. آی. وی. در تماس دهانی بیماری هایی سرایتی مقاربتی نیز از این راه منتقل می شوند.

وقتی که پزشکان خطر انتقال دادن یک آلودگی مسری مانند اچ. آی. وی را

توصیف می کنند بیشتر از اصطلاح "خطر بالقوه" ویا "خطر نظری" استفاده می کنند. به زبانی ساده تر "خطر بالقوه" یعنی انتقال از یک شخص به شخصی دیگر ممکن است، هر چند که تاکنون مدارکی مستند برای اثبات قطعی آن وجود ندارد.

"خطر بالقوه" به معنی "خطر مستند" نیست. به کلام دیگر انتقال آلودگی با ویروس اچ. آی. وی. از نظر "نظری ممکن" است اما الزاماً منظور این نیست که حتماً اتفاق خواهد افتاد. "خطر مستند" در توصیف "انتقالی" استفاده می شود که مدارک مستند علمی کافی برای اثبات آن وجود داشته باشد.

خطر بالقوه:

در تماس دهانی با آلت مردانه به شکل "نظری" خطر انتقال برای شریکی که تماس دهانی را انجام می دهد (کسی که آلت را با دهان خود تحریک می کند) وجود دارد. بدلیل اینکه آلودگی از طریق ترشحات پیش ازمنی و منی به دهان راه پیدا می کند.

برای شخصی که آلت وی بوسیله دهان شریک جنسی اش تحریک می شود نیز، از نظر "نظری" خطر انتقال آلودگی وجود دارد به دلیل آن که آلودگی مستقیماً از ترشحات دهان بوسیله خراش، بریدگی روی پنیس و همچنین از طریق منی با خون تماس پیدا می کند.

خطر مستند:

البته میزان خطر به مراتب بسیار کمتر از خطر تماس جنسی مقعدی و واژینال است.

"ضمناً ویروس اچ. آی. وی. می تواند به شخص دریافت کننده انتقال پیدا کند حتی در مواقعی که انزال صورت نگرفته و مایع منی خارج نشده باشد."

خطر بالقوه:

در تماس دهانی با عضو جنسی زنانه به شکل "نظری" خطر انتقال برای شریکی که تماس دهانی را انجام می دهد (کسی که واژن را با دهان خود تحریک می کند) وجود دارد. بدلیل اینکه مایعات مهبلی آلوده و خون واژن آلوده می تواند به داخل دهان راه پیدا می کند. (این مسئله محدود به خون دوران قاعدگی نمی شود.)

برای خانمی که عضو جنسی وی بوسیله دهان شریک جنسی اش تحریک می شود نیز، از نظر "نظری" خطر انتقال آلودگی وجود دارد، اگر ویروس و یا خون آلوده از مایعات دهان و به واژن و زخم های مهبل و یا دیواره واژن تماس پیدا کند.

خطر مستند:

میزان خطر انتقال اچ. آی. وی. در این مورد نیز به مراتب بسیار کمتر از خطر

انتقال ویروس از طریق تماس جنسی مقعدی و واژینال است. در هر صورت در چندین مورد گزارش شده از انتقال ویروس از طریق دهان، بیشتر تماس دهانی با واژینال گزارش شده است.

خطر بالقوه:

در تحریک دهانی مقعد نیز به شکل "نظری" خطر انتقال برای شریکی که تماس دهانی را انجام می دهد (کسی که مقعد را با دهان خود تحریک می کند) وجود دارد. بدلیل اینکه این عضو در معرض خون آلوده قرار دارد که از ضایعات، ترشحات و خونی که بر اثر برش، زخم و یا خراش در اطراف مقعد پدید می آید به داخل دهان راه پیدا می کند. برای شریک جنسی که مقعد وی بوسیله دهان دیگری تحریک می شود نیز، از نظر "نظری" خطر انتقال آلودگی وجود دارد، اگر ویروس و یا خون آلوده آزمایشات دهان و با مقعد تماس پیدا کند.

خطر مستند:

مواردی مستدل و مستند از انتقال بوسیله تماس دهانی با مقعد ثبت شده است.

پزشکان مواردی را گزارش کرده اند که ویروس اچ. آی. وی. از طریق تماس جنسی دهانی انتقال یافته است. خطر دریافت آلودگی به ویروس اچ. آی. وی. از طریق تماس جنسی دهانی را می توان با استفاده از کاندوم های لاتکس کاهش داد.